

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- قانون "سود ویژه": زمینه‌ای برای اوچگیری جنبش کارگری ۳ صفحه
- بیشرمان پیکار نیروهای دشمن را به کمین انداختند ۵ صفحه
- نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی ۹ صفحه
- سخنی با دیدگاه سوم "وحدت انقلابی" ۱۱ صفحه
- ویتنام و تزه‌های رویزیونیستی "له‌وان" (۱) ۲۹ صفحه

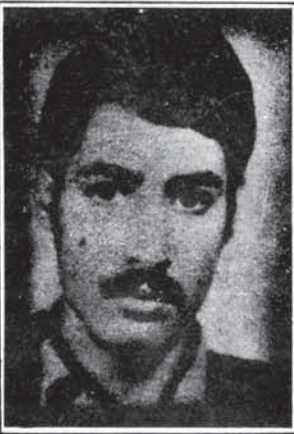
## باز هم خرید اسلحه و استخدام مستشاران نظامی!

۱۹ صفحه

## سرمقاله لیبرالها و مسئله "چماقداری"

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) و معیارهای اخلاقی بورژوازی

۱۳ صفحه



رفیق شهید  
محمدطهماسبی زاده

رفیق شهید  
محمود صمدی

از ۲۵ دی تا ۱۵ بهمن در مهاباد چه گذشت؟

۵ صفحه

جنایتکاران دو کمونیست پیکارگر را بخون کشیدند!

۷ صفحه

در روزهای اخیر ما شاهد نمونه‌های فراوانی از برخورد نژادپرستان لیبرالها و حزب حاکم بوده‌ایم که این خودبینا نگر و رود این اختلافات به سطح بالاتر و همراه با مضمون کیفی جدید است. اگر تا دیروز این برخوردها در حد درگیریهای لفظی و یا ضرب و شتم بصورت محدود بود، اینبار سطح درگیریها و کیفیت آن کاملاً تغییر یافته و ضرب و شتم و ترور و شکنجه با یک شیوه مورد استفاده حزب حاکم در برخوردش با لیبرالها قرار گرفته است. در این میان لیبرالها - ها میکوشند تا در برخورد به شیوه - های فاشیستی و سرکوب‌گریان جنبش توده‌ای توسط حزب جمهوری خود را طرفدار آزادی و طرفسدار توده‌های مردم جا زده و به آنها اینطور وانمود میکنند که گویا مخالف سرکوب و جوترو و خفقان هستند. البته این برای اولین بار نیست که لیبرالها دست به بقیه در صفحه ۲

تظاهرات پیکارگران در آمل و سراوان بخون کشیده شد

۲۶ و ۲۵ صفحه

فخرالدین حجازی: "عصاره انقلاب" یا چاپلوس درگاه نوکران شاه؟

۲۱ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



## بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

چنین عوامفریبی میزند. آنها در زمان رژیم شاه نیز در شرایط اوج گیری جنبش توده‌ای، برای مهار ساختن جنبش و انحراف آن از جهت اصلی و حفظ منافع طبقه بورژوازی عموماً و تا مین منافع لیبرالها و سهم شدن در قدرت سیاسی خصوصاً، شروع به نوشتن نامه و عریضه به "اعلیحضرت آریامهر" شدند و در آن تا آنجا که توانستند در مذمت دیکتاتور فردی و عوارض خاننسان براندازان سخن را نداشتند. آنها از شاه میخواستند که اگر طرابلس حیات و قدرت سیاسی خود هست، باید اندکی و فقط اندکی از فشار دیکتاتور مطلقه خود بکاهد و بیعتوان سوپا باطمینان از "تفویض" خرده آزادی‌های لیبرالی دریغ نکند همین آقای مهندس بازرگان که تا آخرین روزهای حکومت شاه خواستار بقای او و حفظ سلطنت بود، در برابر کشتار و وحشیانه توده‌های مردم توسط چکمیوستان رژیم آریامهری اظهار داشت که چرا تا وقتی از ما شین آب پاش برای پراکندن مردم می‌توان استفاده کرد شما از گلوله استفاده می‌کنید؟! لیبرالها در دیکتاتور مطلقه شاه مرگ سیستم و طبقه‌ای را میدیدند که خود جزئی از آن بودند. آنها نه در غم منافع توده‌ها که در پی حیات و منافع خود بودند. آنها از بورژوازی کمپرادور در قدرت، درخواست میکردند که اندکی جمع‌تر بنشینند و برای آنها هم برای نشستن جایی را در نظر بگیرد. بالاخره دعوی آقای بازرگان و لیبرالهای "محترم" با رژیم شاه دعوی میان دلدادگان بود، دعوی میان دو قشر از یک طبقه دعوی بر سر چگونگی حیات و حفظ طبقه و اعمال این یا آن شیوه سرکوب جنبش توده‌ای.

و دیدیم که چگونه لیبرالها به "مشروطیت" خود رسیدند "و به برکت خون هفتاد هزار شهید و صدها هزار معلول و اسیر بیکم با ران خیزده بورژوازی خود و همراه با آنان به قدرت تکیه زدند و کوشیدند تا با سوار شدن بر امواج انقلاب نه تنها خود را به ساحل مزاد برسانند، بلکه از شدت وحدت آن بکا هندو مانع از آن شوند که امواج خشم توده‌ها پایه‌های سیستم سرمایه‌داری و ابسته رادگان نماید. آنها نه تنها از نابودی ارتش توسط توده‌های قهرمان در خلال قیام خونین بهمن جلوگیری کردند، بلکه از همان فردای غصب قدرت سیاسی، با سازی آنرا در دستور فوری و درجه اول خود قرار دادند. چرا که بخوبی میدانستند، با سازی سیستم سرمایه‌داری و ابسته به امپریالیسم که هدف اصلی آنها را تشکیل میداد تنها از طریق ما شین سرکوب دولتی و در راس آن ارتش و نیروهای انتظامی امکان پذیر خواهد بود. لیبرالها از همان فردای قیام کوشیدند تا روابط خود را با امپریالیسم و بیوزام امپریالیسم آمریکا که در سایه قیام توده‌ها و بنا بر روی رژیم سلطنتی شاه

دخا را اختلال جدی شده بود، بهیود بخشد و با اصطلاح آب رفته را بجوی بازگردانند.

روشن است که لیبرالها در تمامی این کوشش‌ها و اقدامات مدمردمی خود تنها نبودند و همواره از همکاری و همکامی ضعیفانه دیگر بخش‌های بورژوازی که در شورای انقلاب و حزب لانه داشتند و همچنین خرده بورژوازی مرفه سنتی و از آن جمله است الله خمینی برخوردار بودند. اما دیری نگذشت که بر پایه تضادهای موجود دعوی قدرت میان جناح‌های حاکم بالا گرفت و خواب خوش لیبرالها را که ابزار کلیدی قدرت را در اختیار داشتند برهم زد و جناح دیکتاتور در نیروی فاشه را در قدرت بدست گرفت و لیبرالها را یکی پس از دیگری از مواضع کلیدی و حسان حکومت کنار زد.

اکنون که لیبرالها در قدرت سیاسی در موضع ضعف قرار گرفته و همواره از سوی جناح حزب در اینجا و آنجا تحت فشار قرار دارند، صدای مخالفت خوانی را که البته در گذشته نیز وجود داشت رسا تر کرده و بیاتک و فربا دیدار داشته اند که استبداد و دیکتاتور حیز راه است و اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود انقلاب در خطر است. بنی صدر و دیگر همپالکی‌های او از نبودن آزادی و مصون نبودن جان و حیثیت افراد و فروریختن ارزشها خود را نگران نشان میدهند و آنچنان از شکنجه و زندان بنی سیاسی، ترور و عدم امنیت قضائی، حمله به اجتماعات و تظاهرات و عدم امکان فعالیت گروه‌های سیاسی داد سخن میدهند و خود را سینه جاک آزادی نشان میدهند که گوشتی است همین دیروز آنها نبودند که فرمان کشتار خلق کرد و ترکمن را مارد کردند. برستی جنبش کارگران بیکار و رو تاغل در اکثر نقاط ایران به دستور چه کسانی بخون کشیده شد؟ مگر همین شورای انقلاب که آقای بنی صدر و بازرگان و یاران لیبرالشان نیمی از کرسیهای آنرا اشغال کرده بودند، نبود که حکم بر لگو سو دویزه کارگران داد؟ ما و ما یعنی ساواک جدید توسط چه کسانی پای گرفت؟ "فانون ویژه" که بر اساس آن باسداران و مزدوران ارتجاع را بر زندگی و حرکت کارگران در کارخانه حاکم می ساخت، مگر توسط شورای انقلاب تصویب نشد؟ تحدید عملی قانون ۱۳۱۰ رضا خانی درباره ممنوعیت فعالیت گروه‌های کمونیستی و انقلابی و محکومیت آنها توسط چه نهادی جز همین شورای انقلاب تصویب و تأیید گردید؟ مگر همین آقای بنی صدر نبود که امسال را سال امنیت نام نهاد و منظورش را از امنیت در خطاب به ارتش اینطور بیان کرد که شما حق ندارید تا زمانی که کردستان را سرکوب نکرده اید بنویسید -- هایتان را در آوریید؟ حمله به دانشگاه و کشتار دانشجویان کمونیست و انقلابی با تا شیند و همکارانی که کسانی جز بنی صدر و دیگر لیبرالها

صورت گرفت؟ مخالفت بنی صدر با ترور رهبران خلق ترکمن آیا جز این بود که گفت آنها بجای ترور باید اعدام میشدند؟! حمله ارتش به کردستان برای دومین بار در اردیبهشت ۵۹ به دستور چه کسی صورت گرفت؟ موضع آقای بنی صدر و لیبرالها در برابر کشتار رگروه گروه مردمی - دفاع روستاهای کردستان چه چیزی جز تا شیند بوده است؟ آیا ممنوعیت انتشار و فیسروشن نشریات کمونیستی و انقلابی و دستگیری و شکنجه و تیرباران کمونیستها و انقلابیون جز تا شیند و تصدیق بنی صدر صورت گرفته است؟ باز - سازی ارتش، بکار آمدن فرماندهان مزدور ارتش آمریکا و خرید سلاحهای سنگین و سبک از امپریالیستهای غربی و تروری به دستور و با بیید چه کسی جز بنی صدر فرمانده کل قوا صورت گرفته است؟ در یک کلام مگر نه اینست که با سازی سیستم سرمایه‌داری و ابسته و حفظ با تجدید بسیاری از قراردادها، امپریالیستی و سرکوب جنبش توده‌ای توسط رژیم صورت گرفته که در آن لیبرالها و از جمله بنی صدر نقش فعال و در مواردی غالب را داشته‌اند؟

پاسخ این سوالات در تمامی موارد مثبت است و خلق ما نه تنها در گذشته نزدیک بلکه هم اکنون نیز شاهدان است که لیبرالها و در راس آنها بنی صدر، علیرغم تمامی اختلافات خود با جناح حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی آنجا که پای حیات کل سیستم و جنبش اعتراضی و انقلابی توده‌ها مطرح است، دست در دست حزبیها و مشترکاً چماق سرکوب خود را بر سر مردم زحمتکش ما فرود می‌آورند و کوچکترین سخنی هم از آزادی و دموکراسی برای توده‌ها و نیروهای انقلابی مطرح ننموده و نیست.

بنی صدر در سخنرانی ۲۲ بهمن همان گفته ۱۲ فروردین خود را تکرار کرد و گفت بیا داشته باشید که من این سال را سال امنیت نام نهادم و این میسر نمی‌شود مگر با کوشش و فداکاری (بخوان سرکوب و کشتار) ارتش جمهوری اسلامی. اگر امروز بنی صدر و لیبرالها ندای مخالفت با "چماق‌داری" را سر میدهند، این نه به معنای آزادیخواهی و دفاع از منافع توده‌ها و مخالفت با دیکتاتور بورژوازی، بلکه صرفاً نخواستار مخالفت با جناح حزب بر سر تا حاب سهم بیشتری از قدرت و تریب دادن توده‌های هر چه وسیعتر و جلب و جذب آنها بسوی خود میباشند. اختلاف آنها با حزب بر سر دفاع از آزادی و استقلال و دفاع از خواستهای دمکراتیک توده‌ها، بلکه بر سر چگونگی با سازی این سیستم و نحوه سرکوب جنبش توده‌ای است. آنها بر سر اصل با سازی سیستم و سرکوب جنبش توده‌ای کوچکترین اختلافی با ندارند و از مدتها قبل با یکدیگر "میثاق وحدت" بسته‌اند.

بقیه در صفحه ۲۲

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!



# جنبش کارگری



## کارگرو زندانی آزاد باید گردند!

سیمان تهران:

کارگران این کارخانه در ادامه مبارزاتشان برای گرفتن سودویژه، روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۲۱ اجتماعی تشکیل داده و در باره اینکه سودویژه حق مسلم کارگران است و باید پرداخت گردد، صحبت کردند. زمانیکه ۲ ساعت از تشکیل این اجتماع میگذشت و یکی از کارگران مبارز صحبتش تمام شد، فالانژهای انجمن اسلامی او را دستگیر کرده و تحویل یکی از پاسداران میدهند. پاسدار رمز دورنیز به ضرب و شتم کارگر مبارز - داخته و ضمن زدن برجسب همیشگی "صدا انقلاب" به وی، او را به کمیته میبرد که این عمل با اعتراض کارگران مواجه شد. آنها در مقابل چشمان خود حمایت پاسداران سرما به از سرما به داران و ضدیشان با کارگران را ماشا هده کردند. کارگران و شورای کارخانه برای آزادی این کارگرمبارز که اکنون چند روز است که در زندان اوین بسر میبرد، به تلاش خود ادامه میدهند.

## هشیاری کارکنان جنگزده صنعت نفت چیله های رژیم را خنثی میکند!

اخیرا حدود ۴۰۰ نفر از کارکنان جنگ زده صنعت نفت مقیم شیراز را برای انتقال موقت به پایلایشگاه شیراز زیروشیمی و گاز میفرستند. تا مشغول کار شوند. کارکنان که بخصوص بعد از جنگ به ما هیت ضد کارگری رژیم پی برده اند به تحقیق در مورد چگونگی پرداخت حقوق و مزایای خویش میپردازند. آنها متوجه میشوند که هیچ گونه تضمینی در مورد دادن حقوق کارمندان مسکن و خواروبایا وجود ندارد. به همین جهت کارکنان روز ۵۹/۱۱/۲۱ بطور دستجمعی به محل ستاد (با نشانه صنعت نفت) رفته و ضمن اجتماع اعتراض آمیز خود خواستار پرداخت حقوق صریح مسئولین میشوند. اما مسئولین ستاد پاسخ قابل قبولی نداشته و مثلا برای رفع مشکل مسکن جنگزدگان وعده میدهند که با هلال احمر مذاکره کرده و تقاضای چادر کنند! کارکنان مبارز هدف دولت از اینگونه اقدامات که چیزی جز متفرق کردن کارکنان نیست را در اجتماع خود افشا میکنند و برای پیگیری در رسیدن به خواستهشان تشکیل اجتماع دیگری را در روز ۵۹/۱۱/۲۳ اعلام مینمایند. ■

## قانون "سود ویژه": زمینه ای برای اوجگیری جنبش کارگری

منظورا انتقال فشا ربحران سردوش کارگران و زحمتکشان انجام دهد. آنچه اکنون مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح مسئله سودویژه و برخورد رژیم - ستان و عکس العمل جنبش کارگری نسبت به این مساله و بررسی شعار صحیحی است که می بایست در این رابطه مطرح گردد.

۱- سودویژه چیست و به چه منظوری بوجود آمده است.

سودویژه در حقیقت جزئی از حداقل دستمزد کارگران است که بعنوان "سود ناشی از تولید کارگر" به آنها پرداخت میگردد. طبقه سرما به - بقیه در صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سیستم سرما به - داری وابسته به امیراللیکم است، با بحرانهای عمیق اقتصادی روبرو است و روز به روز بر شدت بحران افزوده میشود. لیکن رژیم جمهوری اسلامی میکوشد فشارهای ناشی از بحران را بر سر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل کند تا خود را در امان نگاهدارد. افزایش تورم، افزایش نرخ کالاهای جون بسزین و... افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، گوشه های از انتقال بحران به دوش کارگران و زحمتکشان است علاوه بر آن کمبود ما بحتاج اولیه، افزایش ساعت کار کارگران و آخرین حرکت، کاهش میزان سود ویژه از جمله اقدامات دیگری است که رژیم به -

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

۲- کارخانه سیتروئن:

آن واقع گشته و ذهن کارگران از مسیر مبارز - اتیشان بسوی جنگ سرما به داران منحرف گردید. بطوریکه در روزهای اول جنگ همه حاجت جنگ و عملیات نظامی رژیم مطرح بود. تبلیغات کرکننده رژیم در مورد "دفاع از میهن" نیز به این امر دامن میزد. انجمن اسلامی کارخانه (ایسن) پاسداران فشا ربحران (سر فاشلیتهای ضد کارگری افزوده و از تعدادی از کارگران جهت اعزام به جبهه ها متوسلی بعمل آورده بود. انبسته نا گفته نماند که کارگران درک درستی از رفتن به جبهه نداشته و غالبا به (دنیالهروی از جریان عمومی جا معه که توسط رژیم دامن زده میشد، میپرداختند. اما از همان ابتدا هم بخشی از کارگران نگرانی خود را نسبت به آینده جنگ و اینکه میتواند در نوشتن خوشایندی برایشان داشته باشد، بروز میداشتند. بخصوص از اینجهت که علت نداشتن هیچگونه پس انداز و حتی مفروض بودن، نخواهند توانست شکم زن و سجه خود را سیر کنند.

یکی از مسائلی که قبل از جنگ در کارخانه مطرح بود، مسئله لغو سودویژه توسط رژیم و پرداخت ۴ ماه حقوق بجای آن بود. کارگران که سابقا حداقل معادل چهار ماه حقوق، سودویژه دریافت میکردند و علاوه بر آن در سال گذشته ۲۵۰۰ تومان هم عیدی گرفته بودند، با ناباوری نسبت به اجرای قانون جدید نگرسته و آنرا عملی نمیدانستند. کارگران مصمانه ای را میداشتند که این حق ما ست و حتی آنرا از گلوبشان بیرون خواهم کشید.

مسئله دیگر، طبقه بندی مشاغل بود. کارگران که بعضی از آنها حتی نسبت به همکاران خود کمتر حقوق دریافت میکردند. همگی خواهان افزایش دستمزد خویش بودند. اما هنوز هم حقوقشان افزایش نیافته است. علاوه بر همه اینها گرانتری روز افزون و بی حد و حساب ما بحتاج زندگی کارگران، آن - چنان فشاری بر گردنه آنها وارد میگردد که امواج ناراضی و اعتراضی روز بروز گسترش مییافت. با آغاز جنگ ارتجاعی میان رژیمهای ایران و عراق، تمامی مسائل مذکور موقتا تحت التناج

با گذشت زمان و ادامه جنگ کارگران کم کم

بقیه در صفحه ۳۱

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





بقیه از صفحه ۳ قانون...

دارا از این طریق می‌کوشد و ادست‌مزد در مسی  
کارگران را هر چه بیشتر محدود نماید و پرداخت  
بخشی از آنرا که بعنوان سودویژه خوانده می‌شود در  
رابطه با میزان سودبری کارخانه که در هر سال  
می‌تواند تحت عوامل گوناگون تغییر نماید،  
متناسب نماید. بدین ترتیب اگر رکودی در امر  
تولید موجود آید، میزان سودویژه کارگران عملاً  
کمتر می‌شود و تحت تا بهیت میزان سودآوری  
کارخانه قرار دارد. بنابراین کارفرما با پرداخت  
بخشی از دست‌مزد کارگران به عنوان سودویژه  
می‌کوشد تا کارگران را فریب داده و چنین وانمود  
نماید که گویا کارگران در سهم بردن از سود  
تولیدی که محصول کار آنان است "شریک" هستند  
و بنا بر این بر روی استثمار کارگران توسط  
سرمایه‌داران پرده‌ها تراکنده و کارگران را  
دعوت به تولید بیشتر به منظور کسب سود بیشتر  
نماید و بدین ترتیب با تشدید استثمار کارگران  
پول بیشتری به جیب بزنند. ثالثاً سرمایه‌داران  
با عدم پرداخت بخشی از دست‌مزد روزانه که تحت  
عنوان سودویژه، سالانه یا شش ماهه شش ماه  
پرداخت می‌شود، عملاً سرمایه‌های هنگفتی را در دست  
خود متمرکز نموده اند که با آن می‌توانند سرمایه  
- گذاریهای بیشتری نموده و با حداقل سرمایه  
کردن انداختن آن سرمایه‌داران، از بهره  
فراوان آن، جیب‌گشا د خود را برنمایند.

بدین ترتیب فلسفه وجودی سودویژه  
تلاشی است برای فریب کارگران به منظور ایجاد  
سازشی کاذب بین کار و سرمایه که گویا هر دو  
در سر نوشت تولید و تعلق محصول آن به خود  
شریک و "هم‌سر نوشت" هستند، درحالی‌که پرواضح  
است سرمایه‌داران که حیات و معاششان در گرو  
استثمار روحیانه طبقه کارگران است، هرگز حاضر  
نخواهند شد که کارگران را در سودبری از محصول  
تولیدشان با خود سهم نمایند.

۳- سیاست رژیم جمهوری اسلامی در قبال سود  
ویژه:

رژیم شاه‌هاشن با تصویب پرداخت ۴ ماه از  
حقوق کارگران بعنوان سودویژه کوشید تا اهداف  
ضد کارگری خود را جامه عمل بپوشاند. اما رژیم  
جمهوری اسلامی همانطور که در ابتدا گفتیم  
بنا بر سیاست عمومی اش در انتقال فشار بحران  
بدوش کارگران و زحمتکشان و با بهانه‌های  
احتمالاً نه‌واژ جمله اینکه پرداخت سودویژه، در  
زمان رژیم شاه برای فریب کارگران بوده است  
کوشید تا در سال ۵۸ سودویژه را که بخش لاینفک  
دست‌مزد کارگران بود لغو نماید که البته تحت  
فشار کارگران مجبور شد نسیمی از مبلغ سودویژه

یعنی حقوق ۲ ماهه را به کارگران پرداخت  
نماید. اما سال نیز رژیم در نظر دارد همین سرما  
ضد کارگری را پیاپی کند و در شرایطی که فشار  
طقت فرسای زندگی، قیمت سرمایه و کارگاهای  
مورد نیاز... بردوش کارگران سنگینی میکند  
سودویژه کارگران را بدون افزایش دست‌مزد  
معادل آن لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماهه  
بعنوان عیدی و پاداش سالانه پرداخت نماید  
درحالی‌که پاداش عیدی امری کاملاً متفاوت  
از سودویژه که دائمی و ثابت و جزئی از دست‌مزد  
است می‌باشد و بدین ربطی ندارد و کارگران خود  
بخطا پرداخته در زمان رژیم شاه، پاداش عیدی  
که البته ازاری برای فریب کارگران و وادار  
- کردن آنها به تولید بیشتر بود، علاوه بر سود  
ویژه به کارگران پرداخت می‌کردند.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن  
بر این اقدام ضد کارگری و فریب کارگران در نظر  
دارد که علاوه بر این دو ماهه بکارگران موسسات  
تولیدی ای که میزان تولید آنها نسبت به  
سالهای ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ افزایش داشته باشد، پاداش  
هر در صد، یکرو زودا کثرتاً ۲۰ روز حقوق داده  
شود و اقلاً نیرنگی بالاتر از این نمی‌شود! آخر  
کدام مومسه تولیدی است که تولید آن در مقایسه  
با سالهای گذشته افزایش داشته باشد؟ و تازه  
بر فرض چنین افزایشی در معدودی از کارخانجات  
پرداخت ۲۰ روز حقوق چه دردی از کارگران را  
دوا خواهد کرد؟ گذشته از این رژیم می‌کوشد پسا  
ارائه این طرح، رقابت بین کارگران را دامن  
زده و آنان را به "تولید بیشتر" تشویق نماید و  
از این طریق هر چه بیشتر آنان را مورد استثمار  
قرار دهد.

۳- عکس العمل کارگران و شعار صحیحی که باید  
 مطرح شود:

همانطور که گفتیم در شرایطی که بالا رفتن  
هزینه زندگی، پائین بودن سطح دست‌مزد، کمبود  
ماهیانه، افزایش ساعت کار، پرداخت  
مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تحت عناوین  
کمک به جنگزدگان و دولت... بیشترین فشار  
را بر زندگی کارگران وارد می‌آورد، کاهش دو  
ماهه از چهار ماه سودویژه آنان، ضربه‌ای سخت و  
تشدید فشاری غیر قابل تحمل بردوش کارگران  
است از این رو روشن است که کارگران بشدت در  
مقابل این تصمیم ضد کارگری دولت استادگسی  
نموده و حاضر نمی‌شوند تا نون جدید سودویژه  
پیاپی شود. هم‌اکنون کارگران در کارخانه‌ها با  
تابوری به این طرح نگرسته و تصمیم دولت را  
بیشتر "شوخی زننده" تلقی میکنند. اجرای طرح  
فوق آشفشان عظیم جنبش کارگری را منفجر  
خواهد نمود و کارگران را به مبارزه‌ای سخت و  
حیاتی برای مقابله با اجرای آن خواهد کشاند.  
اما شعار کارگران در قبال تصمیم دولت چه  
باید باشد؟ کارگران باید با طرح "تازمانیکه

۳۵ درصد به دست‌مزد اضافه نشده، چهار ماهه سود  
ویژه پرداخت با بدگردد". به مبارزه و مقابله  
با تصمیم رژیم برخیزند. شعار فوق نشان‌دهنده  
آن است که کارگران و کارگاهای ماهیت فریبکارانه  
"سودویژه" را می‌شناسند و به آن نه‌بعضوان  
شراکت خود در سهم‌بری از محصول تولیدشان،  
بلکه بعنوان بخشی از حداقل دست‌مزد ثابت خود  
می‌نگرند که حدود ۳۵ درصد حقوقشان را تشکیل  
میدهد و تا زمانیکه این حقوق به دست‌مزد  
نابتشان افزوده نشده سودویژه نه تنها نباید  
لغو یا کاهش یابد، بلکه به اندازه چهار ماهه در  
سال با بدبعضوان سودویژه پرداخت گردد.

بی‌شک راه و طرق گوناگون مبارزه کارگران  
با توجه به سطح آگاهی کارگران در هر کارخانه  
متفاوت است از این رو با توجه به مجموعه شرایطی  
که از نظر عینی و ذهنی وجود دارد، کارگران پیشرو  
می‌بایست با آگاه کردن توده‌های کارگران نسبت  
به این توطئه جدید رژیم و عوامل و حشنتان آن در  
زندگی کارگران تمامی کارگران را حصول  
شعار فوق بسیج کرده و ضمن تماس گیری با  
کارگران سایر کارخانجات، چه از طریق شورا -  
های واقعی شان (اگر موجود باشد) و چه از طریق  
دیگر، بکوشند حرکت یکپارچه و متحدانه‌ای را در  
قبال رژیم در پیش گیرند. برپایی اعتصاب  
در کارخانه، نظاره‌ها در جلوی وزارت "کار"،  
جلوگیری از خروج کالاها از کارخانه... طرق  
گوناگونی است که بوسیله آن کارگران می -  
توانند سیاست ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم  
جمهوری اسلامی را در رابطه با سودویژه خنثی  
نمایند.

تا قبل از اضافه نمودن ۳۵ درصد به دست‌مزد  
کارگران، ۴ ماهه بعنوان سودویژه پرداخت با بد  
گردد!

هر چه گسترده تر با جنبش کارگران ایران  
مرگ بر سیستم سرمایه‌داری وابسته به  
امپریالیسم

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق  
سازمان یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۱

### تصحیح و پوزش

در خبری که در پیکار ۹۰ راجع به دستگیری  
۶ تن از کارکنان جنگ‌زده صنعت نفت درج شده  
بود، اشتباه‌ها از هر ضلع نفع بعنوان نماینده  
شورای سراسری کارکنان نام برده شده بود. در  
صورتیکه تنها ۳ تن از این عده نماینده شورا  
بودند که بدینوسیله اصلاح میشود.

# نان، مسکن، آزادی









تظا هراتی بر علیه رژیم ضد خلقی برگزار میشود .  
شهر در جوش و غلیان خلق ستم دیده غرق شده است  
مردم با آتش زدن لاستیک خاطر دوم بهمن سالروز  
اعلام جمهوری کردستان را گرامی میدارند .

روز چهارم بهمن، یک رییوی ارتشی در کمین  
پیشمرگان دمکرات قرار میگیرد که در طی یک  
درگیری ۱۵ نفر از سر نشینان ریو کشته و ۱۳ نفر  
دیگر دستگیر میشوند . در همین حین رادیو  
مها با دلی اطلاعیه اخطار میکند که در صورت عدم  
تحویل دستگیر شدگان، نیروهای رژیم ضد خلقی  
شهر را ویران خواهند کرد . بعد از ظهر همین روز  
ماشین تویوتای جاشا که قصد بردن غذا به محل  
استقرار پاداران را داشت به کمین پیشمرگان  
انقلابی کومله میافتنده که پس از دو ساعت در -  
گیری ماشین آتش گرفته و ۴ جاش و پادار کشته  
میشوند و یک تیربار کالبر ۵۰ و تعدادی ژ - ۳  
بدست پیشمرگان میافتنده در این درگیری یکی  
از پیشمرگان قهرمان کومله بنام "کاک سلیمان"  
در راه آرمانیهای انقلابی خلق کردجان میبازد  
یادش گرامی و راهش پایدار باد!

در تاریخ ۶ بهمن یک ستون ارتشی که از  
ارومیه آمده و قصد ورود به پادگان مها پادار  
داشت ، مورد ضربات بی امان پیشمرگان جنبش  
مقاومت قرار میگیرد . که طی آن تعدادی از  
افراد آن کشته و زخمی میشوند . ۶ هلیکوپتر  
توپدار که این ستون را اسکورت میکردند قسمتی  
از شهر را زیر گلوله های توپ میگیرند .

در تمامی این روزهای پر شکوه برای خلق  
کرد ، مزدوران رژیم چه با خمپاره و گلوله با ران  
شروع چه با پیا مه های رادیویی ، مردم و پیشمرگان  
را به یورش همه جانبه تهدید میکنند . مردم به علت  
بسته بودن مغازه ها از نظارت مینان و آذوقه  
در مضیقه هستند و در آخر خمپاره با ران شهر رفت  
آمدبختی انجام میگیرد . اما با وجود این -  
روحیه مردم و پیشمرگان بسیار عالی است . اهالی  
زحمتکش مها با دخواها ن مقاومت هستند و تنها  
شعار آنها "ماندن پیشمرگان در شهر" است .  
روحیه همبستگی تعاون و همکاری مردمی نظیر  
است . کمک به همدیگر ، پناه دادن افراد بی پناه  
جمع آوری کمک مالی برای اشخاص نیازمند  
نمایش از قدرت و ادو پیکار چگی خلق قهرمان  
کرد است . اهالی زحمتکش روستاهای اطراف با  
جان و دل به رساندن کمک مشغول هستند . سیل  
کمکهای جمع آوری شده از تمام روستاهای اطراف  
بطرف مها با دسرا زبیر شده است که با کمک پیشمرگان  
بین اهالی شهر تقسیم میشود . مصادره انبارهای  
سوختی ( نفت و بنزین وگا زوئیل ) شهر توسط مردم  
و تقسیم آن بین اهالی زحمتکش کماکان ادامه دارد .  
از روز چهارم بهمن پیشمرگان قهرمان پیکار  
همچون سایر پیشمرگان وارد شهر شده و به کمین -

بقیه از صفحه ۵ یکسال ...

را هیمنائی وارد گنبد می شدند ، مورد حملات  
وحشیانه پاداران جهل و سرما به قرار گرفت .  
منطقه ترکمن نشین شهر به محاصره پاداران ،  
ارتش و عوامل مرتجعین فتودال و زمیندار  
قرار گرفت . سرکوبی که با حمله پاداران و  
اوباشان حزب جمهوری اسلامی با سنگ و چوب  
آغاز شده بود ، بسا رزودگسترش یافت و توپها و  
مسلحهای مزدوران رژیم به کشتار خلق ترکمن  
پرداخت . ارتش با تانک و توپ و خمپاره کمک  
پاداران شتافت . بخش ترکمن نشین گنبد  
ویرانه ای مبدل شد . دهها شهید و صدها زخمی و  
هزاران آواره از این کشتار وحشیانه رژیم  
جمهوری اسلامی بر جای ماند . نماینده "پاداران"  
در "منظره تلویزیونی" ( ۱ اسفند ۵۸ ) اعتراف  
کرد که از توپهای کالبر ۱۰۰ استفاده کرده  
بودند . بنی صدرا شین نیز که متراژگی بریاست  
جمهوری رسیده بود در سرکوب خلق ترکمن دست  
در دست خا منهای ها و چمران ها داشت . اوباش  
بیشتری اعلام کرد که این " فقط ۱۰ درصد قاطعت  
است ! " رژیم جمهوری اسلامی دهها منار خلق  
ترکمن را با خاک و خون کشید و ۴۰ رهبر شورا های  
دهقانی را به فجیعترین شکلی و بسا از کتجه -  
های فراوان به شهادت رسانده و در جاده گنبد  
بحضور داندخت ( ۲۶ - ۲۹ بهمن ۵۸ ) و این  
منطق تمام رژیمهای ارتجاعی است که مبارزه  
انقلابی توده ها را با سرکوب یا خدود آنها  
را به مسلسل و توپ به بنددولی آنچه که در  
پیروزی خلق ها نقش تعیین کننده دارد . رهبری  
ومشی حاکم بر مزارات توده ها ست . در جریان  
سرکوب خلق ترکمن ، رهبری سازمان چریکهای  
فدائی عملا با پیش گرفتن سازنگاری بسه  
سرکوب مزارات خلق ترکمن باری رساندند .  
آنها بجای تعرض انقلابی در مقابل هجوم

وحشیانه ارتش و پاداران جمهوری اسلامی  
موضع تسلیم طلبانه نفا کردند و موجب شدند که  
ارتجاع حاکم با یک حمله گسترده دستاوردهای  
مزارات چندین ماهه خلق ترکمن و شورا های  
دهقانی را نابود کند . طبیعی است که موضع  
منفعل فدایشان در واقع گنبد و کشتار خلق  
ترکمن رسته در تفکر و علیه گرا باشد تا رویزیو -  
نستی بر آنها داشت ، گرا باشد تا که با تعمیم  
خود بخش بزرگی از سازمان رادرو پله رویزیو -  
نیم غرق کرد . بخاطر همان گرا باشد تا رویزیو -  
نستی بود که فدایشان بحالی اینکه راه انقلابی  
در پیش گیرند و به توده ها اعتقاد داشته باشند  
از بنی صدر مرتجع که در کنار حزبی ها از عوامل  
با طلی سرکوب خلق ترکمن بود مزارات و معرفی  
عوامل در کبریهای گنبد و کشتار وحشیانه ۴  
نماینده خلق ترکمن را میخا هند ( مناظره  
معروف تلویزیونی ) حل آنکه خود بنی صدر یکی  
از خلدان خلق ترکمن بود .

در مبارزه هر خلقی نشیب و فرازها را ست ،  
اما مبارزه طبقاتی هرگز خا موش نمیخورد ، علیرغم  
کشتارهای وحشیانه و با وجود خیانتهای کمال  
رویونیست های " اکثریت " به خلق ترکمن ،  
این خلق قهرمان و روزمندگان انقلابی اش با  
درگیری از مزارات گذشته و بسویزه دستاورد -  
های دوسال گذشته به پیکار خود علیه ارتجاع  
و عوامل مزدورش ادامه میدهند . مبارزه ای که  
هدوش مزارات دیگر خلقهای ایران و با تحقق  
رهبری منسجم و سازمان یافته طبقه کارگر بر  
آن پیروزی زحمتکش را بدنیال خواهد  
داشت .

با درود بر خا طره های خلق ترکمن !  
پیروز با دمنا رزات انقلابی خلق ترکمن و  
دیگر خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم  
و ارتجاع داخلی !



دیگری هم از دست ارتجاع ساخته است ؟  
خلق کرد در مها با تصمیمه مقاومتی حماسه  
- آفرین در برابر ستم خلق گرفته است این  
رایکبار چگی شورا قهرمان اهالی شهروستا های  
مها با د ، آما دگی پیشمرگان قهرمان برای  
نبرد بی امان ، شور و غلغله انقلابی خلق  
زحمتکش منگوید . مقاومتی که صفحه دیگری بر  
تاریخ جنبش انقلابی و پر شکوه خلق کرد افزوده است .

کداری و جوله شبانه در شهر و تبلیغ در روز بیدار  
اند . رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مقابل  
اراده آهنین خلق قهرمان کرد و پیشمرگان  
قهرمانش در مها با دعوت نشینی کرده و بسویزه  
تهدید میکند که اگر تا ۲۲ بهمن مردم و نیروهای  
سیاسی اسلحه های خود را تحویل ندهند . . . . . !  
مگر بیشتر از کشتار خلق و خمپاره با ران شهر کار



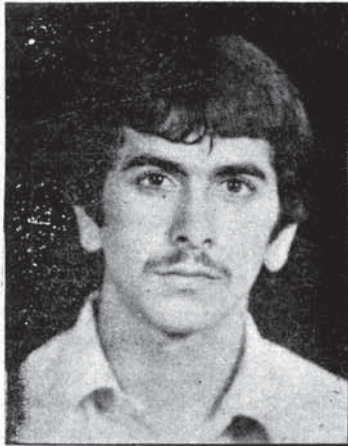
## قیرباران يك کمونیست بجرم عشق به زحمتکشان



پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

نام : محمود  
شهرت : صمدی  
متولد : ۱۳۳۴ درآبادان  
شغل : دانشجوی دانشکده علوم تربیتی  
دانشگاه تهران  
ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست ازاولیـــــــن  
مسئولین دانشجویان مبارزوازیستیانگذازان سازمان  
دانشجویان و دانش آموزان پیکاروسئول این تشکیلات  
درآبادان - عضو سازمان پیکاردرواه آزادی طبقه  
کارگر .

## خون رفیق طهماسبی زاده پرچم کمونیستها را درآمل سرخترکرد



نام : محمد  
شهرت : طهماسبی زاده  
متولد : ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ در  
دهستان دشت سر(آمل)  
ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست  
عضو سازمان دانشجویان و دانش-  
آموزان پیکار (مازندران)  
شهادت در یورش اوباشان رژیم  
جمهوری اسلامی به راهپیمایی  
بزرگداشت قیام خونین بهمن در  
روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹ درآمل

ارتجاع حاکم بارها و بارها نشان داده است که از  
آکا هی توده ها و حش دادرچرا که مرگ خود را در  
این آکا هی میبندد و از این سویت که با ساران و  
اوباشان رژیم جمهوری اسلامی شب و روز سربک  
های انقلاب که در میان توده های زحمتکش بسدر  
آکا هی میباشند بوش میرسد .

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹، شهرآمل شاهد  
راهپیمایی کمونیستها برای بزرگداشت قیام  
خونین بهمن ۵۷ بود این راهپیمایی با  
هجوم وحشیانه ساداران و اوباشان ارتجاع  
مواجه شد. مزدوران ارتجاع با وحشت از فریاد  
- های رسا و آکا هی بخش انقلابیونی که زیر  
پرچم سرخ کمونیستها راهپیمایی میکردند و  
آوای انقلاب سر میدادند، یک "سه راهی" قوی  
بمیان جمعیت برپا کردند و رفیق پیکارگرا  
محمد طهماسبی زاده در اثر انفجار آن شهادت  
رسید .

رفیق محمد کمونیست جوانی بود که آکا هاند

بقیه در صفحه ۳۱

پیش خواهم تاخت ، قسم بخونت که از با نخواهم  
نشست .

### خلقهای قهرمان ایران

با افتخار میگوئیم که محمود چه کسی بود؟  
تا خلقهای ما گلهای سرخ پیکارگر را بهتر  
بشنا سنویدا نند که کمونیستها چگونه جایزانه  
درواه زحمتکشان پیکار میکنند . او از سال اول  
ورود به دانشکده یکپاره اش بود تشکیلات مخفی  
جنبش انقلابی دانشجویان از همان سال اول  
ورود او به دانشکده ، وی را در میدان پیکار علیه  
رژیم ارتجاعی شاه خاش یافت و ما رکیسم -  
لنینیسم این یگانها ایدئولوژی طبقه کارگر را  
بعنوان یگان آلمان انقلابی سرخ کارگران  
پذیرفت و سوگند خورد که تا پای مرگ به آن وفا -  
داریم تا آنچه خوب همه این سوگند عمل کرد .  
در همان سال اول بخاطر سازماندهی مبارزات  
دانشجویان و بسریا شکی نظهرات بمسدت  
یک ترم زدا نشگاه اخراج شد و در واقع رهبر  
اعلی تمامی مبارزات دانشجویی در دانشکده  
علوم تربیتی دانشگاه تهران بود . او تنها  
مبارزات انقلابی سیاسی چون نظهرات ،  
اعتصابات و تحریم امتحانات را بر علیه شاه  
خاش رهبری میکرد ، بلکه رهبری مبارزات صنفی  
را نیز بر عهده داشت . او سازماندهی اطلاق کوه -  
نوردی و کتابخانه دانشجویی این دانشکده بود  
و از طریق این واحدهای صنفی نیز به بسیج  
دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع  
میزدخت در مجمع نمایندگان دانشجویی  
دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ که زیر رهبری  
"دانشجویان مبارز" قرار داشت او یکی از افراد  
رهبری کننده مبارزات صنفی - سیاسی دانشجوی-  
ان دانشگاه تهران بر علیه شاه جلا و سردور ش  
دردا نشگاه تهران معتمدی خاش بود . او در این

بقیه در صفحه ۸

خبرکوتاه بود . ساعت ۱۲ شب روز ۱۶ بهمن  
رادبوی ارتجاع ، خیرتیریا را نش را پیش کرد .  
رفیق محمود نیز به تاریخ خونبار مبارزه  
طبقا تی پیوست و خوش پرچم کمونیستها گردید .  
اما :

**رفیق محمود** ، راهت سرخ است ، راهت به  
سویا لیس میبویند ، خونت سیلاب خلق را  
به دنبال خواهد داشت . محمود قسم بخونت تا  
چوبه های دار برپا نداریم و در آن سرما به داران  
و نوکران سرما به را بخون نکشیم ، تا با پتک  
نیرو مندکارگر ، انقلاب سرخ زحمتکشان را برپا  
نداریم ، تا سرما به زادر سراسر جهان در هم  
نکوبیم و جامعه بی طبقه کمونیستی را مستقر  
نمایم ، از با نخواهم نشست .

**محمود عزیز** ما صدها هزار مجبور در نبرد  
طبقا تی با مزدوران سرما به داری از دست  
خواهیم دجا که بقول پیکارگر شهید منوچهر  
نیک اندام ، مبارزه طبقا تی بیرحم است و دشمن  
به ما کینه دارد . اما قسم به راه سرخت محمود که  
ما هم به دشمنان کینه خواهیم و روزید و با قلبی  
که مالامال از عشق به زحمتکشان است جلا دادان  
تورا در هم خواهد کوبید و در کنا رو پیشا پیش  
خلقهای قهرمان ایران میهن زحمتکشان را از  
ستم امپریالیسم و سرما به آزاد خواهد ساخت .  
ما تا جامعه کمونیستی یعنی تحقق آن آلمان  
سرخت که بخاطرش جان باختی از با نخواهیم  
نشست اینک محمود شوگنده آمانت ، ما همه  
در شوراه تو پیوند خوردیم . مسئولیت سنگین  
بدوش کشیدن وظایف تورا نیز در قبال توده های  
ستمدیده ، اینک ما بدوش خواهیم داشت . محمود  
ای سروایستاده ما ، پرچم خونینت را اینک  
هزاران محمود دیگر بدست خواهند گرفت و چون  
توا زشکنجه و تیرباران نخواهند ترسید . محمود  
مانیز چون تو ، در راه تو که آزادی زحمتکشان  
سراسر جهان ، راه تحقق حکومت کارگران است به

# درو د بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



## قدفین شکوهمند یک کمونیست!

مادر رفیق پیکار بر سر مزار او :  
"اگر به راحت ادامه ندهم، پتو خیانت کرده ام!"

"از زنده بودنش وحشت داشتند .

از مرد ما ش نیز وحشت دارند!"

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از تیرباران رفیق پیکار و محمود صمدی بخاطر ترس از آگاه شدن زحمتکشان از مرگ سرخ این کمونیست قهرمان جنازه رفیق را به بیمارستان "امیدیه" (نزدیک آغا چاری) منتقل میکنند اما خانواده رفیق و همزمانش با حضور در بیمارستان و افشای جنایت سردمداران "عدل اسلامی" توسط آنان ادرهم میکنند. "پاداران" آغا چاری به عنا و سن مختلف و از جمله جلوگیری از حضور "پزشک قانونی" برای صدور "جواز دفن" مانع از تحویل جسد رفیق میشوند. آنها با وحشت از خشم توده ها از تحویل "مدرک جنایت" - شان ترس داشتند. خانواده رفیق محمود و رفقای حاضر در بیمارستان افشاگری میکردند. مادر شجاع محمود فریاد میزد: "از زنده بودنش وحشت داشتید، از زنده اش نیز وحشت دارید؟" این

مادر دلور که خیلی خوب به ارزشهای والی پسر مبارزش پی برده بود با خشم میگفت "جلدها! پسر مبارز بود، دلور بود!" پس از افشای جنایات چند ساعته رفقا، ارتجاع مجبور به تحویل جنازه رفیق محمود شد. پیکار این دلور کمونیست در میان سرودهای انقلابی و وطنی از شعرا رهای پیکار رجویانه برای انتقال به آواز در آتومو-بیلی قرار گرفت مادر رفیق محمود با آگاهی از عشق سرشار پسر پیکار که از زحمتکشان، عشقی که در راهش مرگ سرخ را پذیرا گشت میگفت: "مردم! ارزش این را دارند که محمود جان را فدا کند، منتهی با بدجانم را فدا کنم."

رفقا سرود خوانان در حالیکه شعرا رهای انقلابی میدادند، از "امیدیه" گذشته و شب هنگام جنازه رفیق را به سردخانه گورستان "بهشت آباد" آواز منتقل کردند تا صبح فردا رفیق را به خاک بسپارند. مادر رفیق شعراهای سازمان را که رفیق محمود در راه تحقق آنها شهید شده منجمه "نان مسکن آزادی" را تکرار می-کرد. آری! ما در قهرمان، پسر تو! محمود تو! محمود قهرمان ما و تو! ستاره ای بود که برای آگاهی کارگران و زحمتکشان درخشید ستاره ای سرخ که همچنان در آسمان مبارزات زحمتکشان ما خواهد درخشید.

صبح روز بعد خانواده و همزمان رفیق محمود با روحیه ای عالی و سرشار از پیکار روحی کمونیستی و انقلابی در حالیکه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع و ضد

بقیه در صفحه ۳۰

جنش دانش آموزی پرداخت و پس از مدتی از طرف تشکیلات ما موریت یافت بخش آبادان تشکیلات را که حاضر اهمیت بسیاری بود، سازمان دهی کند. فعالیت درخشانش در آبادان موجب شد تا بخش آبادان از فعالترین بخشهای تشکیلات گردد. رفیق پس از جنگ ارتجاعی میان ایران و عراق، فعالانه به افشای ماهیت غیر-عادلانه جنگ و دور زیم ضد خلقی ایران و عراق پرداخت. رفیق پس از آواره شدن بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان خوزستان به سازمان دهی جنبش آوارگان پرداخت و به نمایندگی شورای آوارگان جنگ انتخاب گردید. رفیق در طی این مبارزات درخشش در ماسه توسط ارتجاع دستگیر و پس از محاکمه در بندگاه ارتجاعی ماسه توسط آخوندی مرتجع بنام اراکی در سحرگاه ۱۳ بهمن ۵۷ تیرباران شد. در حالیکه در طی چهار روز دستگیریش شدت از آرمان سرخ کارگران دفاع کرده بود و با وجود شکنجه و مراسم اعدامهای ساختگی که برایش برپا میشد، دلورانه به آرمان سرخ زحمتکشان وفادار ماند.

زندگی کوتاه اما پرثمر رفیق محمود به عنوان یک نمونه از مبارزات انقلابی کمونیست - ها به توده ها نشان میداد که کمونیستها چگونه افرادی هستند و چنانچه با همگیشان و فادار میمانند. رژیم جمهوری اسلامی با پرپر کردن این گل سرخ میبندد از رند جنگل سرسبز انقلاب را از شادابی و طراوت و مبارزه محروم کند. جلادان ارتجاعی رژیم میبندد رند با به شهادت رساندن کمونیستها چون محمود میتوانند چند صباحی دیگر به غارت و سرکوب توده ها بپردازند و جاگمیت سنگین خویش را برپا دارند اما زحمتکشان ایران انتقام خون محمودها را از این نوکران سرمایه و همدستان امپریالیسم جهانی خواهند گرفت. زحمتکشان ایران، با پرچم سرخ داس و چکش که از خون کمونیستها و انقلابیون - چون محمود رنگین است بساط این جنایتان - مزدور سرما به داری را در هم خواهد کوبید بگذار سرمایه داران چوبه های دار برپا دارند و کمونیست - ها را با خنجر دفاع از زحمتکشان به گلوله ببندند انقلاب سرخ و خونین زحمتکشان ایران، در ادامه مبارزات خونین محمود و محمودها در فروردی جمهوری دمکراتیک خلق، در فروردی سرخ و آواز ایران سوسیالیست برای همیشه بساط سرما به - داران جنایت پیشه را در هم خواهد خورد و دید و بیاد محمود و محمودها، خاطره سرخشان را گرمی خواهد داشت. براساسی اگر مبارزه خونین محمود و محمودها نباشد، سوسیالیسم هرگز برقرار نخواهد شد و انقلاب هرگز امپریالیسم و ارتجاع را درگور نخواهد کرد پس، یک بیاد رفیق در خون غلطیده - مان سوگند میخوریم که برایش تا پایان تا استقرار کمونیسم وفادار بمانیم.

افتخار بر محمود و محمودها  
تنگ و گرفت بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی  
قاتلان هزاران انقلابی چون محمود  
پیروزیا در آسمان سرخ شهیدان کمونیست

## بقیه از صفحه ۷ قیرواران...

مجمع نمایندگان نماینده دانشکده علوم - تربیتی بود. اودر همین دوران با هسته رهبری دانشجویان مبارز "در ارتباط قرار گرفت و بعنوان یکی از مسئولین تشکیلات مخفی و مستقما زیر رهبری این تشکیلات در سازماندهی و رهبری تظاهرات خیابانی، بخش اعلامیه و ارتباط با توده ها پرداخت. اودر دهها تظاهرات خیابانی بر علیه شاه شاهن شرکت داشت و مسئولیتهاش در این تظاهرات بر عهده داشت. همزمان رفیق، اورا به خاطر می آورد که چگونه با شوری انقلابی، به گارد مزدور دانشکده حمله میبرد و آنها را فراری میداد، اورا با طرمی - آوردند که چگونه با کلاه پشمی (برای اینکه شناخته نشود) به همراه دیگر همزمانش بر سر شاو اکیها به کمین مینشست و آنها را تشبیه میکرد. اورا به خاطر میآورد که چگونه از جلسات مجمع عمومی در دانشکده دلاورانه آلمان انقلاب دفاع می-کرد. او چهره اصلی و رهبر تمام مبارزات دانش - جویی دانشکده علوم تربیتی و از رهبران این مبارزه در دانشکده تهران بود.

هو او آخر تابستان ۵۷ رفیق که تا آن هنگام به مشی چریکی اعتقاد داشت به مرز بندی با این مشی غیر پرولتری پرداخت و پس از انتشار اعلامیه مهر، بخش منشعب از مجله هدین خلق، هوادار این سازمان گردید. رفیق در زمان مبارزات "دانشجویان مبارز" بر علیه شاه شاهن شرکت داشت و از جمله از مسئولین - تدارکاتی برای رفتن دانشجویان کمونیست به کارخانه ها دردی و بهمن ۵۷ بود. او پس از قیام نیز از مسئولین دانش آموزی تشکیلات دانشجو - بان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر بود و اولین سازماندهندگان جنبش دانش آموزی پس از قیام بهمن بشمار میرود. رفیق که از هواداران پرشور سازمان پیکار بره شما میرفت متعلق به جناح انقلابی دانشجویان مبارز بود که در قبال جناح انحلال طلبان در کناره دیگر پیکار کارگران انقلابی به مبارزه پرداخت و نیز از اولین رفقای بود که معتقد بودند تشکیلات دانشجویان مبارز تشکیلاتی فدما رکیستی و انحلال طلبانه است و در مقابل جناح راست دانشجویان مبارز به افشای نظرات فسد ما رکیستی آنان پرداخت بخصوص رفیق محمود از کسانی بود که از طرح انحرافات دانشجویان مبارز در کناره اول این تشکیلات دفاع کرد و در حالیکه انحلال طلبان میکوشیدند مانع از طرح این مسائل درکناره گردند، از حقانیت این نظرات با اعلام پشتیبانی رسمی، دفاع نمود. او فعالانه در تشکیل سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار در تابستان ۵۸ شرکت جست و از بنیانگذاران این تشکیلات محسوب میگردد. او بلافاصله پس از تشکیل این سازمان به خاطر سابقه درخشانش در سازماندهی مبارزات دانش - آموزی، بعنوان یکی از مسئولین بخش دانش - آموزی این تشکیلات به سازماندهی و هدایت



# اخبار مبارزات توده‌ها



صف ایستادن کجا، شما باید بروید در خانه و بچه‌ها را دارید کنید، شما زنهای آمده اید داخل صف و با عت شده اید که مرده‌ها بیشتر معطل شوند و وقتشان تلف شود. "اُزنی از داخل صف در پاسخ وی میگوید: "مردهای ما مثل تومفتخوری نیستند که همیشه بیکار باشند و مفت برای ایشان برسد، شوهر من شاطراست و حالا دارم برای شکم‌گنده تونسان می‌بزد. "در همین موقع در حالیکه عده‌ای از مردم ساکتاً در صف ایستاده بودند، با صدا ریانک میگوید: "برادران و خواهران امروز وقت تمام است و فردا مراجعه کنید. "مردم در حالیکه از حرف وی بخشم آمده بودند اعتراض میکنند و کراگری به پا می‌کنند: "یا به ما کوپین میدید و یا ما نمیگذاریم که از بانک بیرون بیایید. "با صدا در پاسخ وی میگوید: "ما که نوکر پدر شما نیستیم! مردکا رکز در پاسخ میگوید: "پس آن اسلحه را برای چی بدست گرفته‌ای؟ برای دفاع از ما یا بر علیه ما؟ معلوم میشود بر علیه ما، اینترام بدان که شما با این کارها بتان با عت میشود که ما انقلاب دوم را تدارک ببینیم. "جمعیت به نشانه تائید صحبت‌های مردکا رکز گف میزنند و مسئولین وقتی مقامت مردم را می بینند قبول میکنند که همانروز به همه کوپین بدهند.

## نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به هم میهنان مبارز

اخیرا جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، ضمن نامه‌ای سرگشاده به مردم مبارز ایران، برده‌ها از چهره‌گریه رژیم جمهوری اسلامی دریده و نسبت به بند کشیدن فرزندان انقلابیشان اعتراض نموده‌اند. در قسمتی از آن چنین آمده است:

"هنوز کمتر از دو سال از قیام شکوهمند خلق ما و شکسته شدن درهای زندانهای رژیم ضد بشری پهلوی بوسیله شما مردم قهرمان ستمکش گذشته که دیگر با ر هزاران تن از بهترین فرزندان مبارز و انقلابی ما در زندانهای دولت جمهوری اسلامی بسر می‌برند. بسیاری از این زندانیان در رژیم گذشته بطور فعال در مبارزات ضد رژیم شرکت داشته و مدت‌ها در زندان و تبعید و با تحت تعقیب قرار داشته‌اند و اکنون بوشهای شبانه و بدون مجوز به خانه‌های مبارزین، ضرب و شتم مادران و پدران من و نوجوانان کم سن و سال و در بسیاری موارد غارت اموال همراه با بازداشت و انواع توهین و شکنجه روحی و جسمی و صدور احکام زندانهای طولانی تنها بصرف ابراز عقیده و با داشتن چند سبک اعلامیه و نشریه صورت

## نمایش اتحاد کارآموزان متالورژی در مقابل رژیم

در اوایل بهمن ماه عده‌ای از کارآموزان متالورژی ذوب آهن بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده خود استادناری را به اشغال درآوردند. این کارآموزان ماهانه ۱۵۰ تومان دریافت میکردند! که با گران شدن و گرگونی کفاف حداقل زندگی را نمیدهد. اما رژیم جمهوری اسلامی سه ماه است که از پرداخت همین حقوق ناچیز خودداری کرده است. کارآموزان قبلا چندین بار به دفتر مدیریت مل مراجعه کرده و چون جواب سریالا شنیده‌اند فقرتروی را اشغال کرده اند و اکنون ذراته مبارزات خود به استانداری رفته و آنجا را به اشغال خود درآوردند.

استاندار اصفهان، داودی پس از این حرکت انقلابی کارآموزان، ضمن مخاطبه در تلویزیون گفت: "انکار خاموشی و جنگ از یاد آنها رفته است و موقعیت فعلی مملکت را سرسری میگیرند. "مردم ما برای اسلام خون داده‌اند و دولتی اینها برای حقوق و مادیات دست به اعتراض میزنند، دستهای اینها همه چاه است و بدین ترتیب با عوام فریبی و استفاده از اوضاع ناشی از جنگ، دشمنی خود را بیکار دیگر با خواستهای بحق زحمتکشان از جمله کارآموزان متالورژی، عیان ساخت. مبارزات این کارآموزان همچنان ادامه دارد. حوزه ذوب آهن سازمان ماسا در اعلامیه‌ای ضمن اعلام پشتیبانی با خواستهای بحق کارآموزان، همبستگی و اتحاد خود را با آنان ابراز داشت.

## پای صحبت زحمتکشان در صف کوپین:

تبریز  
در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ عده‌ای از زحمتکشان برای گرفتن کوپین ارزاق عمومی جلوی بانک صف کشیده بودند. آخوندی که بطور استثنائی در صف ایستاده بود، بعد از مدتی معطلی رو بیه زندهای داخل صف کرده و میگوید: "زن کجا و تو ی

## اجتماع زحمتکشان گود "باغ جالی" در شهرداری

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین گود "باغ جالی" واقع در خیابان تختی (خانی - آباد سابق) برای اعتراض به شرایط سخت زندگی و نامطمئن بودن خانه‌ها بشان و گرفتن خانه از دولت! در شهرداری ناحیه یک اجتماع میکنند. زحمتکشان از میان خود ۷ نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره پیش شهردار ناحیه میفرستند.

در گود "باغ جالی" ۳۵ خانوار زندگی میکنند که ۱۴ خانوار در زیر چادر بسر می‌برند. محیط گود بسیار رکشیف بوده و محیط مساعی برای رشد انواع میکروبیها است. جاه‌های خانه‌های گود سرباز زکریه و دیوارها و سقف‌ها در حال ریسز ش هستند. زحمتکشی میگفت: "تا بحال ما پیش امام بنی صدر، بهشتی، رفسنجانی رفته و به سازمان عمران جنوب، بنیاد شهید، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین و شورای اسکان گودنشینان، مراجعه کردوایم، اما هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ایم."

شهردار منطقه بجای پاسخ به نمایندگان مدیرعامل سازمان بهسازی و عمران جنوب را بد آنها معرفی میکند. نمایندگان از وی می پرسند به ما وعده داده بودتد که زمین ووا مبانکی برای ساختن آن بدهند، اینکار چقدر طول می کشد؟ وی در پاسخ آنان با وقاحت تمام جواب میدهد: "از ۶ ماه تا ۶ سال". که یکی از نمایندگان در پاسخ وی میگوید: "این حق ماست اگر بدهید بزور میگیریم" مدیرعامل میبرد: "در جمهوری اسلامی میخواهد زور بکار بگیرد، حق را باید داد!" نماینده جواب میدهد: "بله وقتی حق را نمیدهد باید با زور گرفت، حق هم گرفتنی است و ما هم بالاخره میگیریم". گودنشینان زحمتکش بی سبند که رژیمی که خانه‌های زحمتکشان تهران، پارس را بر سرشان خراب کرد، رژیمی که مصادره انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران را عملی "حرام" دانسته و زحمتکشانی که دست به اینکار زده‌اند را سرکوب می‌کند... نه می خواهد و نه می تواند به یکی از خواستهای اساسی آنان که تا من مسکن مناسب میسازد پاسخ دهد.

به استقبال جنبش او جگین زنده توده‌ها بش تاپیم



ما هیت رژیم و جناحهای درون آن مانند "جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار!" و "بهبشتی، بنی صدر برای سرکوب خلق، متحسد و برادر"، داده میشد. اعلامیه‌ها شی نیز در این مورد ما بین مردم پخش شد که با استقبال آنان روبرو گشت. با ساداران ارتجاع پس از متفرق شدن تظاهرات کنندگان به محل رسیده وعده‌ای از مردم را به "جرم"، شرکت در تظاهرات دستگیر نمودند.

ارتجاع دشمن آکا‌ها می شده‌هاست.

### تظاهرات افشاگرانه هواداران سازمان پیکار در تبریز

از طرف هواداران سازمان در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۶ تظاهرات موضعی در چهار راه "متحدین" تبریز برگزار گردید. این تظاهرات با شعارهایی چون "زلیق، باها لایق، بیکار، لایق، سرمایه دار قانونی!" "گرسنگی، گران، بیکاری، قانون سرمایه داری" "توتماق، ورمماق اولدورماق بودولتین قانونی!" (دستگیری، شکنجه، کشتار، قانون این دولت است)، "با سادار، جماعت سرمایه دار" ... مورد حمایت بوده‌ها قرار گرفت. زحمتکشان و قوتی خواهانهای انقلابی خود را در اعلامیه‌ها شی که از طرف رفقا پخش میشد میدیدند، مشتاقانه آنها را گرفته و با خود میبردند. در طی تظاهرات، رویز... یونیسهای خاشن "اکثریت" به همراه فالانتهای رژیم، اعلامیه‌ها و تراکتها را پاره کرده و مانند ارتجاع حاکم هواداران سازمان را "امریکائی قلمد" میگردند.

### تظاهرات افشاگرانه کمونیست‌ها در شیراز

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن، شیراز شا همد را هیما شی و تظاهرات هواداران سازمان پیکار سازمان رزمندگان، سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت، در چهار نقطه مرکزی شهر بود. استقبال توده‌ها از شعارها و اعلامیه‌ها و بیوزه حمایت آوارگان جنگزده خوزستانی از تظاهرات بیانگرا عمتر روزافزون توده‌ها به کمونیستها بود.

این تظاهرات بعنوان اعتراض به زندانی کردن انقلابیون و در شرایطی انجام میگرفت که زندانیان سیاسی کمونیست زندان "عادل آباد" شیراز را عصاب غذا بسر میبردند. تظاهرات با شعار "زندانی سیاسی انقلابی، آزاد با بدگرد" شروع شده و با شعارهای دیگری در حمایت از زندانیان سیاسی و افشای رژیم ارتجاعی ادامه یافت.

نکته قابل توجه در این تظاهرات، شرکت خانواده‌های زندانیان سیاسی مسجد سلیمان

بقیه در صفحه ۲۶

گرد. این درگیریها و مفاومتها در مقابل سیاستهای سرکوب رژیم ارتجاعی، مدرسه‌های انقلابی برای توده‌های زحمتکش ماست!

### فعالیت‌های افشاگرانه پیکارگران در ارومیه

در هفته‌ای که به سالگرد قیام خونین بهمن ختم میشد، رفقای پیکارگر در ارومیه با فعالیت‌های آکا‌ها که در مراحل برجست شهر به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه، رفقای هوادار با پخش اعلامیه و فروش نشریه به روشنگری پرداخته و در مورد مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و مایهت و عملکردهای ارتجاعی رژیم پخش شده‌ها شی زحمتکش صحبت میکردند. که با استقبال مردم روبرو میشد.

روز دوشنبه ۲۰ بهمن با همکاری رفقای هوادار فدائی (اقلیت) یک تظاهرات موضعی انجام شد و رفقا با شعارهای "از بیکاری، گران، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدن است"، "با هالیخ، بیکار، رلیخ ریشه‌های سرمایه دار" "محو اول سرمایه دار" "محو اول امیربالیسم"، "کردستان، کردستان، خودمختاری حق تست" ... برده‌ها از چهره‌گیری و رشوای رژیم برداشتند. در مسیر تظاهرات با پخش اعلامیه پیام انقلاب بمیان مردم برده میشد. راهیما شی پس از نیم ساعت با بورش و خشیانه فالانتهای موقت با بان یافت و طبق برنامه قبلی، دقیقی بعد در محل دیگری دوباره ادا می یافت. رفقای شرکت کننده با فریادهای خشم آلود، بذراکا‌های در میان زحمتکشان پا شیدند. در این راهیما شی که با حمایت مردم روبرو شد بیش از ۵۰ نفر شرکت داشتند. در روز ۲۱ بهمن نیز رفقای پیکارگر با پخش و فروش اعلامیه و بیکار به افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و جناحیات دوسالسه‌ها برداشتند که با استقبال توده‌های آکا‌ها روبرو شد.

### تظاهرات موضعی سازمان پیکار در قزوین

روز سه شنبه ۱۴/۱۱/۱۱ از طرف تشکیلات قزوین سازمان، تظاهراتی بمدت ۱۵ دقیقه در محله کارگرنشین "هادی آباد" برگزار شد. در ابتدا سخنرانی کوتاهی در مورد قحطی، گران، و جنگ ارتجاعی و مایهت رژیم جمهوری اسلامی انجام شد و سپس تظاهرات کنندگان در پشت پلاکارد علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده با دپیکار توده‌ها برآه افتادند.

در طول حرکت علاوه بر شعارهای افشاگرانه در مورد قحطی و گران، شعارهایی نیز در مورد

میگرد... هم اکنون که ما جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی مبارزان انقلابی این نامه سرگشاده را خطاب به شما مینویسیم، صدها تن از بهترین فرزندان خلق زندانها را به سنگری از مبارزه تبدیل کرده و با همه توان خود در این راه میکوشند و حتی با اعتصاب غذاهای طولانی از غذا کردن جان خود نیز دریغ نمیورزند... بکوشیم تا مبارزان زندانیان سیاسی این فرزندان دلیر خلق را ارج نهم و در تائید مبارزان و آزادی آنان از بنده‌ها می توان خود را بکار گیریم.

### حمله جماقداران رژیم به انقلابیون و مردم!

#### بابل

روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۷ پس از پایان یافتن تظاهرات "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار" جماقداران بسیج شده رژیم به شرکت کنندگان در تظاهرات حمله برده و وعده‌های راستگروزی می کردند. پس از آن او با شان رژیم (با ساداران، بسیجی‌ها و فالانتهای حزب الهی) در میدان چراغ برق گردآمده و با تحریک احساسات مردم، اعلامیه‌ای مبنی بر حمله به نیروهای انقلابی و دستگیری آنان خوانده و به محله "چهار رشته بیست" حمله میبردند. نیروهای کمونیست و انقلابی با حمایت و بسیج مردم موفق میشوند او با شان رژیم را که مسلح به میله آهنی و قمه و چاقو بودند تا "سنگ پل" عقب برانند.

این درگیری تا شب ادا میگردید. انقلابیون و توده‌ها با شعارهایی چون: "زندانی سیاسی انقلابی آزاد با بدگرد" و "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، مزدوران رژیم را تا "چهارسوق" به عقب نشینی وایدارند. پس از خلوت شدن شهر، در ساعت ۸ شب عده‌ای چاقو بدست حرفه‌ای و کارگشته از اطراف با مینی بوس به شهر آورده شده و الله اکبر گویان از چند خیابان عبور میکنند. رژیم که نکتت عوامل مزدوران خود را در این روز دیده بود، در روز چهارشنبه ۱۱/۸/ حدود ۱۰۰ نفر از جماقداران خود را با دیگر به محله "چهار رشته بیست" میفرستد. این بار فالانتهای رژیم به قصد تصرف دفتر "جنبش معلمین" هوادار مجاهدین هجوم میاورند اما با مقاومت کمونیستها و مجاهدین که شعار میدادند: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، ارتجاع تو خالیست، هجوم او گواهیست "وادا ربه عقب نشینی میگردند و سایر دیگر با تعدادی دتری چاقو بدست برگشته و حمله را شروع میکنند. مردم درهای خانه‌هاشان را باز کرده و انقلابیون را پناه میدادند. در درگیری این روز که مجموعا دوساعت طول کشید، حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده و ۳۰ نفر دستگیر میگرددن آری رژیم بیپوده می بندارد که میتواند ما نسع ر شد روزافزون آکا‌ها می شده‌ها... و مبارزان



**پیش روی مبارزه**  
 در شتاب و پیش روی عینی تری مبارزه  
 ایدئولوژیک ارجح است. رفقای "وحدت انقلابی" نظر خود را اعلام نمودند و توضیح دادند که این حرکت جز توافقی و انحلال طلبی در پیش رو نیست و هم از این روست که انحلال طلبان از این حرکت شادمان بوده و بر آن صحنه میگردانند. ابوسره دیدگاه دوم او را لاخره ضرورت مرزبندی قاطع میان تشکیلات دوران گذار و بصورت عملی یعنی "وحدت انقلابی" را گوشزد نمودیم. و توافقی و انحلال طلبی را در پیش رویش مبارزه ایدئولوژیک عملی تا درست خواندیم و خواهان بی موزی تشکیلات "وحدت انقلابی" از سوی رفقای دیدگاه سوم شدیم. اکنون در ادامه توضیح گذشته، راه حل عملی که رفقای دیدگاه سوم منظر ما را بدرستی گمراه کننده توضیح میدهند و میگویند به برخی از انحرافات سیاسی - تشکیلاتی دیدگاه سوم برخورد نمائیم.

### اهداف دیدگاه سوم از علنی نمودن مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

همچنانکه در شماره قبل توضیح دادیم، آنچه از علت علنی نمودن مبارزه ایدئولوژیک توسط دیدگاه سوم در صمیمه انقلاب بجم میخورد، نوعی حرکت خود بخودی و وجود برخی ثوابت فکری انقلاب طلبی و آکادمیستی است که در عمل به آشتی طلبی منجر میشود. رفقا کوچکتر... توضیحی دربارۀ علت پذیرش مبارزه ایدئولوژیک علنی بعنوان راه حل رفع بحران نداده اند و جنس بنظر میرسد که اساساً توضیحی وجود نداشته باشد. ما مدگر سوم همچنانکه روح سوم... ضمیمه انقلاب نشان میدهد، انتظار مبارزه ایدئولوژیک علنی با نظریه حرکت هدمندی نیست (و اگر با توجه بدتر، چون شوریه نمودن نهاد و انحلال طلبی است و در خدمت تعمیق انحراف فوق فرار دارد) و خواه و ناخواه به بین... هست خواه در رسیدن به سستی که هیچ راه حلی جز مرزبندی قاطع با تشکیلات دوران گذار "وسه تبع آن یعنی موری و عملی تشکیلات و وحدت انقلابی" و مرزبندی عملی با حاملین دیدگاه اول و دوم پیدا رود و با افزودن مرزبندی قاطع با تشکیلات دوران گذار یک مرزبندی صرفاً عینی نبوده و تا زمانیکه ایده های انحلال طلبان و انحرافی این تئوری را که اینبار در پیش "علنی نمودن مبارزه ایدئولوژیک" هویت یافته است، طرد نشود، نمیتوان از مرز بندی ماركسیستی با تشکیلات دوران گذار سخن سخن بیان آورد.

ما همچنانکه توضیح دادیم، معتقدیم که دیدگاه سوم با بدست تشکیلات خود را به حصول مجموعه مواضع خود که با تصفیه یوروسیستی دیدگاه اول و دوم همراه است با برتری نماید و پیش از این ارزی توده های انقلابی متعلق را

## سخنی با دیدگاه سوم "وحدت انقلابی"

تحت عنوان ضرورت مسجّم بودن مواضع به هر یکسند و با ایجاد تشکیلات تونس به سرگشت در مبارزه طبقاتی سرور دارد. در عین حال توضیح دادیم که اگر اس وقتاً جریان پرولتری ای در سطح جنسی می نماند که در اساسی ترس خطوط سیاسی - ایدئولوژیک تا آن وحدت نظر دارند ایجاد هویت مستقل در سطح جنسی بعنوان یک جریان سیاسی جدید، انحرافی بوده و نتوانند مرزبندی کاذب تشکیلاتی است.

آنچه در این قسمت موردناگه ماست، توضیح گسترده تر آلترنا سوه محلی است که با یکسند جایگزین یعنی "وحدت انقلابی" شود و اشاره ای به برخی تکراری های انحرافی رفقا که میتواند در جایگزین سازی آن وحدت انقلابی "وحدت انقلابی" با بدفرا رگردد. رفقا را در انحراف سازد. چه، بنظر ما سها یعنی تشکیلات دوران گذار و یعنی "مبارزه ایدئولوژیک علنی" کافی نیست که بیدریم تا با نظرات انحلال طلبان مرزبندی شده است، بلکه علاوه بر نرفی ایندو، در بررسی طرح اشایی رفقا است که میتوان فهمید آیا با نظرات انحلال طلبان که ملا مرزبندی شده است و با آنکه ثوابت فکری انحلال طلبی این بار در طرح اشایی بجم میخورد.

جنس کمونیستی ما: مروره سطح متکا بلری از کیفیت و کیفیت را نسبت بدانچه که دو سال پیش وجود داشت نشان میدهد اگر دو سال پیش پراگندگی موجود در جنبش کمونیستی، بدلیل فقدان برنامه و خط منی، امری را که بر وجود و پشت گشته، مرده ایدئولوژیک، این پراگندگی را توجیه مینماید امروزه با وضعیت کاملاً متغی و بیرونیستیم امروزه جنبش کمونیستی بحول متی و برنامه و کربان ایدئولوژیک گوناگون تا حد قابل توجهی قطب بندی شده است. امروزه برخلاف گذشته از آنجا که بسیاری از مواضع سیاسی، ایدئولوژیک پرولتری تا حدود زیادی روشن است، هیچ دلیلی بحرا اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک اشایی حداثی تشکیلات را از یکدیگر توجیه نمیکند، و اگر تئوری ها و در جنبش کمونیستی وجود دارند که علیرغم وجودات اساسی سیاسی - ایدئولوژیک بحول خط متی و برنامه پرولتری، در حداثی تشکیلاتی بهم میبندند، این امر را هیچ چیز جز کتار رسم بجز محدود نمودن پرولتر را از سر و پای خود و جز نشانه محفلیم که امکانی از انحلال طلبی است.

با توجه به آنچه گفتیم ما وظیفه تئوری های

کمیسی... ایدئولوژیک بگردن ما و عطف منی پرولتری، بنسبتهای حزب طرا تونس طبقه کارگر... ایدئولوژیک تا کمد می کنیم که رفقای دیدگاه سوم وحدت انقلابی را... جو با سیاسی مواضع سیاسی ایدئولوژیک خط منی پرولتری ای را در جنبش می نماند که مسوا شد با آن وحدت نمائند، تحت هیچ سها به ای نمیتوانند و نیاید، هویت و جریان مستقلی را در جنبش برادندارند. چه این عمل... محفلیم، بنسبتهای حفظ مرزبندی های کذاب تشکیلات و فرار از ربا بخوشی به وضوح غلطی است که جنبش از ما می طلبد. تا بدرفقا جنس استدلال کنند که فقدان مواضع منجم همه جا به ویا برخی ابهامات و اختلافات، آنرا از انقباض از سر راه انداختن حرکتی مستقل می نماید. در استصورت با بدکنت که رفقا درک روشنی از مسئله وحدت سیاسی - ایدئولوژیک نداشته و از برخوردی را سر و پا به برخوردی جبر و انبسه در غلطیده اند. چه اگر تئوری تشکیلات دوران گذار "کربان ایدئولوژیک - طبقاتی موجود در تئوری ها را نفی کرده و خواهان وحدتی سرهم - بندی شده و موری برای حل معضلات جنبش بود و در نتیجه درکی را سر و پا به مینماید، اینبار با دیدنی مطلق گرایان نسبت به هرگونه اختلاف و ابهامات و موکول نمودن تا مین وحدت به حل کلیه اختلافات غیر اساسی، درک جبر و انبسه و انبسه حویث را به نحائی میگردارد. چه ولا بیرونی ساخت امری نسبی بوده و بدین ترتیب بسیاری از نظرات دربروسه مبارزه طبقاتی تمحیح و تکمیل گشته و اشیا ما تا آن در دیده مسود؛ این - روضیون انتظار روح مطلق برای اشیا کلینه مواضع سیاسی - ایدئولوژیک غیر اساسی را دانست. تا ساری از اختلافات در آن سطحی هستند که مسوا بد موکول به مبارزه ایدئولوژیک درونی شود و عمده نمودن آنها بعنوان مواضع امروزه در جنبش تکرار کرد مطلق گرایان و ابده آلستی است. اگر تئوری تشکیلات دوران گذار "مرزهای سیاسی - ایدئولوژیک گوناگون موجود در جنبش را نفی نموده و آنها را کاملاً همت میدانست و حل آنها به بروسه مبارزه ایدئولوژیک درونی میگرداند و خود هرگونه مبارزه ایدئولوژیک درونی را نفی نموده و کوچکترین اختلافی را عاملی در جهت خودداری از تحقق امروزه در بنما را آورد و وحدت نظرها مطلق نماید. آن یکی مبارزه ایدئولوژیک جنس تئوری های گوناگون و مرز بندی های آنها را کمرنگ کرده و مسکودندرون یک تشکیلات واحد

## پیش روی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



بکشانند و این یکی می‌کوشد اختلافات کوچک را بزرگ نموده و می‌آرزد ایدئولوژیکی را که می‌توان در درون یک تشکیلات دنبال نمود. به سطح بیرون بکشاند. چنین درکی اگرچه ظاهری چپ‌روانه دارد، در عمل و در زمانه هیت می‌لیم و انحراف طلبی است. محفلیسمی که به حفظ تشکیلات خودتعمیل داشته و مرزبندی تشکیلاتی را با سایر جریان‌ها بدون اختلاف سیاسی - ایدئولوژیک اساسی مجاز می‌شمارد، چنین مرزبندی تشکیلاتی ای کاذب بوده و در خدمت دامن‌زدن به پراکندگی جنبش کمونیستی و در خلاف سمتگیری تکاملی آن قرار دارد. برآستی اگر چنین نگرشی در رفقای "دیدگاه سوم و وحدت انقلابی" (و ابضا سایر نیروهای جنبش کمونیستی) وجود داشته باشد، چه پاسخ قانع کننده‌ای را می‌خواهند به جنبش کمونیستی بدهند. تنها وجود خط مشی منسجم سیاسی - ایدئولوژیک که مغایر با خط مشی‌های موجود در جنبش کمونیستی است، می‌تواند هویت مستقل دیدگاه سوم و وحدت انقلابی را توجیه نماید و اگر چنین نیست، براه انداختن جریان مستقلی به بهانه ضرورت "انحطام بخشیدن و تدقیق کلیه مواضع" و حل و رفع پاره‌ای از "اسهات" حرکتی قهقراشی و همچنانکه ذکر کردیم، نشانه وجود اندیشه‌های محفلیسمی و سکتاریستی و علاقه و فریب "حفظ تشکیلات مستقل" می‌باشد. از نظر ما اختلافات و اسهات تا چیزی کوچک می‌تواند در برپرونده مبارزه ایدئولوژیک درونی برای دستیابی به وحدت حل گردد و نمی‌توان قبل از طی چنین پروسه‌ای، بدلیل اسهات و اختلافات کوچک و ضرورت منسجم نمودن مواضع (مواضعی که در اختلاف قابل توجه با مواضع نیروهای دیگر وجود ندارد) حرکت مستقلی را براه انداختن این تجربه‌ای است که مبارزه ایدئولوژیک درونی رفقای "درک وحدت" آن را نشان داد و آنان را از براه انداختن جریان مستقلی که فاقد مرزبندی اساسی با سازمان ما بود، منع نمود و حل اختلافات و اسهات آنها را موکول به طی مبارزه ایدئولوژیک درونی جهت دستیابی به وحدت با ما نمود. باری، تکیه بر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین می‌نماید، از آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف انحراف طلبی تشکیلات دوران گذار "راهمزمان با در عین حال" کاملاً درک انحراف طلبانه‌ای را که پراکندگی و ایجاد مرزبندی‌های کاذب تشکیلاتی را در دستور قرار می‌دهد مطرود میدانیم. و از آنرو که رفقای "دیدگاه سوم و وحدت انقلابی" با انتشار مبارزه ایدئولوژیک به بهانه انسجام مواضع... درک مطلق گرایانه و در عین حال انحراف طلبان خویش را از تدوین خط مشی و برنام‌ها را که می‌دهند، زمینه بروز انحراف را که در بالا توضیح دادیم، در رفقای می‌دانیم، چه درک مطلق گرایانه رفقا از تدوین خط مشی و

برنامه می‌تواند توجیه حرکت انحرافی با لا باشد.

تاکون درک انحرافی رفقای "دیدگاه سوم" را در برخورد به بحران "وحدت انقلابی" و انتشار مبارزه ایدئولوژیک علنی و مطلق نمودن امر تدوین خط مشی و برنامه توضیح دادیم و اینک سبب احتمالی راه حل عملی رفقا را در جایگزینی طرح انشائی در قبال نفی "تشکیلات دوران گذار" بررسی نمودیم. اکنون به بررسی مواضع سیاسی آنان در برخورد به ساختن خط مشی و آرایش طبقاتی بپردازیم.

با با بدجا ما را نیمه نشودال - نیمه مستعمره و با "نظام وابسته" که تضاد تراکرا روسرما به امیرالیستی تشکیل می‌دهد بخواند و سکوت رفقا در رابطه با تضاد اساسی جامعه نیز انعکاسی از التقاط فکری رفقا در رابطه با پذیرش سرمایه - داری بودن و "وابسته" بودن نظم تولیستی حاکم بر جامعه و ما هیت آن است. و اما در مورد "بورژوازی کوچک غیر وابسته" با بدگفت که اولاً زمانیکه می‌گوشیم طبقه مسلط اقتصادی در ایران، منظور طبقه بورژوازی است و از آنجا که سرمایه داری در ایران وابسته است لاجرم طبقه بورژوازی ایران نیز وابسته است.

**بازی تکیه بر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین می‌نماید، از آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف انحراف طلبی تشکیلات دوران گذار "راهمزمان با نفی پوشش نوین انحراف طلبی ضروری دانسته و در عین حال کاملاً درک انحراف طلبانه‌ای را که پراکندگی و ایجاد مرزبندی‌های کاذب تشکیلاتی را در دستور قرار می‌دهد مطرود میدانیم.**

### ۲- انحرافات سیاسی در "دیدگاه سوم و وحدت انقلابی"

رفقا در توضیح ساختن خط مشی و نگاه طبقه بورژوازی ایران غلبه بر آنکه جامعه ایران را سرمایه داری مینداند در عین حال در مورد توضیح تضاد اساسی جامعه یعنی کار و سرمایه، سکوت کرده‌اند. بعلاوه رفقا از طرفی بورژوازی متوسط را نیز بدلیل وابستگی تولید و با تولید آن به شرایط سودآوری امیرالیستی، وابسته خوانده‌اند و از طرف دیگر بده‌ای بعضی جوانان "بورژوازی کوچک" کشف نموده‌اند که گویا غیر وابسته است و علت عدم وابستگی آن نیز در عدم وابستگی تکنیکی و فقدان رابطه ارگانیک با امیرالیسم و عدم اختلاط سرمایه‌داری با سرمایه‌های امیرالیستی است!

ما به تشریح گسترده نظراتمان در رابطه با مقولات فوق نپرداخته و رفقا را به بیجا ریشوریک سیاسی ۲ رجوع می‌دهیم که در آن نظراتمان را بصورت مشروح در اینباره گفته‌ایم. در اینجا می‌گوشیم تا التقاطات فکری رفقا و انحرافاتشان را با زگوکنیم.

آنچنان که بنظر میرسد رفقا با نظرات انحرافی "نظام وابسته" و شواش فکری آن مرزبندی نکرده‌اند. رفقا با بده‌بده‌بده‌بده‌بده روشن کنندگی بنظر آنان ما هیت جامعه ما را چه چیز تشکیل می‌دهد. اگر بنظر آنان جامعه ما یک جامعه سرمایه - داری است، بنا بر این باید دید اندیشه‌های اجتماعی در جامعه سرمایه‌داری، تضاد بین تولید اجتماعی و حاصل تولید و با تعبیراتی دقیقتر تضاد کار و سرمایه است. هر نظری که بر این واقعیت اساسی سربوش بگذارد، نشان می‌دهد که غلبه بر تدوین سرمایه داری بودن ساختن خط مشی، آنرا بدستی درک نمی‌کند و عملاً ما هیت دیگری جز تولید سرمایه داری برای آن قائل است. چنین درکی

وابستگی بورژوازی ایران و دقیقتر بگوئیم وابستگی سرمایه در ایران ناشی از وابستگی سرمایه به تولید و با تولید در رابطه با سودآوری امیرالیستی در جامعه ایران است. از اینرو هیچ بخشی از سرمایه که در تولید و با تولید (و با افزودن سرمایه) مستقل از با شرایط سودآوری امیرالیستی عمل کند، وجود خارجی ندارد و نمی‌توان از بورژوازی غیر وابسته سخن بهمان آورد. باید از رفقای دیدگاه سوم پرسید بر چه اساس ملاک وابستگی را برای بورژوازی متوسط و "کوچک" دومعیار متفاوت قرار می‌دهد. بورژوازی متوسط بدلیل وابستگی شرایط تولید و با تولید و سودآوری وابسته است. چگونه است که در این رابطه "بورژوازی کوچک" این ملاک فراموش می‌شود و وابستگی فنی - تولیدی ملاک وابستگی قرار می‌گیرد و به اعتبار آن بورژوازی کوچک غیر وابسته می‌شود؟ بی‌گاری دومعیار و دور درک کاملاً متفاوت در ارزیابی از جایگاه افشار متفاوت بورژوازی مسئله وابستگی آنان چیزی جز بیابان التقاط فکری که ریشه در شواش فکری "نظام وابسته" دارد، نیست.

ثانیا مگر ممکن است مناسبات سرمایه داری (وابسته) شیوه تولید غالب بر جامعه باشد و نگاه افشار متفاوت بورژوازی با شرایط متفاوتی و تحت قانونمندیهای متفاوتی تولید و با تولید نمایند. اگر بپذیریم که سرمایه داری ایران وابسته است، این بدان معنی است که کلیت طبقه بورژوازی ایران وابسته به شرایط تولید و با تولید امیرالیستی است و از اینرو طبقه بورژوازی ایران وابسته محسوب می‌گردد.

ثانیا ما "بورژوازی کوچک" دیگر چه می‌فهمیم ای است که شما آنرا کشف کرده‌اید؟ چه معنی دقیق و علمی بورژوازی کوچک "خرده" یا عبارتی خرده بورژوازی است. مگر نه آن است که خرده - بورژوازی، بورژوازی کوچکی است که عمدتاً خود در تولید و با تولید شرکت مستقیم دارد، اگرچه



## رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) و معیارهای اخلاقی بورژوازی

این آقایان شاهی به برژنسکی ندادند برای یک کمونیست. مبارزه سیاسی یک مبارزه طبقاتی است و همانطور که یک کارگر آگاه در زندگی روزمره خود با تمام وجود نسبت به روابط بورژوازی و خود بورژواها نفرت و کینه عمیق طبقاتی دارد، همانطور هم یک کمونیست نمیتواند فقط مبارزه خود را در چارچوب روابط سیاسی محدود کرده و آن را به تمام عرصه های طبقاتی و از جمله اخلاقی نکشد. برخلاف آنچه که بورژوازی و روبریز - یونیستها مدعی هستند کمونیستها را از اخلاق - منتها از نوع کمونیستی آن - بزرگوار کرده و در نتیجه در این عرصه هم دشمن را مورد تهاجم قرار میدهند. آری، مبارزه ایدئولوژیک سیاسی

و جبهی سمگیری طبقاتی این سروراست به انقلاب نشان میدهد. ولی واضح است که این سرخوردنا بد فقط محدود به دیدگاه های سیاسی شده و با بنده دیگر عرصه های ایدئولوژی و از جمله معیارهای اخلاقی نیز کشا نده شود. این درست است که در سرخوردنه یک نیروی سیاسی چنانچه در درجه اول از مضمی سیاسی آن سرخوردنه بگذرد و مناسبات را بر خطهای اخلاقی و شیوه های رفتار در مبارزه سیاسی آن نیرونگذارد، اما در عین حال این هم نادرست است که مبارزه طبقاتی را فقط محدود به مبارزه سیاسی کرده و آن را در سطح ایده های سیاسی محدود نماید. کسی که در سرخوردنه حزب

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) نه تنها از لحاظ سیاسی، دیدگاه های ارتجاعی بورژوازی را بدرقنداند، بلکه از لحاظ معیارهای اخلاقی نیز ارتجاعی است. این واقعیت است که بورژوازی سوسیالیستی در شکل روبریزیونیستی آنرا پذیرفته اند، از لحاظ اخلاقی نیز دچار فساد بورژوا - روبریزیونیستی گردند.

از آنجا که ما مبروهای سیاسی، از لحاظ ایدئولوژیک به یک طبقه از اجتماع وابسته هستیم، طبیعتاً این نیروها نمیتوانند در مبارزه سیاسی خود از معیارهای اخلاقی آن طبقه پیروی نکنند. برای یک نیروی سیاسی که خود را وابسته به ایدئولوژی دورانسا و طبقه کارگر میداند، در مبارزه سیاسی پیروی از معیارهای اخلاقی پرولتری ضرورت تمام دارد. این نیرو نمیتواند از شیوه هایی که معمول بورژوازی است استفاده کند. و ملزم است که در پیروی از معیارهای سیاسی طبقه کارگر از معیارهای اخلاقی این طبقه پیروی نماید. پرولتری را نمیتوان با اخلاق بورژوازی بیشتر و برعکس. به همین ترتیب یک نیروی سیاسی بورژوازی چپوارت که در مبارزه سیاسی خود از غرب المثل "ساعت بدروما در مینتا سبت" پیروی کرده و از انواع شیوه های کثیف که خاص اخلاقیات بورژوازی است استفاده نماید، همان طور که یک سرما به دارد در استفا رارزش اخلاقی کارگران مقدیده هیچگونه فیدویندا نمائنی نیست. همانطور که یک سرما به دارد در در رقابت با دیگر رقبای سرمایه دار خود از هیچگونه دوز و کلکی استفاده نمیکند. بول پرستی، مفاظمی، خوشگذرانی و مانند آن خدمت میباشند. بهمان ترتیب هم یک نیروی سیاسی بورژوازی از مبارزه سیاسی خود ناچار است که از تمام شیوه های کثیف بورژوازی چون: توطئه کاری، نشر دروغ، راجعه نیروهای کمونیستی و انقلابی، رخنه کاری و جاسوسی بفرسد. نیروهای کمونیستی و انقلابی، استفاده نمائند. فرمول اخلاقی این نیروی بورژوازی را میتوان در یک جمله خلاصه کرد: "هدف وسیله را توجیه میکند" در بر خورده پیروهای سیاسی، خواهد انقلابی خواه اند انقلابی، البته متدماً و در درجه اول لازم است که از دیدگاه های سیاسی آن شروع کنیم. چرا که ایدئوهای سیاسی و خصوصاً حکومتی سرخوردنیست بدخبات حاکم آموخته است که به روبریز

● یک کمونیست نمیتواند فقط مبارزه خود را در چهارچوب روابط سیاسی محدود کرده و آن را به تمام عرصه های طبقاتی و از جمله اخلاق نکشد. برخلاف آنچه که بورژوازی و روبریزیونیستها مدعی هستند کمونیستها دارای اخلاق - منتها از نوع کمونیستی آن - بوده و در نتیجه در این عرصه هم دشمن را مورد تهاجم قرار میدهند. آری، مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی از مبارزه در عرصه اخلاقیات نیز جدا نیست.

از مبارزه در عرصه اخلاقیات نیز جدا نیست. ما که نمیخواهیم در اینجا به تمام شیوه های رفتار بورژوازی که روبریزیونیستهای فدائی (اکثریت) پس از تغیر ما همت طبقاتی خود بداند دچار شده اند بپردازیم (از قبیل معیارهای زندگی چج بختیاری و مانند آن) بلکه فقط این معیارها را در زمینه مبارزه سیاسی آنها مورد مطالعه قرار میدهم. البته واضح است که این معیارهای اخلاقی بورژوازی ممکن است هنوز از جانب تک اعضا و هواداران این جریان بکار گرفته نشود و این امر ناشی از دو علت است. اولاً: همیشه میتوانیم با پذیرش ایده های سیاسی یک طبقه با پذیرش معیارهای اخلاقی آن طبقه از سوی وجدان یک فرد اختلاف زمانی وجود داشته باشد، چرا که قبول این معیارهای اخلاقی طبقاتی بمعنی قبول ما دیت یافتن و همه جا نیه شدن ایدئولوژی آن طبقه در وجود آن فرد است و این امر هم مستلزم یک بروسه زمانی است. میان قبول ایده های سیاسی پرولتاریا تا ما دست یافتن این ایده ها در رفتار و شیوه سرخوردنا افراد همیشه یک تفاوت زمانی وجود دارد و همه افراد نمیتوانند در این درجه از خلوص ایدئولوژیک توفیق یابند و غالباً میان آزمائشهای سیاسی شان با خلوص اخلاقی شان تا زمان معین و تا درجه معین تناقض

نموده تنها از رفتار رهبران آن در پیش از کوندای ۲۸ مرداد ما مسیر دنا" نقاد " خود را از این دار - و دسته به این محدود میسازد که این اوباشان در مبارزه سیاسی خود با بنده هیچگونه بر نیست اخلاقی نموده و از شیوه های ماکنا ویستی استفاده مینمایند. ولی ارتداد ایدئولوژیک آنها از اصول مارکسیسم - لنینیسم و خصوصاً عدول آنها از اصول مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مضمی سیاسی پرولتری را نمیتوان نادیده گرفت. ما نمیتوانیم، مگر این که در این عرصه هم ایدئولوژی حزب بوده که همان روبریزیونیسم است برزیندی نماید و مسلماً قادر نخواهد بود که تنها با تکیه بر غریزه انقلابی خود از افتادن بدام سیاستهای بورژوازی مضمون باشد. جنسین کسی غریزه انقلابی یک دهقان زحمتکش را بر علم توانم رها نمی. پرولتاریا یعنی مارکسیسم ترحم داده و از آن سر و همیشه در سب است، قربانی بورژوازی خواهد شد. از سوی دیگر کسی که بخواهد در سرخوردنه "حزب توده" فقط کار را محدود به مضمی سیاسی کند در واقع مبارزه سیاسی را از کلیت ایدئولوژیک آن جدا کرده و دچار درک روشنگری میگردد. این دیدگاه میتواند حتی خود - آلوده به مضمی بازبهای روبریزیونیستی خود - حزب توده شود که گویا این فقط خط سیاسی بازرگان و قحط زاده میسازد که در خط برژنسکی است و کربن اخلاقیات، نسیات و شیوه های رفتار

## رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



## ۲- در برخورد به هیئت حاکمه و توده‌ها

تصور میکنیم تمام رفقای که در کارخانه‌ها کار میکنند و فوراً به این صحنه برخورد کرده‌اند که عناصر ریزونیستی‌های اکثریتی به اصطلاح برای "تزدیک شدن به توده‌ها" و در واقع برای "تحقیق توده" چگونه در انجمن‌های اسلامی کارخانجات که اهرم‌های سرکوب جناح حزب هیأت حاکمه در کارخانجات است وارد شده و حتی از خواندن نماز و یا گفتن تکبیر و مانند آن ابه ندارند. البته هیچگاه یک کمونیست به آداب مذهبی با اجتماعی مردم (هرچند هم ایده‌آلیستی باشد) تا هنگامی که زمینه‌ی معنی برای توضیح این ایده‌آلیسم نرسد توده‌ها فراهم نشده‌اند. این ایده‌آلیسم نیست، ولی فرق است میان احترام به شعرا و ستایش توده‌ها با شرکت فعال در این مراسم

و تمغیه آنها و مهم‌تر از همه جلوگیری از رسیدن مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی گرفت. ما لازم نمی‌دانیم که در این باره از بی‌تجربگی خود حرف بزنیم و نخواهیم که در این راه مطالبی که در حوزات رفقای اقلیت و دیگران نوشته شده رجوع می‌دهیم و عنوان مثال به نقل چند سطر از "جزوه پاسخ به تحریفات جناح راست" (جناح چپ لیبرستان) راجع به مواردی که از لحاظ تشکیلاتی مرکزیت ریزونیست موارس سازمانی را زیر پا گذاشته است گفتا، میکنیم.

جزوه مزبور از جمله این موارد می‌شود:  
"اخراج‌های بی‌دلیل، تصفیه‌های ایدئولوژیک، تنزل مسئولین‌های سازمانی به خاطر اختلافات بیشتی، سرپوش گذاشتن بر اختلاف نظرات و تنزل آنها تا حد مسائل شخصی و دست زدن به تبلیغات

● **بهد ریخ که جریان ریزونیست کاملاً غلبه کرد، روابط درون تشکیلاتی نیز ما هیئت‌ها شکست بورژوازی بخود گرفت و میسر نماند. دعواهای درون رهبری اکثریت دعوامیان باند‌های ریزونیستی است که هر یک برای گرفتن اهرم‌های تشکیلاتی از دست دیگران وسعت دادن سازمان به سوی این جریان ریزونیستی (پونوماریف) بسیار آن جریان ریزونیستی (سوسولف) باید که برگرد رقیب‌هاست.**

و تحقیق توده‌ها از آن طریق در شرایطی که اکثریت کارگران نه به نماز جماعت می‌روند، نه در سطح اسم می‌نویسند و نه علاقه‌ای به تشکیل انجمن اسلامی نشان می‌دهند، ما شاهدش و رولتاریسم بی‌کران عناصر ریزونیستی‌های اکثریتی در دامن زدن به اینگونه علائق در کارگران هستیم. دلیل این امر چیست؟ زیرا بقول لنین: "ریزونیست‌ها بیش از خود بورژوازی نسبت به بورژوازی خدمت میکنند." ریزونیست‌ها عناصر آگاه بورژوازی هستند و بیش از افراد عادی این طبقه، کارخانه‌داران کودن، مقامات احقاق سپاه‌داران و کمیته‌ها و ارتش و... منافع طبقه بورژوازی را شناخته و به آن خدمت میکنند. آنها عناصر آگاه "خط امام" هستند و برای همین بیش از خود حزب جمهوری و اعوان و انصار او به آن خدمت میکنند و اگر در روستا حاکم به آنها هنوز چندان روی خوش نشان نداده بدون شک بی‌وفایی است و بی‌ازمندی رفع این کدورت هم خواهد شد!

ریزونیست‌های فدائی (اکثریت) نوکران بورژوازی هستند و برای همین هم نسبت به او رولتاریسم نوکرمانه و چاگری دارند. آنها از توده‌ها می‌خواهند که نسبت به رژیم نوکرمانه برخورد نکنند و از آنجا که رژیم در تحقیق توده‌ها از عقب مانده‌ترین احساسات آنها (یعنی احساسات عقب مانده و خرافی مذهبی) استفاده می‌کند آنها نیز هم با رژیم دست به این سوء-استفاده می‌زنند. مثلاً شرکت در روزهای سینه‌زنی عاشورا، ناسوعا و زبیر علم و کتلت‌ها را گرفتن و جلودار دست‌ها شدن کاملاً نادرست است این عمل، به هیچ عنوان به مفهوم "احترام به سنن اجتماعی مردم نبوده، بلکه در واقع به مفهوم

بقیه در صفحه ۲۵

و عدم انطباق وجود دارد، تانبیا با بدمیان عناصر آگاه که بی‌روهری‌ها را خاش فداشی (اکثریت) شده اند با خود این رهبران تفاوت گذاشت. اگر چه در مورد این دسته نرجنا نجه درجه و استیسی سیاسی تعمیق و تداوم باید مسلماً در روستا و خلق و خوی آنها نیز اثر خواهد گذاشت.

ما شنیده‌ایم و معیارهای اخلاقی ریزونیست‌های فدائی (اکثریت) را در سه عرصه زیر مختصراً می‌نگاریم.

- ۱- در برخورد به روابط درون سازمانی
- ۲- در برخورد به هیأت حاکمه و توده‌ها
- ۳- در برخورد به نیروهای کمونیست و انقلابی

## ۱- در برخورد به روابط سازمانی

در تمام اساسنامه‌های احزاب کمونیست که ضوابط تشکیلاتی دسته‌بندیها، پروتکل‌ها را تعریف و معین می‌سازند، بندهائی وجود دارند که در آن مقررات تخطی ناپذیری برای پابندی به شئون اخلاقی در نظر گرفته شده که در صورت عدم رعایت آن، تخطی کننده از حزب اخراج خواهد شد. یکی از این مقررات رعایت اصل رفاقت کمونیستی در روابط بین رفقای حزبی و سازمانی است. کسی که می‌خواهد خود را به اولین اصل اخلاق کمونیستی یعنی فداکاری تا بذل جان در راه آرمان کمونیستی و سازمان حزبی با بیند، نباید طبعاً نمیتواند در این راه از اصل رفاقت کمونیستی غافل باشد. در زندگی حزبی، باید از هرگونه بی‌مذاقتی، خودخواهی، دورویی، دوز و کلک، با تدبیری، شور و کرات، بسی-انضاطی و لایق و تن بروری، خوشگذرانی، انحراف اخلاقی و مانند آن بپرهیزد. در غیر این صورت زندگی سازمانی فلج شده و روحیه رفاقت کمونیستی که زمینه لازم برای مبارزه سازمان حزبی است از میان می‌رود و جای آنرا یک جو خوده بورژوازی یا بورژوازی می‌گیرد. برای اینکه این محیط رفاقت آمیز برولتاری برای مبارزه حزبی مآذت باشد، اساساً همه اعضا، سازمانی و ارکان‌های بالابا این معین کرده که همگان با ندادن آن پیروی نمایند. اصل سائترالیزم دیمکراتیک مهم ترین اصل است که این روابط را معین می‌سازد. کسی که در سازمان حزبی دست به ایجاد فراقسیون می‌زند، کسی که دموکراسی توده‌ای درون سازمان را سرکوب کرده و آزار فدائی خود یا یک دارودسته معین می‌سازد، چنان کسی هرگز نمیتواند از لحاظ ایدئولوژیک به آرمان برولتاریا خدمت کرده و رفاقت کمونیستی رفاقت را از میان می‌برد.

از هنگامی که دارودسته ریزونیست حاکم بر اکثریت درون سازمان چریکی‌های فدائی-خلق شکل گرفتند و به مرور عناصر انقلابی را همواره با ایده‌های انقلابی سازمان از آن طرد کرده اصل سائترالیزم دیمکراتیک کاملاً زیرپا نهاده شده و جای آنرا سرکوب عناصر انقلابی و اخراج

مسموم علیه نقطه نظرات مخالف...  
التمه جریان طرد و سرکوب عناصر انقلابی فقط یک وجه از جریان درونی سازمان چریک-های اکثریت بود، بتدریج که جریان ریزونیست کاملاً غلبه کرد، روابط درون تشکیلاتی نیز ما هیئت‌ها شکست بورژوازی بخود گرفت و میسر نماند. دعواهای درون رهبری اکثریت نیست که امروز دعواهای درون رهبری اکثریت دعوامیان باند‌های ریزونیستی است که هر یک برای گرفتن اهرم‌های تشکیلاتی از دست دیگران وسعت دادن سازمان به سوی این جریان ریزونیستی (پونوماریف) بسیار آن جریان ریزونیستی (سوسولف) باید که برگرد رقیب‌هاست. در حزب توده باند گپانوری باند اسکندری را کنار گذاشت و مانند آن. این شیوه‌های رفتار شنها و شنها انگکاسی است از ایدئولوژی بورژوازی در روحیات ریزونیست‌های جدید انقلابی از شیوه برخورد بورژوازی نسبت به برولتاریا (تحقیق و سرکوب) و در برخورد به رقبای خود از شیوه برخورد با ندهای مختلف بورژوازی نسبت به دیگر (سودطلبی برای ماند خود در عین حفظ وحدت بصورت مشروط) تقلید می‌نمایند، طبیعی است که در چنین شرایطی هیچ نیروی انقلابی نمی‌تواند در درون این سازمان به امید این خیال یا ظل کسیه از درون مبارزه را پیش ببرد یا بی‌ماند. چرا که این سازمان ما هیئت بورژوازی شده و مانند آن در آن به امید اصلاح آن به این میماند که یک رفرمست بخواد دستکاه دولتی بورژوازی را از درون اصلاح کند. این سازمان را فقط باید طرد و افشا کرد و فقط از این طریق است که میتوان با ایده-های آن مبارزه نمود.





بیدایش این حالات، گاه برخورد های لیبرالی نیز نقش دارد که نباید آنرا نادیده گرفت .  
موفق و پیروز باشید!

رفیق م فرناز! در نامه‌ات از اینکه در پیکار ۹۰ مجاهدین را "بدو از یک مٹی انقلابی" خوانده‌ایم، ما را مورد انتقاد قرار داده بودی لازم به توضیح است که ما مجاهدین را نیروی میدانیم که در صف خلق و انقلاب قرار دارند منتها این سازمان دارای گرایش‌های تبدیلی لیبرالی بخصوص در رهبری خود میباشد، اگر یکی از دلایل شدت باسی این انحراف ضعف نیروهای کمونیستی است که وظیفه ارتقا و هدایت دمکراتها خرده بورژوا نظیر مجاهدین را بعهده دارند، علت مهمتر آن ناشی از یک گرایش طبقاتی است. بنا بر این روشن است که ما سازمان مجاهدین را نیروی ضد انقلابی نمیدانیم ولی مٹی حاکم بر آنرا متزلزل و آمیخته با گرایش‌های فرمیستی میدانیم. مضمون آنچه هم در پیکار ۹۰ مورد نظر بوده، جز این نیست .

پیروزی‌ها!

رفیق نادره، در یکی از انتقاداتی که به اعلامیه "راهیمائی ۲۳ دی و... " داشتیم مینویسد: مرحله انقلاب ما دمکراتیک است نه سوسیالیستی پس اکنون نباید حتی حکومت سوسیالیستی را مطرح سازیم. " از آنجا شیکه ممکن است چنین اشتباه فاحشی داد منگبر رفقای دیگری نیز باشد توضیح مسئله میپردازیم .

رفقا! با بد توجه داشته باشیم که کمونیستها نمایندگان طبقه کارگر و بخش پیشرو آن هستند بنا بر این همواره میبایست از موضع منافع تاریخی پرولتاریا حرکت کنند. میدانیم که این منافع تاریخی تنها و تنها بوسیله سوسیالیسم دست یافتنی است. یعنی طبقه کارگر برای رسیدن به کمونیسم میبایست طی یک دوره به اعمال دیکتاتوری خود پرولتاریائی ساختمان سوسیالیسم بپردازد و برای این منظور ابتدا میبایست دست به انقلاب سوسیالیستی بزند اما آنچه در جوامع نظیر ایران مرحله انقلاب را دمکراتیک میکند، عدم آماجی شرایط عینی و ذهنی برای انجام انقلاب سوسیالیستی است. یعنی از یک طرف طبقه کارگر از شکل و آماجی کافیه برای اعمال دیکتاتوری خود برخوردار نیست و از طرف دیگر بعقلت عقب ماندگی جامعه و تسلط امپریالیسم، تجزیه طبقاتی در میان دهقانان و خرده بورژوازی شکل نگرفته و بخشهای وسیعی از این اقشار در تضاد نیستند تا پذیرا امپریالیسم و سیستم سرمایه‌داری وابسته قرار گرفته و لذا خواهان انقلابند. بدین لحاظ طبقه کارگر برای انجام بر نامه‌ها کثرت خود (انقلاب سوسیالیستی) مجبور است ابتدا در کنار این اقشار انقلابی ما احجام انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی بر اساس بر نامه‌ها قتل و رهبری خود به نتیجه برساند تا شرایط برای انجام

بقیه در صفحه ۲۲

از زندگی صدها میلیون زحمتکش سرمایه‌داران تحت ستم و استعمار طبقات استعمارگر و نظام سرمایه‌داری قرار دارند. سوسیالیسم تنها راه نجات این توده‌های زحمتکش است و این وظیفه ما کمونیستهاست که با تلاش بی‌گروختگی تا پذیر خود در راه آماجی کردن توده‌ها و آماجی سرخ کمونیسم بکوشیم! به آماجی روزی که تمامی زحمتکشان و کارگران همانند توده‌ها بتوانند به منافع طبقاتی خویش واقف گردند. پیروزی‌ها!

رفیق م - از خوزستان برای ما نامه‌ای ارسال داشته و در آن به سبب توجیهی برخی از رفقا نسبت به مسئله سلامتی جسمشان اشاره کرده‌اند و اینکه چگونه رفیق بیماری که به توصیه‌های رفقا پیش برای مراجعه به دکتر و درمان خویش بی توجیهی کرده، دچار بیماری سل گردیده‌است. رفیق از ما خواسته تا درباره این موضوع برای رفقا و سایر دوستان مختصر توضیحی بدهیم .

رفقا! آنچه که در زندگی کمونیستها نقش محوری و تعیین کننده را بازی میکند، همانا پیشبرد هر چه بیشتر امر مبارزه طبقاتی در جهت آرمان طبقه کارگر است. کمونیستها در این راه حتی از نثار جان نشان که با ارزش ترین چیز برای انسان است، دریغ ندارند. اما آنچه را که نباید فراموش کرد مسئله تداوم مبارزه و ضرورت پایندگی در هر چه بیشتر در سنگرمبارزه طبقاتی بر علیه بورژوازی است. آنجا که منافع پرولتاریا اقتضا کند ما از نثار جان خویش نیز نباید دریغ کنیم. کما اینکه در طول تاریخ تمامی کمونیستهای راستین اینچنین کرده‌اند و اینچنین نیز خواهند کرد. اما آیا بخاطر نداشتن سلامتی و روحیه ما با خطری توجیهی به آن وابسته‌ایم احیاناً ما و ای بیماریها را "ضعف دانستن خدمت به آرمان طبقه کارگر است؟ مسلماً خیر ما نه تنها برای هر چه بهتر پیش بردن مبارزه بر علیه بورژوازی به جسمی سالم احتیاج داریم، بلکه تا آنجا که معیارهای کمونیستی ما را اجازت دهند میبایست خود را برای ادامه مبارزه حفظ نمائیم. هرگونه برخوردی جز این، نادرست و موجب تضعیف نیروها میماند.

در برخورد با رفقای که احیاناً دچار این نگرش نادرست نسبت به سلامتی خود هستند، باید ضمن شکافتن مسئله یک نکه را از خاطر بسازیم و آنهم روحیه فداکارانه و انقلابی این رفقا است بنا بر این هرگونه برخورد مطلق گرایانه که این روحیه را منافی کند، برخورد نادرست است. در

رفیق م - ق از اهدان! این رفیق که متولد پاکستان است و از کودکی بعقلت از دست دادن پدر و مادرش، مشقات فراوانی را متحمل شده شرح زندگی اش و چگونگی کمونیست شدن خویش را طی نامه‌ای برای ما بازگو کرده‌است که در زیر خلاصه‌ای از آنرا نقل میکنیم: "با درود رفیقانه نامه را شروع میکنم... بعد از مرگ پدر و مادر مرا بدست مادر بزرگم گذاشتند بعد از مدت درسی بزرگ افتادیم بدست عموهایی که برای منافع خود مرا بیش از حد استعمار میکردند. اگر نمیتوانستم کار کنم بکنتم میزدند. با رها آرزوی مدرسه را میکردم. چیزیکه هرگز فراموش نمیکند اینست که پس از این در عرض دادن تکه نان برای ما و در میگرد. بونه‌های خا را از زیر پله‌ها که توده‌ها اگر عموهایی متوجه میشدند با جوب مرا میزدند و بیرونی‌ها آب سرد میریختند... چند بار رقص قرار کرده بودم تا اینکه سرانجام موفق شدم به حیدرآباد دیگر بزم در آنجا چند سال به همراه خانواده فقیری زندگی کردم... بالاخره تصمیم گرفتم به ایران بیایم و بدین منظور فاصله شهرها را پیمایم طوی کردم، تا به زاهدان رسیدم. در آنجا یک نفر مرا به فرزندش قبول کرد و بدین ترتیب دارای خانواده شدم. اما چون پدرم معتاد بود و خواهرها به مدرسه میرفتند، تصمیم گرفتم که هرگز به خود فکر نکنم و تا زمانیکه آنها درس میخوانند خرجی شان را در بیارم. بدین منظور عازم تهران شدم. شهری که در آن زمان لومفتها در آن به عیش و نوش میپرداختند و کارگران و زحمتکشان به فروش نیروی کارشان در تهران در مغازه‌ها ناواشی و از ساعت ۲/۵ نیمه شب تا ۸/۵ بعد از ظهر در مقابل مزد نا چیزی کار میکردم و خرج روزانه من فقط ۱۵ ریال بود. بقیه درآمدم را برای خانواده ام میفرستادم. چند سال بعد که من در شهر قهرمان سهندج کار میکردم خواهرم نزد من آمد و به تحصیل خود ادامه داد. دو ماه به مدرسه شبانه روزی رفتم و به کمک خواهرم خواندن و نوشتن را آموختم تا اینکه قیام صورت گرفت در سهندج به همراه مردم زحمتکش بر علیه مزدوران رژیم شاه مبارزه کردیم. یکی از دوستانم هم در این مبارزات شهید شد. بعد از آن عازم تهران شدم و با رفیق "ک" آشنا شدم. بر اثر کوششهای او خط ما رکنیست - لینینیست را پذیرفتم و بعد از ۱۵ ماه به زاهدان بازگشتم و بلافاصله در یک کارگاه مکانیکی مشغول بکار شدم. تا اینکه با رفقای پیکار آشنا شده و شروع به فعالیت کردم. یک شب که برای شعارنویسی رفته بودم، پدرم متوجه شد و خواست که بنا به اسم بسوزاند که با مفاومت من روپوشد. بنا بر این از من خواست که به "خانواده" ام از انتخاب کنم و به راه پیکار بروم. من با تمام وجودم پیکار را انتخاب کردم و بعد از مدتی از آنها جدا شده و اکنون در یک اطاق زندگی میکنم که نه در دار و نه پنجره و چیزی ندارم جز چند کتون نشیمن سازمان پیکار و یک قوطی رنگ برای شاعرنویسی!" رفیق م - ق! اسرار زندگی تو نمونه‌ایست



## تجربه دیگر جنگ ارتجاعی: بیماری روانی

پنج ماه جنگ ارتجاعی که صدها هزار نفر از مردم زحمتکش ایران و عراق را به فلاکت و درماندگی کشانده، ارمغان دیگری نیز برای زحمتکشان ما به همراه داشته است. در اشراف‌های ناشی از جنگ ارتجاعی رژیم‌های ایران و عراق عده زیادی از آوارگان جنگ زده و سربازان به نارا حتی‌های روانی دچار شده‌اند. هم‌اکنون در بیمارستان‌های شیراز، عده قابل ملاحظه‌ای از این بیماران در بخشهای روانی بستری هستند. این قربانیان جنگ در شرایط سخت بیماری که زندگی‌شان را کاملاً تهدید می‌کند نیز از سرکوب عوام‌لر رژیم در امان نیستند. اغلب این بیماران بغاوت تحمل فشارهای روحی، علیه رژیم و سردمداران‌شان به‌فحاشی می‌پردازند و این حالت بیشتر از اینکه نتیجه خشم‌آگاهانه طبقاتی آنها باشد، بستگی کامل به شدت بیماری آنها دارد. اما مزدوران رژیم در دفاع از منافع ارتجاعی‌شان این حرف‌ها سرشان نمی‌شود. در هفته گذشته با ساداران جهل و سرما به پس از کتک زدن معضل یک بیمار جنگ زده که مقامات رژیم را مورد حملات لفظی قرار داده بود، و سرادستگرو علیرغم اعتراض کارکنان بیمارستان او را به زندان منتقل کردند.

۵ ماه جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما جرمگ، نقص عضو، درگیری و بیخانمانی، فقر و فلاکت، گران‌ترین و قحطی، بیماری و دهها خطر - انحراف و... چیز دیگری بارنیاورده است.

## روزیونیستهای اکثریت باز هم افشا میشوند

جندی بیش یکی از هواداران سازمان به هنگام نوشتن شعار بر روی دیوار، با کارگر میانمالی روبرو می‌شود. مرد کارگر از رفیق می‌پرسد "چی نوشته‌ای؟" رفیق پاسخ می‌دهد "نوشته‌ام که این جنگ به ضرر مردم است". وی می‌پرسد "توجه عقیده‌ای داری" و رفیق جنواب می‌دهد "من کمونیست هستم" رفیق در حضور این کارگر زحمتکش شعار را کاملاً مینویسد و بعداً هم به صحبت ادامه می‌دهند. وقتی رفیق نظراً زمان را بپایر مون ارتجاعی بودن این جنگ و اینکه منافع سرما به‌داران را تا میسر می‌کند، توضیح می‌دهد، وی سؤال می‌کند "اگر شما در جنگ شرکت نمی‌کنید چرا جریک‌های فداشی جنگ می‌کنند؟" سپس رفیق به افشای مواضع سازمان

## اخبار جنگ

فداشان (اکثریت) بر داخته و می‌گوید که آنها فداشی خلق نیستند بلکه فداشی سرما به‌داران و سرافز جیمکش‌اند. وقتی مرد کارگر متوجه می‌شود که فداشان اکثریت کمونیست نیستند، با اطمینان خاطر می‌گوید "آخر متعجب بودم که اگر اینها کمونیست هستند پس چرا می‌گویند ساید به ساداران اطلحه‌های سنگین داد" به هنگام خداحافظی رفیق می‌پرسد "شهادی توهم کمونیست هستی؟" وی می‌خندد و می‌گوید "نه کمونیست نیستم ولی از دولت خمینی خوشم نمی‌آید."

محتشای این کارگر زحمتکش نشان می‌دهد که چگونه فدیت ریزیونیستهای اکثریت با کارگران و زحمتکشان برای توده‌های خلق افشا شده و آنها همه به هم‌کاری و سازش با ساداران خائنین به خلق با رژیم سرما به‌داران و ارگان‌های سرکوبگران، بی‌میرند، آری توده‌ها از رژیم سرما به‌داران و ریزیونیستهای مرتد و جنگ ارتجاعی بیزارند و شنه‌آگاهی رفقا! ای ایمان به بیرونی توده‌ها و با ایمان به درستی خط پرولتری سازمان به پیش!

## خواستهای معلمین جنگ زده

مواطنان آگاه و مبارزان!

شرایطی که این جنگ بر ما تحمیل کرد، ما را همچون دیگر مردمان مناطق جنگ زده آواره شهرها و روستاها کرده است و از آنجا که تمام هست و نیست خود را به‌خاطر نداشتن امکانات حمل و نقل برجای گذاشتیم، هم‌اکنون ما در نقاطی ساکن هستیم که از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نیست. این درد نه تنها گریبانگیر ما بلکه بلای جان تمام آوارگان زحمتکش مناطق جنگی می‌باشد. مسئولین رژیم وقتی با فشاری ما برای تامین حداقل امکانات رفاهی را دیدند به شیوه‌های ضد مردمی پناه بردند، و آخرین حرکت آنان، اخراج و معلق کردن دوتن از نما بندگان سابق و نیز صدور احکام متعلقی به تن از نما بندگان فعلی ما می‌باشد که همگی جرمشان احقاق حقوق خود و دیگر همکاران نشان است که ما این عمل فدانسانی را به رسمیت نشناخته و آن را همچنان نمایندگان و همکاران فرهنگی خود میدانیم.

مواطنان آگاه و مبارزان! خواستهای ضروری

و بحق خود را می‌گوئیم تا شما نیز از سر خوردن در مردمی مسئولین رژیم آگاه‌گشته وقتان کنید.

- ۱- لغو احکام صادره در مورد نما بندگان سابق و فعلی.
- ۲- بر داخت حقوق کامل (زیرا ۱/۲ از حقوقمان را که فعلاً دریافت می‌کنیم، کفاف مخارج سنگین زندگی را نمی‌دهد)
- ۳- تامین مسکن تا پایان جنگ
- ۴- ایجاد کلاسهای درس در مساجد، خوابگاهها و کلاسهای دانشگاه برای خیل عظیم دانش - آموزان جنگ زده.
- ۵- به رسمیت شناختن شورای هماهنگی منتخب معلمان.
- ۶- ...

با اندکی تلخیص و تفسیر به نقل از اعلامیه "معلمان جنگ زده خوزستان - ساکن شیراز"

## راهپیمائی اعتراضی

## جنگزدگان ساکن خوابگاه ۲۵ درسی برای همه جنگزدگان!

### شیراز

"دیگریس است گرسنگی، دیگریس است سرما و بی‌پوشانی، دیگریس است بی‌بهداشتی، از اینهمه فشار و روخت و زور گوشتی جانمان بر لکب رسیده است. ما باید از این وضع فلاکت‌بار، باید از مصیبت‌های این جنگ ارتجاعی و لعنتی با مبارزه خلاصی یابیم"

هشهریان جنگ زده! خانه‌خوابی ما و زور - گوشتی‌های رژیم، اگر ما ساکت بنشینیم، ادامه خواهد داشت. حتی زمانی که جنگ هم تمام شود، اینها دست از سر ما برنخواهند داشت. پس همه با هم از حرکت خوابگاه ۲۵ و دیگر حرکات تعرضی آوارگان جنگ ما نند. ما در هر یک ساختمان توسط معلمان جنگ زده با ما در هر یک ساختمان روبروی دانشکده پزشکی توسط عده‌ای از آوارگان جنگ و... درس بگیریم.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۹، به علت نرسیدن مواد غذایی، وضع بد مسکن، وجود خفقان در خوابگاه و آزار و اذیت زنان زحمتکشی که حاجت اسلامی نداشته‌اند و همچنین دزدیهای مواد غذایی بوسیله ساداران، بن آوارگان خوابگاه و با ساداران درگیری بیش می‌آید و پس آوارگان با دادن شعار بر طرف استانداری حرکت کرده و با زور وارد استانداری میشوند و وقتی استانداری را فراری می‌سینند با شعارهایی چون: "شعار

# جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق



## نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

### مصادره خانه‌های خالی "ملک شهر" بوسیله معلمان جنگ زده

ساکنان اصفهان، برای حل مشکل مسکن، دست به مصادره انقلاسی خانه‌های خالی "ملک شهر" (واقع در حومه اصفهان) میزنند. طبق معمول سرو کله با سداران سرما به پیدا شده و آنها در مقابل مقاومت معلمان جنگ زده با خشونت تهداد از آنها را دستگیر کرده و به زندان مری و سپس برای بازجویی به "دادگاه انقلاب" میبرند. در دادگاه معلمان مبارز آواره از حق خود دفاع کرده و میگویند که آنها خانه‌های "ملک شهر" را تخلیه نمیکنند.

رژیم در مقابل مقاومت فرهنگیان آنها را با ضمانت آزاد کرده و چند نقطه را برای سکونت آنان پیشنهاد می‌کند که به علت نداشتن امکانات، معلمان از قبول پیشنهاد آن سر باز میزنند. مبارزه و مقاومت فرهنگیان برای حفظ خانه‌های مصادره شده، ادامه دارد.

معلمان مناطق جنگ زده همراه سایر آوارگان مبارز، در شهرها به مبارزه خود برای بدست آوردن خواسته‌های برحقان ادامه می‌دهند. و برای حل مشکل مسکن راهی می‌شوند. مصادره انقلاسی خانه‌های خالی نمی‌بینند. روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۳ معلمان مبارز خوزستانی

هر آواره، نان، مسکن، آزادی، "هرسته زندگی" تا موقع بیکاری برای آوارگان برداخت باید کرد و... به نظرات ادامه می‌دهد.

دروغ‌نم، آوارگان با ردیگر جلوسوی خوابگاه جمع شده و شعار گویان بظرف استنادی حرکت میکنند. در سن راه عده‌ای از عناصر متریزل میگویند بی روی نکند و شعار رسان، مسکن، آزادی را بدهید! اما زمان زحمتکش در پاسخ میگویند: "ما بی روی سرما نمی‌شود، با آن می‌خواهیم، مسکن هم می‌خواهیم، آزادی را هم می‌خواهیم". عده‌ای از هواداران روبریونیست - های خاشا لحن بپراکنی میکنند که: "این کار شما باعث تضعیف دولت می‌شود" اما آوارگان در پاسخ میگویند: "تضعیف یعنی چه، ما بخاطر آنها آواره شده‌ایم و بیکی از زمان زحمتکش عرب در حالیکه به حدود ختر بسجی حمله می‌کند میگوید: "سنا رکن زیر سر خودتان بوده، خون ریزی های آبادان هم زیر سر خودتان بود، جنگ را هم خودتان از خوزستان شروع کردید دیگر از جان ما چه می‌خواهید." آری توده‌های آگاه دشمنان خود را خوب تشخیص می‌دهند. هنگامیکه آوارگان به استناداری می‌رسند، عمل رژیم هر یک به نوعی شروع به عوا مغربسی میکنند با افتنا گریهای آوارگان عقب می‌نشینند. بیکی از زمان زحمتکش پیشنهاد میکنند که: "راهبمانی کنیم و در دو طرف خیابان هم روی با رجه بنویسیم که، مردم شیراز، کمکهای شما می‌رسد، ولی با سداران آنها را می‌زدند، ما با با سداران طرف هستیم نه ما، تا مردم بفهمند که ما چه می‌کنیم و رژیم نتواند تبلیغات دروغ راه بیان از "وزن زحمتکش دیگری میگوید" همان طوریکه خون دادیم و این انقلاب را آبیاری کردیم، همانطور هم خون می‌دهیم و انقلاب بعدی را آبیاری می‌کنیم."

آوارگان از زمان خود ۴ نماینده انتخاب کرده و با خواسته‌های زیر پیش استنادا می‌فرستند:  
۱- رفع هر چه سریع‌تر نیازهای اولیه جنگ زدگان از قبیل سوخت، پوشاک، غذا و وسائل زندگی  
۲- برداخت حقوق برای تامین معاش خانواده های جنگ زده.

۳- قطع برخورد های غیر انسانی و توهین آمیز مقامات مسئول رژیم نسبت به آوارگان جنگ  
۴- تامین بهداشت.

۵- ایجاد دشورا از زمان خود آوارگان جنگ. اما مانند همیشه استنادا در پاسخ نمایندگان فقط وعده و وعید میدهد.

همشهریان جنگ زده! مبارزات خود را ادامه می‌دهیم، متحد و یکپارچه مبارزات خود را برای گرفتن خواسته‌های برحقان ادامه می‌دهیم. به نقل از علامه "گروهی از آوارگان مبارز شیراز" با اندکی تلخیص و تفسیر.



## مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم



## پنجه ارفعه ۱۲ وحدت ...

ممکن است چندتا کرد و یا مزدگیر سبزیزیر دست خود داشته باشد. آن تقسیم بندی که شما به انگای آن از بورژوازی کوچک نام میسرید و آنرا صاحب حدوده کارگر میدانید، چیزی جز خرده - بورژوازی مرفه نیست. و نام آن موسسات تولید سبزیکارخانه نبوده، بلکه کارگاههای کوچک خرده بورژوازی مرفه است. اگر شما صاحبان چنین کارگاههای کوچکی را "بورژوازی کوچک" می - خوانید، پس بگوئید چه قشری را خرده بورژوازی مرفه میدانید؟ تکندا صولا خرده بورژوازی رانه بورژوازی "خرده" (بورژوازی کوچک) بلکه از سوادگیری میدانید؟ آنچه خرده بورژوازی (اعم از متوسط و مرفه) را از سوزوازی جدا میکند، همان تولید کالائی ساده و گسترده است که اولی حیطه عمل خرده بورژوازی را تشکیل میدهد و دومی حیطه عمل بورژوازی و از اینرو است که خرده بورژوازی در ایران "وابسته" محسوب نمی - گردد. چه با ما سرمایه وی در محدوده تولید خرده - کالائی و محلی قرار داشته و در باران انحصاری جامعه در تولید و یا ز تولید و گردش آن قرار ندارد.

در عوض، طبقه بورژوازی ایران از آنجا که به تولید کالائی گسترده وابسته است و تا همین سود آن جز با گردش و تولید و یا ز تولید وابسته به شرایط سودآوری و با زارا میربا لستی ممکن نیست، "وابسته" محسوب میگردد.

از اینرو ما در اساس "بورژوازی کوچک" را بعنوان جزئی از طبقه بورژوازی قبول نداشته - و آنرا بعنوان خرده بورژوازی می شناسیم، همانطور که رفیق لنین و استالین نیز از دهقانان مرفه (خرده بورژوازی مرفه) بعنوان "بورژوازی ده" نام میبرند.

سومین انحراف سیاسی که در دیدگاه رفقا در برخورد به قدرت سیاسی وجود دارد، همان بورژوازی سوداگرنامیدن جناح خرده بورژوازی هبات حاکمه (خمینی، منتظری و ...) است بنظر ما در اینکه حزب جمهوری اسلامی دارای ماهیتی بورژوازی بوده، شکی نیست. اما ما به خمینی و جناحی از حزب جمهوری اسلامی (که جناح مغلوب است) بمانا به خرده بورژوازی مرفه سنتی اعتقاد داریم. از اینرو اختلاف ما با رفقا در ارزیابی از جایگاه خمینی و جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه است که رفقا آنرا "نیزبعت" میخوانند. بورژوازی سوداگر "معرفی" کرده اند، بنظر ما با توجه به موضعگیریهای خمینی قبل از قیام، او نمیتواند بعنوان نماینده سیاسی سوزوازی سوداگری باشد. زیرا خمینی در زمان شاه خواهان مبارزه علیه رژیم شاه و بخصوص سلطنت و شخص شاه بوده و در حد معینی دارای تضاد با انحصارات امیربا لستی و با تسلط بود. اما پرواضح است که در همین مبارزه دارای تزلزل و ناسازگیریهای فراوان بود. حال آنکه در زمان شاه هیچکدام از جناحهای سوزوازی نمیتوانست علیه رژیم سلطنتی شاه مبارزه کند و اختلافات این جناحها با شاه سرسوخودکا مکی و مطلقگی

دیکتاتوری شاه بود. این جناحها خواهان تعدیل دیکتاتوری شاه و اعمال دیکتاتوری شما طبقه بودند و از شعار "شاه با سلطنت کننده حکومت" جانبداری میکردند. خرده بورژوازی مرفه سنتی به شما بندگی خمینی علیه تمام نابیکریهای خود بر مبارزه علیه سلطنت شاه و بختیار اصرار میورزید، حال آنکه هیچکدام از بخشهای سوزوازی از چنین موضعی برخوردار نبودند و بیوسته میکوشیدند تا خمینی را به سازش با رژیم سلطنتی بکشانند. با طبع خمینی نیز به لحاظ ماهیت طبقاتی شدیداً متزلزل خود چنین امکانی را فراهم میساخت. تا سوزوازی متوسط سیاست سازش خود را به عمل درآورد. اما علیه تمام ما بهیت، خمینی در زمان شاه در صف انقلاب قرار

گناه سوم، گذشته خرده بورژوازی مرفه سنتی را در نظر نگرفته، بیرویه تحول آن را از مدنظر انداخته و آنرا از ابتدای امروز بعنوان سوزوازی سازشکار سوداگر جلوه میدهند.

ماهیت خرده بورژوازی خمینی نه تنها در مواضع سیاسی و نحوه عملکردهای وی و آرمان - های اتویستی خرده بورژوازی اش (نه شرقی، نه غربی، با اسلامیسیم و ...) منعکس میگشت، بلکه بعد از بقدرت رسیدن نیز در ادا مهربی خطی و فقدان برنامهورانندیشی که وی را وادار به سپردن قدرت بدست سوزوازی لیبرال و دنباله - روی از او نمود، منعکس میگردد و امروز که حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزبی سوزوازی دارای سازماندهی، مبنی و برنامه خاص خویش

مگر ممکن است مناسبات سرمایه داری (وابسته) شیوه تولید غالب برجماعه باشد و آنگاه اقشار متفاوت سوزوازی با شرایط متفاوتی و تحت قانونمند بهای متفاوتی تولید و بازتولید نمایند. اگر بهیچ سبب که سرمایه داری ایران وابسته است، این بدان معنی است که کلیت امپریورژوازی ایران وابسته به شرایط تولید و بازتولید امیربا لستی است و از اینرو طبقه سوزوازی ایران وابسته محسوب میگردد.

است، خمینی قدرت را بدانان سپرده و خود دنیا له روان و وصه گذار برنامهاهی آنان گشته است. با این واقعیتی نیست که خمینی منتظری و شرکاء، فاقد هرگونه بینش سوزوازی و مشی و برنامهاهی بوده و آنان نسبتند که سیاست سوزوازی حزب را تعیین نموده، بلکه بالعکس این حزب جمهوری و سردمداران آنها، بهیشتیها رفسنجانیها، و غامنه ایها، آیتها هستند که سیاست خمینی را تعیین نموده و وی را به دنباله - روی و قبول سیاستهای خویش وادار می نمایند. ما تکیه میکنیم دیدگاه سوم رفقای وحدت انقلابی که خمینی را نماینده جناح سوزوازی سوداگرازیایی می نماید، اما ما سرخوردی را ستروانه نسبت به خرده بورژوازی مرفه سنتی است. دیدی که او را ز فعل و انفعالات مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی حاکم خارج نموده و در حقیقت آنرا جزو صف انقلاب میداند.

پذیرش مبارزه ایدئولوژیک علنی، وجود شواثب فکری انحلال طلبانه، درکهای التقاطی و وجود شواثب فکری نظام وابسته و سرخوردی را ستروانه و التقاطی نسبت به سوزوازی کوچک و "غیر وابسته" و سرخوردی را ستروانه نسبت به خرده بورژوازی مرفه سنتی که عملاً بنظر میرسد جزو صف انقلاب بشمار میاید، گوشه ها شکی از انحرافات است که رفقای دیدگاه سوم همچنان بدان آلوده اند. ما میدوایم رفقا با تصحیح خط مشی و مواضع خویش بتوانند، انحرافات غیر پرولتری را از مواضع خود زدوده و در جهت وحدت به حول خط مشی و برنامهاهی کمونیستی بکوشند ما ادا ما سرخورد خود را موقوف به طرح نظرات بعدی رفقای دیدگاه سوم نموده و از مبارزه ایدئولوژیک آنان بحول آنچه که بر اساس نظریات خود عنوان نموده ایم، استقبال مینماییم.

داشت، لیکن به موازات رشد انقلاب و تعمیق رادیکالیسم جنبش توده ها و نیز برآمدن جنبش طبقه کارگر (که اعتماد با کارگران نفت سمبل آن بود)، تزلزلات و گرایشات ضد انقلابی خرده - بورژوازی مرفه سنتی به نمایندگی خمینی فزونی یافت و بالاخره در مقطع قیام تلاش جهت حفظ ماشین دولتی، با تشکیل دولت با زرگان و سازش با امیربا لستم به صف ضد انقلاب می پیوندد.

بعلاوه برخلاف سوزوازی متوسط در قیل از قیام که دارای مشی و برنامهاهی و تشکیلات خاص خود بود، خمینی به لحاظ همان ماهیت طبقاتی متزلزل و بینابینی خود فاقد مشی و برنامهای منسجم بوده و از تشکیلات قابل انگاشی برخوردار نبود. خمینی مبارزه خود را بدون تکیه بر تشکیلات و سازماندهی و بدون برنامهاهی و بطریقی خود بخودی و دنیا له روان به پیش میبرد حال آنکه واقعا که امپریورژوازی را میتوان یافت که دارای چنین خصایمی باشد؟ رفقای نظر

## کارشناسان ایتالیائی در خدمت جمهوری اسلامی

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علاوه بر خرید اسلحه و قطعات بندگی از امیربا لستی، کارشناسان آنرا نیز به خدمت اهداف ارتجاعی خود میگیرد. طبق اخبار موشی چندی پیش در فرودگاه ارومیه، مهندسین و کارشناسان ایتالیائی مونتاز قطعات هلیکوپتر "سنوک" را آغاز کرده و اسلحه هلیکوپتر اکنون برای پرواز آماده است. این واقعتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به همان راهی میروند که رژیم شاهنشاهی

پنجه در صفحہ ۲۷



### مستشاران آلمان شرقی بجای مستشاران آمریکائی!

رژیم جمهوری اسلامی، برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته اقدام به استخردام مستشاران خارجی با حقوق های کلان نموده و مینماید. رژیم های ارتجاعی برای حفظ حاکمیت خود نمیتوانند بی نیاز از وابستگی به کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری باشند طبق قراردادی که بین رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازیونیست های حاکم بر "المسلمان دموکراتیک" (شرقی) در سال گذشته به امضا رسیده، رژیم برای برآوردن اذیت ختن صنایع تسلیحاتی اقدام به استخدام مستشاران آلمان شرقی نموده است. جمهوری اسلامی تقبل کرده است که علاوه بر حقوق ماهیانه، مخارج خانه و هزینه سفر مستشاران و خانواده شان و نیز اشیاء آنها را بپردازد. مستشاران رونیونیست اجازه خواهند داشت که مواد غذایی مصرفی شان را بدون پرداخت عوارض گمرکی از خارج وارد نمایند (این مدعیان دروغین سوسیالیسمی - ترسند غذا های ایرانی به مزاجشان سازگار نباشد!) حقوق ماهیانه این متخصصین برای سربهمندسین ۵۹۰۰ فرانک سویس (معادل ۳۰۰۰۰ تومان) برای مهندس ارشد ۵۶۰۰ فرانک سویس و برای تکنیسین ۴۹۰۰ فرانک سویس (معادل ۲۵۰۰۰ تومان) در شهران، گیلان و مازندران خواهد بود و برای استانهای دیگر ۲۰ تا ۳۵ درصد افزایش (بدی آب و هوا!!) دریافت خواهند کرد این حقوقهای کلان بخش کوچکی از بهای گزافی است که رژیم جمهوری اسلامی در قبالتحکیم سرمایه داری وابسته از دسترنج زحمتکشان ما میبردازد.

امضای این قرارداد علاوه بر افشای رژیم جمهوری اسلامی، چهره واقعی بورژوازیونیست های مرتجع آلمان شرقی را که دم از "کمک - های بی چشمداشت" به کشورهای "انقلابی" میزنند نیز برای توده های زحمتکش خلقهای ایران بهتر معرفی میکند و نشان میدهد که چگونه رونیونیست های خائن آلمان شرقی با دریافت حقوق های کلان برای برآوردن اذیت ارگانهای سرکوب و ماشین تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی و بر علیه توده های زحمتکش با جای پای مستشاران کشورهای امپریالیستی غریب میگذارند. این مدعیان دروغین سوسیالیسم با دریافت حقوقی معادل حقوق کارشما در چیا و لگر غریب دشمنی خود را با زحمتکشان میهن ما بنمایش میگذارند.

این قرارداد دچهره فریبکارانه رونیونیست های خائن حزب توده و "اکثریت" ایمن شنا گویان سوسیال امپریالیسم روس کثب و روزا زکمک های کشورهای "برادر" یاد کرده و امضای قرارداد با سوسیال امپریالیسم و کشور های بورژوازیونیستی اروپای شرقی نظیر آلمان شرقی را دلیل "بر" استقلال اقتصادی و حرکت در آن جهت میدانندیش از پیش افشا میکند. این قرارداد نشان میدهد که خائن حاکم بزاین کشورها در دشمنی با خلقهای تحت ستم و در چیا اول دسترنج زحمتکشان کشورهایی چون ایران دست کمی از امپریالیستهای غریبی ندارند.

### باز هم خرید اسلحه از امریکا

هر دو جناح ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بخصوص بنی صدر در سبق و کبرنا و ژورنی نامهاشان ادعا میکنند که جنگ ارتجاعی را بدون خرید اسلحه و با قوه ایستار ارتش و با مداران ضد خلقی به پیش میبرند. اما اسناد و خبرهایی که تا بحال در شماره های پیکار و خبرنا مه جنگ آمده نشان میدهد که رژیم برای خرید اسلحه، دست بسوی تمام امپریالیستها دراز میکند و در این میان "آمریکا" بزرگترین فروشنده اسلحه به ایران میباشد.

طبق اخبار موثق اخیر ایتم های ۳ تنی "لنزی" بوسیله سه هواپیما ی غول بیکریا ربری سی - ۱۳۰ (C-۱۳۰) از آمریکا به ایران حمل شده است. این خبر موثق بکار ردگر چهره فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و هم رهبران آن بنی صدر تا بهشتی و آیت الله خمینی را افشا کرده و نشان میدهد که رژیم با کمبود کمک امپریالیستها نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. این خبر موثق نشان میدهد که شعارهای رژیم حاکم علیه امپریالیسم آمریکا بوج و تو خالی است و این رژیم متحدا امپریالیسم و دشمن انقلاب خلقهای ایران است.



### خرید اسلحه از فرانسه هلند و آلمان غربی

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت ارتجاعی - اش ادعا کرده است که نه تنها اقدام به خرید تسلیحات از خارج و بویژه غرب نکرده است بلکه با "کارشکنی" های کشورهای غریب بویژه پس از "اشغال سفارت آمریکا" مواجه شده است. بارها بارها اسناد و شواهد کافی دروغ بودن ادعاهای رژیم را افشا کرده ایم. از جمله خرید های تسلیحاتی رژیم از کشورهای امپریالیستی غریب، خرید تجهیزات هواپیما برای "هوانیوز" مسافتی که در ماه مارس ۱۹۸۰ (اسفند ۵۸) فروردین ۵۹) و درست همزمان با "تحریم اقتصادی" ادعائی رژیم صورت گرفته است.

ارتش جمهوری اسلامی در آن تاریخ قطعاً هواپیما را از شرکت فرانسوی (فالکن) و کارخانه فوکر (هلند) نیز قطعات هواپیما های "توربو-کما ندر" را از آلمان غربی خریداری کرده است (به مبلغ بیش از ۱۰ میلیون فرانک فرانسه) این خریدها نشان "موفق" بوده که فرماندهان ارتجاعی ارتش اقدام به ایجاد مراکز خرید در فرانسه، انگلستان نموده اند. بهشتی و بنی صدر خاش و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی شب و روز دم از "تحریم اقتصادی"

بقیه در صفحه ۲۲

### خدمت رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا

رژیم وابسته شاه، در جهت دفاع از منافع آریایان امپریالیستش در منطقه، سالیانه میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان ایران را به خرید تسلیحات اختصاص میداد از جمله قرار دادهای غارتگرانه ای که رژیم شاه برای خرید اسلحه با امپریالیسم آمریکا امضا کرده بود، قرارداد ایست که برای خرید موشکهای هوا به زمین و زمین به زمین با کمپانی هیوز امضا شده است این قرارداد که مبلغ اولیه آن ۲۸۴/۷۹۰/۰۰۰ دلار (معادل ۲۷۸/۳۲۰/۰۰۰ تومان) و (البسته بدون محاسبه هزینه های ساختمانی و اضافی بعدی است) بوده و جمعا ۱۷۰/۵۶۹/۱۰۰ میلیون دلار به صندوق شرکت مزبور واریز شده است، قبل از سقوط رژیم شاه توسط آن رژیم لغو شده است ولی بولهای ایران همچنان در صندوق شرکت مزبور باقی است. رژیم جمهوری اسلامی که کوچکترین قدمی در افشای قراردادهای غارت-

گرانه با امپریالیسم آمریکا برداشت (و طبیعی هم بود که برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته بردارد) صحبتی از این قرارداد هم میمان نیاورده و فقط به مطالعه در مورد این پیروژه قناعت کرده است.

اگر رژیم شاه در ادامه سیاست ارتجاعی و چا کرمنشانهاش میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان را به دامان امپریالیسم آمریکا میریخت، رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت دوساله اش با سکوت در مورد آن قراردادها و تلاوت در جهت اجرای آنها در تحکیم سرمایه داری وابسته کوشیده و در شرایطی که زحمتکشان همین ما در سخت ترین شرایط با فقر و فلاکت دست بگریبانشند با چشم پوشی از میلیاردها دلار سربده های ایران در آمریکا در جهت خدمت بیشتر به امپریالیسم آمریکا قدم بر میدارد.





## سخن از صفحه ۱۴ رویزیونستها...

سوا استفاده از احساسات غلبه مانده بوده جدا برای نخمق آنهاست. اگر هوئی میس از کمونیستهای وینامی میخواست که در موقع ورود به معادله سدوئی کفش را از با دریاورد و با اعتماد مردم اخراج کند. ولی همکاران آنها میخواست که خود معادله را درست کنند! این موضوع بخصوص وقتی اهمیت ویژه ای با آنکه در نظر کمونیستها مورد ار مدح بیوان یک وسیله عمد و اساسی برای تثبیت نهاد های بورژوازی استفاده میکند. و طبعاً در استصوابت و طلب شدن در اتحاد محسن اسلامی کارخانه ها شکل نما رخمانت فقط به مفهوم محسن بوده ها، بلکه محسن به مفهوم نیست با نه های رژیم بورژوازی است.

"اکترب" از هواداران خود میخواهد که ما ساه با گذاران، مسخ و مستغفص و دیگر نهاد های ارتجاعی رژیم همکاری کنند و در آنها شرکت نمایند. طبیعی است که این کار فقط در خدمت نسبت ارتجاع میساید و مسخ است عمل. هواداران اکثریت نسبت به رژیم عوامل آن خاکسارانه و دمکراتیک را پیدا کرده و در هر محل (در ریدان، کارخانه، دانشگاه، دکه، فروش تریه و...) بطور عوامل حاسوب رژیم در خواهد آمد.

البته "اکترب" فقط به توده های درین خاک - ناری نسبت به رژیم را نمیدهد، بلکه در ضمن از رژیم هم مختصراً انتقاداتی بخاطر نا شکر بیاش دارد. چرا که این ناشی کربها با غت رسیدن بوده ها و در روحه انقلابی و اخلاق آزاده را در توده ها با لامبیرد.

از آنجا که "اکترب" از لحاظ سیاسی بدو - لوزیک و استبه بورژوازی امیرالیستی رسیده میساید، طبیعی است که این خصلت در روحیات و خلق و خوی او (نخستین فرهنگ امیرالیستی و سرافاتسدا مع بورژوازی روسیه) وهم جنس تلاش او برای نم دادن هیات خاکمه به سوی واستنکی بیشتر به سوسال امیرالیسم نیز مورتیاشد. هم کارگری یک نوگرد مقابیل ارتباب و هم تشویق ارتباب به پذیرفتن قید و بند ارتباب دیگر، این است آن روحانی که اینستک مناسبات میان گروه "اکترب" را با همسایات خاکمه معین میسازد.

## ۳- در برخورد به نیروهای کمونیستی و انقلابی

اکترب از تمام مشوه های ممکنه برای ضربه زدن به نیروهای انقلابی و کمونیست استفاده میکند و در این راه نمیدهد هیچ گونه قید و بند مکرر مافع بورژوازی نسبت به برخی از این مشوه ها را میتوان چنین نام برد:

۱- جعل دروغ در باره نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست

هر رفتنی در تجربه روزمره خود از عناصر اکثریتی جنس تا به برکنی های رایسار شنیده است. همه مبادا در آنکه چگونه در زمان رژیم شاه او را برای بدنام کردن نیروهای انقلابی به

آنها تهمت بی بندوباری جنسی و اخلاقی را نسبت میداد. امروزه این حملات از جانب عناصر اکثریتی بسیار رشنده میشود.

۲- خرابکاری در کارهای و نیروهای کمونیست و انقلابی.

لودادن عناصر را ز در کارخانه و مدرسه، در کج و محله، باک کردن شعارهای انقلابی از روی دیوارها، باره کردن اعلامیه ها و پوسترهای

نواسته بود خود را برای مدتی بصورت هوادار سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار رجا بزنده خوشبختانه کشف و اخراج شد.

همه اینگونه برخوردها نشان میدهد که گروه

اکترب تبدیل به یک دارو دسته خرابکار و

و جاسوس شده که طبعاً با سد در کج و محله مناسبات نیروهای انقلابی و کمونیست نسبت به آن تا شبر بگذارد. این کافی نیست که اکثریت را بعنوان

● اگر هوئی مین از کمونیستهای وینامی میخواست که در موقع ورود به معادله بودا کفش را از با دریاورد و به اعتماد مردم احترام بگذارد، ولی هیچ گاه از آنها نمیخواست که خود معبد ویتانه درست کنند! این موضوع بخصوص وقتی اهمیت ویژه مییابد که در نظر بگیریم رژیم امروزه از دید هب بعنوان یک وسیله عمد و اساسی برای تثبیت نهاد های بورژوازی استفاده میکند، و طبعاً این در صورت دا و طلب شدن در ایجاد انجمن اسلامی کارخانه با تشکیل نما رخمانت فقط به مفهوم تثبیت توده ها بلکه همچنین به مفهوم تثبیت پایه های رژیم بورژوازی است.

بگ نیروی ضد انقلابی که مثنی و برنامهن مخالف انقلاب و در مدیت با طبقه کارگر و توده های ساسای رجمکت ایران میساید و در افشا کنیم، بلکه در عین حال لازم است که این دارو دسته را بعنوان یک دارو دسته خرابکار و جاسوس بشناسیم که برای خرابکاری در جنبش انقلابی و کمونیستی و همکاری با ارتجاع از معیارهای اخلاقی بورژوازی نیروی میکند و از نیروی نیروی انقلابی نباید آنها هیچ گونه تماس شکلانی با همکاری در هر سطحی داشته باشد. عمده ای از نیروهای انقلابی میبندند که نمیتوان با اکثریتها و توده ایها در کار تونهای دمکراتیک همکاری کرد تحت این بهانه که کمونیستها حتی در ارتجاعی ترین پارلمانها هم شرکت میکنند و برای جلب و جذب با به توده ای اکثریتیها باید با آنها در این سطح همکاری کرد. ما در عین حال که برخوردنا کتبی را در مواردی جابزمیناریم و شناخت از این موارد را به خود شرایط موکبول میکنیم ولی در مورد تری قبول همکاری با اکثریتیها در کار تونهای دمکراتیک ذکر یک نکته را لازم میدانیم: یک کمونیست حتی در ارتجاعی ترین

معامع توده ای هم شرکت میکنند چون میخواهد از این معامع برای نزدیک شدن به توده ها و استفاده از تریبون علنی استفاده نماید. ولی استفاده از این گونه تاکتیکها مختص شرایطی است که اعتلای انقلابی وجود داشته و استفاده از جریش ترین امکانات علنی برای مخاطب فرار داند توده ها ضرورت داشته باشد. ولی در شرایطی که توده ها خود بصورت میلیونی در میدان سیاست هستند و اعتلای انقلابی در جا مع وجود دارد به هیچ عنوان نباید با چنین مستمکنی وارد اتحادیه ها و کانونهای ارتجاعی و رویزیونیستی شد. اکثریت قبول دارد که خط خاکمه بزرگ کانون که اکثریت بر آن همزونی دارد یک خط ضد انقلابی است با در آن خارج شود و با طرد و افشای آن، کانون دیگری به وجود آید. توده ها دارای روحیات انقلابی بوده و در این شرایط به سرعت

در اینجا بدست که به همکاری مقصحا نه

اکتربیتیها و حرب بوده ایها در جریان تسخیر خونین انجمن کارمندان مسلمان با عناصر فالانزاشا ره کنیم. روزی ما معاهد در شماره ۱۵۴ در این باره جنس میسوسید: "جوهری به سنگ اکثریتی گفت: وای بر شما، شرم نمکنید! در لحظاتی که ما ز سر رکارا رگلوله هستیم و شپسید میدهم، این جنس ما را میکوبند! برادر دیگری به یک توده ای گفت: بحث ارتجاع با لیبرال سر جای خودش، ولی شما به سراسر همجان سه مجبرخوانی ارتباب در جه دوم خود حزب جمهوری و جما تدارانش بیزد آید." (ص ۱۵)

۳- رخنه در سازمانهای انقلابی و کمونیستی.

همه رفقا با دادرند که مشوه رخنه بیسی در سازمانهای کمونیستی یکی از مشوه های درینسده ای است که حزب توده مدتها است از آن استفاده میکند. یکی از نمونه های روشن آن در اواخر زمستان سال پیش با کشف یکی از عناصر توده ای در پیشگاه ما دانشکده بیلی تکنیک تهران روشن شد که توسط رفقای فدائی برای مدتی اعلام ولی توسط رهبری منحرف سازمان جلوی تبلیغ آن گرفته شد. اکنون همین روش را اکثریتیها در مورد دیگر سازمانهای انقلابی بکار میبرند. از جمله اخراج درامفهان یکی از عناصر اکثریتی

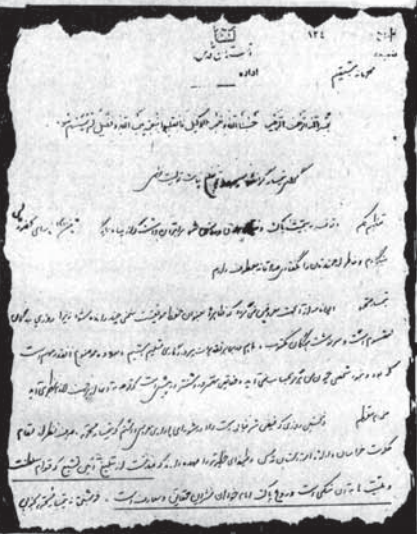
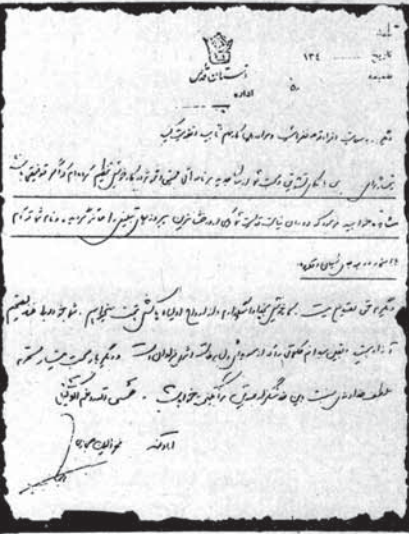


فخرالدین حجازی :

«عصاره انقلاب» یا چاپلوس  
درگاه نوکران شاه؟!

جهت ادا مآذ انقلاب آنان درآمده است از پیش پای  
انقلاب دمکراتیک - خدا میربا لستی خلقهای  
ایران بردارند.

سندرو بروصفا حتی است از نامه حجازی  
به تیمسار با تما نقلیح . سپهبدان دریا تما نقلیح  
که در آذرماه ۵۹ محاکمه و به حبس ابد محکوم شد  
در زمان کودتای امریکائی ۲۸ مرداد ۳۲ رئیس  
سنادارتن بود و در طراحی کودتا دست داشت .  
تسمور بختسار خاثن که پس از کودتا فرما نسا ر  
نظامی تهران بود زیر نظر او کار میکرد میان نقلیح  
در «دادگاه انقلاب اسلامی» از روابط نزدیک خود  
با آیت الله کاشانی فراوان سخن گفت و همین  
امر که در کتاب اعمال نفوذ اشخاص زیاد مشتمل  
حجازی، از دلالی بود که وی اعدام نشد . با تما نقلیح  
که یکی از زمینداران و سرما به داران بزرگ رژیم  
شاه بود از طرف شاه به نصاب تولیت «آستان قدس»  
و استانداری خراسان منصوب شد و این مؤ سسه بر  
درآمد وابسته به دربار پهلوی را اداره میکرد .  
صدها هزار دهقان و زمینکن خراسان که در زمینها  
و املاک متعلق به آستان قدس عراق میریختند و  
جان میکندند بوسیله همین تیمسار با تما نقلیح  
استنما ر میشدند و آقای حجازی خطیب و مبلغ همین  
دستگاه بود و امروز هم خطیب و مبلغ رژیم جمهوری  
اسلامی است . آیت آقای حجازی با چنین سوابق  
و موقعیت اجتماعی فعلی خود «حق» ندارد دشمن  
خونی کمونیستها و انقلابیونی ب سده طرفدار  
زحمتکشان و خلقهای محروم ایران هستند؟



ما هیت خاشا نه اسن حامیان سرما به داری  
و این دشمنان قسم خورده طبقه کارگر در کلمه به  
کلمه از حرفها شان پیدا است به نام توجه کنید :  
۱- حجازی با عبارات تعظیم لکم، مخدوم  
معظم، حضرت اجل، تیمسار گرامی، حضرت اشرف ،  
حناب اجل و غیره اوج کبرش و چاپلوسی و در بویگی  
خود را نشان میدهد .  
۲- «اواز نیت صدق» و «سجیت (خوی و سرشت)  
با کتبا تما نقلیح محبت میکند و در آرایش چهره  
جلادانی مثل اوزبان بردازی می نماید .  
حجازی اکنون همان زبان بردازی را در باره  
رژیم جمهوری اسلامی بکار میبرد و به عنوان یکی  
از خصمتهای برجسته این رژیم در میاید .  
۳- حجازی مزورانه ادعا میکند که «روزی  
بندگان مقسومات و سرنوشت همگان مکتوب» او  
همان دروغهایی را که به خورد زحمتکشان میداده  
تا «سرما شب میرکنند» بی آنکه خود با وردا شده  
با شدت کرامی نماید . او با در بویگی خود در پیشگاه  
با تما نقلیح بی اعتبار بودن آن حرفها را  
ثابت میکند .  
۴- وکیل اول تهران در این نامه مزورانه  
ادعا میکند که «بودن نبود شخصی چون من هرگز  
به حساب نماید» در آن سالها «نوشیدن شربت  
شهادت» زیبا معمول نبود و آیت آقای حجازی هم  
مثل دیگر پهلوان بنسها از «شهادت» سخن می -  
گفت . یعنی در واقع حرفش را او میزد و عملش را  
دیگران انجام میدادند . مثل حالا که توده های

صفحه آخر شد .  
نامه هیرمند (مورخه ۱۵/۲۷/۱۳۴۱) مردم را سه  
دادن رای «آری» به رفرا ند شاه در ۶ بهمن ۱۳۴۱  
فرا خواند .  
- حجازی در سال ۵۱ نیز در پیشگاه ساواک اظهار  
ندامت نمود و متبرفتش بلامانع اعلام گردید .  
- حجازی اردشیریان و قبح و سریخت کمونیست  
- ها و از حامیان و بلیندکوه های سرما به داران است  
و فحاشی های او علیه نیروهای انقلابی و کمونیست  
و سازمان ما از همین موضع ضد کارگری و ضد  
انقلابی او مایه میگردد .  
هفته گذشته حجازی در اس یکی از هیئتهای  
که در ظا هر برای تبلیغ با اصطلاح انقلاب اسلامی  
و در واقع برای تحکیم هر چه بیشتر موضع حزب  
جمهوری اسلامی در ساست خارجی به خارج کشور  
رفتند به استالبارفت .  
سندی که اخیرا بدست ما رسیده چهره واقعی  
این «عصاره انقلاب» و این نماینده اول مجلس  
شورای اسلامی را بهتر برای کارگران و زحمت -  
کشان ما روشن میکند . چهره بوقلمون مفتی که  
در گذشته تملق نوکران شاه امثال تیمسار  
با تما نقلیح را میگفت و امروز به تملق آیت الله  
خمینی مشغول است . زحمتکشان ما که با راطلی  
انقلاب را بدوش کشیدند و در سینه راه روطنه سازش  
لیبرالها و آیت الله خمینی با امیربا لستی  
آنان را از بنیایان رساندن انقلاب بازداشت  
با بهر چه بیشتر این راهزنان و فریبکاران ضد  
انقلابی را بشناسند و این رژیم را که بصورت مانعی

صفحه اسد  
فخرالدین حجازی ، کاندیدای حزب جمهوری  
اسلامی در انتخابات مجلس ، وکیل اول تهران در  
مجلس شورای اسلامی و یکی از مبلغین برجسته  
با اصطلاح انقلاب اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی را  
همه میشناسیم . آیت الله خمینی ، حجازی و امثال  
او را که نما بندند مجلس هستند «عصاره انقلاب» -  
میدها است و حجازی هم زمان سبکه برای اولس سار  
نما بندگان مجلس نزد خمینی رفتند از طرف آنان  
خطاب به آیت الله ، جنان تملق و چاپلوسی ای کرد  
که بوی متعفن آن حتی مشام آیت الله را کوبسا  
آورد . ما در همان موقع ، تملق و چاپلوسی حجازی  
و ماهیت ارتجاعی و گندیده او و رژیم که از امثال  
او تشکیل میشود را در بیکار ۵۹ افشا نمودم .  
قبل از آن نیز به هنگام انتخابات مجلس ،  
سوابق با اصطلاح «مبارزاتی» آقای حجازی را بر -  
ملا ساختم و در بیکار ۴۷ (۲۷ اسفند ۵۸) من جمله  
گفتم :  
۱- حجازی خطیب رسمی آستان قدس و خدمت -  
گذار «با جیره و مواجب» رژیم پهلوی بود .  
- پس از نوشتن «غلط کردم نامه» در سال ۳۳ و تبری  
حسین از علاقه به صدق در روزنامه خراسان بکار  
برداشت .  
- حجازی در خدمت محمد مادی تهرانیان مدیر  
آن روزنامه که یکی از سرپرندگان رژیم شاه بود ،  
مقالات متعددی در تمجید و تعریف از رژیم شاه  
نوشت .  
- حجازی طی مقاله ای برآب و تاب در روز -



رحمیتن و سیدده با آنکه در جنگ سرفروخته  
با کسند و نبود وجود خواجه کور و زور  
شرف و جرمی سوخته در آتش سوزید  
بیلوان! از خورشید خدایان و کور  
سیرس نسیم که از این سوزید  
و آنها برین از خاندان سوزید  
۵- حجازی سوزید سوزید سوزید  
فوام بخت سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
حسینهای روبرو سوزید سوزید

۶- حجازی اظهار سوزید که خطوط سوزید  
ما نا آسوی اما سوزید سوزید سوزید  
نخستین و حاسوبی و سوزید سوزید  
امریالیستی و سوزید سوزید سوزید  
است

۷- این عقاید انقلاب حان از حجاب  
ساله ای در خدمت سوزید سوزید سوزید  
کرمین از طرف سوزید سوزید سوزید  
که آدم سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۸- حجازی این سوزید سوزید سوزید  
را "حاکم عادل" خرابان سوزید سوزید  
اشیر" مقابله سوزید سوزید سوزید  
حاکمان سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
را از رهان طرف سوزید سوزید

۹- سوزید اول سوزید سوزید سوزید  
جود از سوزید سوزید سوزید  
کمیون سوزید سوزید سوزید  
حاکمان سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
همدان سوزید سوزید سوزید  
و آستان سوزید سوزید سوزید  
کدینه سوزید سوزید سوزید  
در درگاه ولایت سوزید

۱۰- حجازی سوزید سوزید سوزید  
"وانتیکان" ۵۰ سوزید سوزید سوزید  
به سوزید سوزید سوزید  
"وانتیکان" سوزید سوزید سوزید  
کونا کون سوزید سوزید سوزید  
میلیونها سوزید سوزید سوزید  
ساز کردن سوزید سوزید سوزید  
و انواع سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
حالی است سوزید سوزید

۱۱- خطب دور سوزید سوزید سوزید  
اسلامی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۲- آقای حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۳- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۴- سخنان حجازی سوزید سوزید سوزید  
سخنی سوزید سوزید سوزید  
ارتجاعی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

حالا سوزید سوزید سوزید  
آیت الله سوزید سوزید سوزید

رسمی سوزید سوزید سوزید  
افتتاح سوزید سوزید سوزید  
نامه سوزید سوزید سوزید  
ماهیت سوزید سوزید سوزید  
حجازی سوزید سوزید سوزید

۱۵- ایران سوزید سوزید سوزید  
کن سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
ای داود سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۶- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۷- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۸- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۱۹- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۲۰- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۲۱- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۲۲- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

۲۳- حجازی سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید  
سوزید سوزید سوزید سوزید

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



## پیرامون جنبش زنان زحمتکش

سازمان در طول ساله اخیر، کاربروی ساله زنان را بعهده یک جمع تشکیلاتی یعنی "کمیته زنان" نهاد. این جمع بدون اینکه در یک ارتباط ارگانیک با زحمتکشان (و از جمله زنان زحمتکش) از طریق تشکیلات با آنها مستقیم تبلیغ و ترویج سازماندهی را در میان آنان به پیش برد. درحالیکه بدون وجود زمینه عینی - ای برای انجام این وظیفه که همانا ارتباط مداوم و نزدیک با مسائل مبتلابه زنان زحمتکش (کارگر، محلات، اقشار پائین خردسوروزا) می باشد. تبلیغ زنده و ترویج تشویقی - مارکسیستی - لیننیستی که با مسائل خاص زنان پیوند خورده باشد، امکان پذیر نبود.

ریشه چنین برخورد غلطی دقیقاً از آنجاست که مسئله زن، مستمماً عفو و خودپسوند میان رهائی پرولتاریا و رهائی کامل زنان و نهاییت پیوند زن و سوسیالیسم درک نشده بود. بواسطه عدم درک این رابطه هیچ کوششی نیز در راه مرتبط نمودن جنبشهای مختلف بوده ای و زنان برقرار نگشت و "کمیته زنان" بناچار از زمینه زنده ای برای تغذیه محروم گشت و آن چیزی جز ارتباط زنده و مشخصی با توده های تحت ستم و استعمار نشود.

یافتن راه حل برای مبارزه و بیگانه علیه دشمن طبقاتی خویش نمیکند و برعکس دشمن شما چیزهایی هستند که زندگی یکنواخت و یخور و یبوسر آنها را دچار اختلال نماید. آنها دیدگاه و گسترده نداشتن دوره های خویش را در اتحاد و مبارزه نمی بینند. به همین دلیل مثلاً در مورد آموزش سواد میان یک زن خانه دار و یک زن کارگر تفاوتی قابل توجه وجود دارد.

۱- زنان خانه دار و بیسواد آموزش سواد مبتدئیک سرگرمی و کجنگاری نگاه میکنند (۱) و آنرا بعنوان چیزی که زندگی یکنواخت آنان را تغییر میدهد در نظر گرفته و ضرورت آن برایشان ملموس نیست و به همین جهت با کوچکترین بهانه - ای از آمدن به کلاسها و فراگیری سواد در نظر میکنند.



ما این کمیته را احساس میگردیم ولی نمی دانستیم که علت اساسی رکود کار در "کمیته زنان" چیست؟ تا اینکه ما بدست آوردن تجارب ابتدائی و استفاده از روشهای جنبش کمونیستی بس - المللی به این مسئله اساسی و صحیح دست یافتیم که برخورد به مسئله زنان در سطح وسیع بوده ای که بمنظور تسبیح و تشکل آنان صورت میگردید از طریق یک ارگان جدا از بخشهای دیگر سازمان، بلکه از طریق یک سازماندهی که همچون "شکله ای" بیزماندهی اساسی و کلی سازمان منطبق میگردید. میتوانستیم بدلیترین هدف خود که ارتباط ارگانیک و مداوم با کلیه بخشهای زنان مستمماً بدست یابیم و آن سازماندهی جمعیتی مخصوص کار در میان زنان در کلیه بخشهای سازمانی است. این مجموعه جمعیت از یک استخوانبندی اولیه که عبارت از کمیسیونهای فرعی و سپس کمیسیونهای اصلی میباشد تشکل شده و این کمیسیونهای فرعی از یکطرف بسا

۲- زنان بیشتر و آگاه کارگر بعلت درک و لمس کمیته سواد و اینکه چگونه میتوانند از طریق یادگیری سواد برآکا هیبای خویش بیفزایند و در دنیای تاریک و نادانی بسر ببرند و مورد سرکوفت و... قرار نگیرند، از آن جهت با تلاش بیشتری سعی در تنظیم وقت کمی که دارند می نمایند و برای آموزش سواد (چنانچه امکانات فراهم باشد) از آن سود میبرند.

### اشکال تشکیلاتی کار در میان زنان زحمتکش

۱- ارگانهای خاص کار در میان زنان برای سازماندهی زنان کمونیست سازمان (حول محور کار در میان زنان زحمتکش) به طرح زبیر رسیده ایم. این طرح در عین حال از طریق مرزبندی و مبارزه با یک دیدگاه غلط بدست آمده است.

این دیدگاه غلط چیست؟

در قسمت پیشین این مقاله دو دیدگاه در رابطه با کار در میان زنان زحمتکش و مسئله تشکل مستقل آنان را بطور مختصر مورد بحث قرار دادیم. اینک آخرین قسمت را ملاحظه می کنید:

### کمیونستهای روی کدام قشر زنان زحمتکش باید فعالیت کنند؟

آنچه که تا کنون از درون تجارب چندین ماهه میتوانستیم دیدن یک قانونمندی عمل کند و سمت و سوی حرکت ما - لهارا برای تشکل زنان زحمتکش مشخص کند، همانا کاربروی آن بخش از زنان میباشند که دارای مشخصات زیر باشند:

الف: دارای برآیک تولیدی باشند (زنان کارگر و دهقان...)  
ب: دارای برآیک اجتماعی باشند (زنان کارمند و معلم...)

ج: دارای برآیک مبارزاتی باشند (زنان غیور خلقهای ایران، کرد، بلوچ، عرب و...)  
زنان موجود بین بخشها هر چند همگی بطور مستقیم مورد استعمار طبقات حاکم نیستند (از جمله کارمندان و معلمین و...) ولی همان رابطه غیر مستقیم ما بین استعمار و استعمار کننده موجب میگردد، که دارای زمینه برای پذیرش اهداف انقلابی بوده و حول هدفهای دمکراتیک متشکل گردند.

با توجه به مطالب بالا رفقای ما - ل با در نظر داشت مسائل موجود در منطقه فعالیت خویش می بایست نیروی خویش را حول این سه محور متمرکز نمایند. بدین ترتیب زنان خانه دار زحمتکش که دارای هیچگونه برآیک (تولیدی اجتماعی، مبارزاتی) نیستند قادر به درک و سپس جذب شدن حول تشکلهای سیاسی و دمکراتیک نخواهند بود. چندین ماه فعالیت ما در میان زنان زحمتکش خانه دار در محلات کارگرنشین بخوبی نشان داد که چگونه کار تولیدی برآیک اجتماعی و یا مبارزاتی موجب آگاه شدن زنان میگردد و به همین دلیل زنان خانه دار بواسطه محروم بودن از همه این بینه های فعالیت، ابتدائی ترین زمینه را برای جلب شدن و شرکت در مبارزه طبقاتی و اجتماعی ندارند.

### خصوصیات زنان زحمتکش خانه دار در محلات کارگری

این زنان بواسطه وضعیت اجتماعی خود که اکثراً خانه دار هستند، قادر به درک تضاد میان طبقه خود و طبقه حاکم و متخاصم نیستند، چرا که استعمار از طریق غیر مستقیم و از طریق مرد در یک خانه کارگری انجام میگیرد و در حقیقت آنها بطور غیر مستقیم در معرض استعمار سرمایه داران حاکم میباشند. بدین جهت نیز کوشی در جهت



رویزبونیستی بورژوا - رفرمیستی و کسب‌هژمونی و رهبری این سازمان توسط آنها این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است.

## دیدگاه ما راجع به زمان تشکیل این نوع سازمانهای دمکراتیک زنان

۱- تشکیلات دمکراتیک زنان با به‌های اصلی خویش را بر روی دوش زنان زحمتکش میگذارد و تا زمانی که این پایه مادی فراهم نگشته است پس ایجاد چنین تشکیلاتی فقط یک کوشش بی‌محتوی است و مشخصاً جنبه روشنفکرانه خواهد داشت. بدین سبب تشکیلاتها بی چون جمعیت زنان مبارز، "جمعیت بیداری زن"، "اتحادیه انقلابی زنان"، که بی‌انگیزه بدون هیچ کار متمرکزی بر روی زنان زحمتکش اعلام موجودیت نموده اند مرزبندی نشده و آنها را تشکل‌های از بالا، غیرتوده‌ای و روشنفکرانه از بالا می‌کنیم.

۲- آن تشکیلات دمکراتیکی مورد نظر ما است که بر تضادهای طبقاتی سایه نیفتاده بلکه از طریق متشکل نمودن زنان زحمتکش حول اهداف دمکراتیک بیرونی را، ارتش سازش ناپذیر زحمتکشان را بر علیه سرمایه متشیخ‌تر نماید. با توجه به این اصل هر تشکیلی که بخواد زنان زحمتکش را حول عناوینی چون "مسئله عام زنان"، "دردورنج مشترک زنان" متشکل نموده و سایر تضادهای موجود بین طبقات متخاصم برده بیفکند و بدین وسیله موجبی برای سازش میان طبقات بوجود آورده و با بدست آوردن حقوق با بهمال شده زنان را که فقط تحت رهبری بیرونی و در جامعهای سوسیالیستی امکان پذیر است، تحت جامعهای سرمایه‌داری امکان پذیرداند، تشکیلی انحرافی بوده و جز به بیراهه کشاندن نیروی زنان زحمتکش، خیانت به آنان و خدمت به بورژوازی کاری انجام نخواهد داد. از جمله جنبش تشکل‌های "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" است که بتوسط نشریه جهان زنان، تیزهای انحرافی خویش را انتشار میدهد ما در حد توان خود در آینده نزدیک سعی میکنیم بوسیله مبارزه ایدئولوژیک با دیدگاه‌های اپورتونیستی و روبریونستی آن بدفاع از تجارب‌گرا نیهای م- ل در این زمینه برداخته و وظیفه خویش را در مورد زنان زحمتکش به انجام برسانیم. "پایان"

- (۱) - البته در میان زنان خانه دار، استثنائاتی وجود دارد و میتوان برخی از زنان پیشرو را سراغ داد.
- (۲) - به کتاب شرح زندگی الکساندر کولونتای مراجعه شود.
- (۳) - به کتاب علیه رفرمیسم اثر "کلاراز تکین" و پایه‌های اجتماعی مسئله زن اثر "کولونتای" مراجعه شود.
- (۴) - تشکیلات دمکراتیک زنان ایران که وابسته به حزب خائن توده است تشکیلاتی از این دست میباشد.

بیش بردیک آموزش همه‌جانبه در مورد زنان در کل سازمان بوده تا از طریق این آموزش به بسیج و متشکل نمودن زنان زحمتکش بپردازیم. یعنی این شبکه از طریق آموزش خویش در امر رهبری زنان زحمتکش مشارکت خواهد نمود.

## ۲- تشکیلات دمکراتیک زنان:

بنظر ما دمکراسی و با سازمان دمکراتیک به تنهایی قادر به بیان هدف، چشم‌انداز و منظور ما نمی‌باشد. چرا که مفهوم طبقاتی این دمکراسی می‌بایست در کنار این کلمه باشد.

۳- دمکراسی بیرونی یا دمکراسی بورژوازی؟ چنانچه سازمان دمکراتیک مورد نظر ما می‌خواهد بیابا نگره‌مونی و دمکراسی بیرونی بر مبنای "سازمان دمکراتیک" باشد میبایست از لحاظ تشکیلاتی یا به‌های اساسی خویش را بر مبنای - های زنان کارگر بگذارد و بدین سبب بنظر ما هر سازمان دمکراتیک دیگری که فاقد چنین پایه‌های در میان زنان زحمتکش و کارگرا باشد سازمان دمکراتیک مورد نظر ما نخواهد بود.

گذشته از این به توده‌های، تضادهای، تشکیلاتی حقیقتاً دمکراتیک میتوان ادعا کرد که تحت رهبری و هژمونی مبنی بیرونی بوده و سمت و سوی حرکتش را تحقق بخشیدن به اهداف دمکراتیک بیرونی و تا بودی سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری جمهوری دمکراتیک خلق تشکیل داده‌اند.

بدین سبب جنبشهای بورژوازی زنان تحت عنوانهای "سورجانت‌ها" (۲) در روسیه و "فمینیست‌ها" (۲) در آلمان و... بیابانگر سازمان‌هایی است که نه‌بغا طریق آورده نمودن اهداف دمکراتیک بیرونی را بلکه بجا طرف‌های رژیم‌های سرمایه‌داری تشکیل شده‌اند. (۴) در نتیجه ما مرزبندی خویش با این سازمانها و... را در آینده‌های زیر خلاصه میکنیم:

الف: سازمان دمکراتیک زنان سازمانی است توده‌ای و متشکل از سازمانها، کانونها، انجمنها و... دمکراتیک و توده‌ای (مثلاً کانون مادران شهدا، انجمن حمایت از زنان بیوه و...) که توسط سازمان حزبی هدایت میگردد.

ب: مرکزیت سازمان دمکراتیک از طریق کمک یک جمع که از جانب سازمان برای انجام این وظیفه‌ها مورث یافته است ایجاد، هدایت و رهبری میشود بدون شک پس از طی یک مرحله اولیه، تعیین رهبری از طریق انتخابات دمکراتیک از پائین تا بالا صورت خواهد گرفت.

ج: کلیه رفقای زن عضو سازمان میبایست به عضویت سازمان دمکراتیک زنان درآیند. طبیعی است رفقای که در این سازمان عضویت می‌یابند، کارهای دوجانبه بوده و میتوانند وظایف تشکیلاتی دیگری داشته و مشارکت آنان را در این سازمان دمکراتیک جنبه فرعی خواهد داشت. هدف از این کار، افزایش پتانسیل ایدئولوژیک سیاسی، بیرونی در سازمان دمکراتیک میباید. بخصوص بمنظور جلوگیری از نفوذ و رخنه و رشد گرایش‌های انحرافی

سلولهای کمونیستی کا رخانجات و موسسات و محلات... ارتباط دارد که خود بهترین کانیال ارتباطی برای برخورد به مسائل زنان زحمتکش می‌باشد و از طرف دیگر این مجموعه میبایست در یک ارتباط مستقیم و مداوم با مرکزیت سازمان برسریند و برای روشن شدن مسئله بگوشتی از رهنمودهای کمیترین اشاره میکنیم:

(نقل قولها از قطعنامه کنفرانس سوم زنان کمونیست در مورد مسئله سازماندهی میباید که متعلق به کنفرانس پنجم جهانی احزاب کمونیست میباید)

"کنفرانس پنجم کلیه احزاب کمونیست را متعهد میسازد که فوراً اقدامات زیر را انجام دهند:

۱- در هنگام سازماندهی دوباره حزب بر مبنای سلولهای مؤسسه، در هر سلول یک رفیق زن یا مرد را بعنوان مسئول ویژه کار در میان زنان بپسند تعیین گردد...

۲- کمیته مرکزی هر حزب باید توجه کند که ارگانهای کمونیستی، صفحات، سخنرانی و ضمیمه - مربوط به زنان را بطور منظم انتشار دهند و

مقالاتی را به مسائلی که از نزدیک مربوط به زنان میباید اختصاص دهند، در صورت امکان با بیدیک نشریه زنان منتشر ساخت و ایجاد نشریات را برای کارگران زن تسهیل نمود...

۳- در کلیه ارگانهای رهبری از کمیته محلی گرفته تا کمیته استان، یک رفیق مسئول کار در میان زنان باید وجود داشته باشد.

۴- بهتر است کمیسیون ویژه‌ای برای کمک به این رفیق تشکیل داد...

پایان نقل قول

۵- مشخصات این کمیسیونها: وجود این کمیسیونهای ویژه کار برای زنان بمعنای یک تشکیلات مستقل و جداگانه از سازمان با حقوق و اختیارات جداگانه نبوده بلکه نوعی هماهنگی میان ارگانهای مختلف در رابطه با کار ویژه‌ای که بر روی زنان انجام میدهد بوجود می‌آورد. لنین در گفتگوی خود با کلارا زتکین چنین میگوید:

"ما عقاید تشکیلاتی خود را از ما هیتم ایدئولوژیک کسب میکنیم. ما هیچ تشکیلات جداگانه‌ای برای زنان کمونیست نمیخواهیم. زن که کمونیست است بعنوان یک عضو متعلق به حزب است. درست مانند یک مرد کمونیست. آنها دارای وظایف و حقوق یکسان هستند... گروه‌های کارگری، کمیسیونها، کمیته‌ها، بخشها با هر چیز دیگری که احتمالاً نامیده میشوند، با هدف خاص تهبیح توده‌ای وسیع زنان در رابطه با قرار دادن آنان با حزب و نگهداشتن آنان تحت نفوذ حزب است. طبیعتاً این محتاج آن است که ما یک کارسیستماتیک در میان زنان را دنبال میکنیم..."

"خاطرت من از لنین: زتکین با توجه به مطالب بالا " این کمیسیونهای کار ویژه... بمعنا به بخشی از سازمان قادر به



## گزارشهای از بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن در شهرستانها

کمونست های پیگیر، وفادارترین انقلابیون به دستاوردهای قیام خونبار ۲۲ بهمن ۵۷ در سالگرد قیام مبارکزاری را هیماشی های متعدد با انقلاب را بمان توده ها بنوده و ضرورت ادامه مبارزه انقلابی زیر پرچم سرخ طبقه کارگران را با هیماشی کامل زحمتکشان را فریاد کردند. در زیرگزارشی از مراسم بزرگداشت سالگرد قیام در چند شهرستان را می آوریم:

### پاسداران ارتجاع تظاهرات کمونست ها را بخون کشیدند

**آمل**  
تظاهرات ۲۲ بهمن که بوسیله کمیته مشترکی از سازمان ما و رفقای رزمندگان "فرآ" خوانده شده بود. در بعد از ظهر روز ۲۲ بهمن بر - گزار شد. علاوه بر شعارهای مشترک و مستقلى که هواداران دوسازمان حمل میکردند، تظاهر کنندگان به زیر پرچم سرخی که نشان رزم جهانی کارگران بر آن نقش بسته بود، حرکت میکردند. فریاد تظاهرات کنندگان که شعار میدادند: "قیام خونین خلق میهدت این پیام، رهبری کارگر نجات زحمتکشان"، "خلق کرد در زمانه انقلاب" "حزبی، لیبرال در سرکوب خلق، متحد و برادر" "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع و... در خیابان - ها طنین انداخته و با پشتیبانی زحمتکشان روبرو میشد.

بکریع بین از آغاز راهیماشی پاسداران و چاقاقداران به صفوف فشرده تظاهرات حمله کردند، آنان نتوانستند زیر پرچم سرخ را بدست آورند، ولی عده زیادی را زخمی کردند. مزدوران رژیم وحشیگری را بحدی رساندند که رفیق دختری را که بسختی مجروح شده بود، بر زمین انداخته و بر روی سینه او ایستاده و چاقویی بر - پشت او فرو کردند. مردم حاضر با کمک رفقای دیگر توانستند رفیق را از چنگال جناح پتکساران مزدور برهانند. پاسداران بهمان جمعیت گناز اشک آورا نداشتند و تظاهرات کنندگان برای خنثی کردن آن آتش روشن نموده و عده ای دور آن جمع شده بودند. مزدوران ارتجاع در این هنگام یک "سه راهی" سیمان جمعیت پرتاب کردند که باعث زخمی شدن دهها تن از رفقا گردید. پاسداران ارتجاع دور رفیق را که بسختی مجروح شده بود دستگیر کرده و بجای بیمارستان با خود به زندان بردند.

در اثر پرتاب این سه راهی رفیق پیکارگر محمدطهاسب زاده عضو سازمان دانشجویان و

دانش آموزان پیکار (مازندران) و یک رفیق پیدا کرد بگر که هنوز هویتش بر ما روشن نشده است. شهادت رسیدند. پاسداران جمل و سرما به بسا ترس از خشم مردم، رفیق را مخفیانه به خاک سپردند. اما روز ۲۳ بهمن علیه رزم تظاهراتی مذبح خانه عوامل ارتجاع که کوشیدند قتل فجیع رفیق را به گردن کمونست ها بیا نندازند، رفقای ما با تظاهرات در مقابل بیمارستان و خیابان - های شهر جنایت ارتجاع را افشا کردند. پاسداران و اوباشان جمهوری اسلامی به اجتماع افشاگرانه رفقا حمله کرده و ۸ نفر از آنان را دستگیر کردند این مزدوران بیشتر با یورش به بیمارستان و قطع سر مجروحین رفقای زخمی را با خود بردند. در تظاهرات مشترک ۲۲ بهمن ۲۳ بهمن که با مقاومت و دلآوری بی حد رفقا روبرو شد، ۲۰ رفیق شهادت رسید. و جمعا ۱۲ مبارز انقلابی دستگیر شدند.

### راهیماشی موفق کمونست ها مست محکمی بر پوزه ارتجاع و پاسداران و اوباشان مسلحش

**ارومیه**  
راهیماشی بزرگداشت سالگرد قیام بهمن ۵۷ در ارومیه بعد از ظهر چهارشنبه ۲۲ بهمن از طرف رفقای ما و سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) از چهارراه سیروس آغاز زگشت. با اعلام قبلی راهیماشی، پاسداران، افراد "سیج" و اوباشان ارتجاع از صبح در محل تجمع کرده و به کنترل مردم و خیابانها می پرداختند. علیه رزم سیج فالانژهای و پاسداران راهیماشی در ساعت ۵/۱۰ با پیش اعلامیه و شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" آغاز زگشت. پاسداران در همه کوجه ها و خیابانهای اطراف پرسه میزدند، اما رفقا با روحیه ای کمونستی و مبارزه جویانه در میان حملات مزدوران ارتجاع فریاد درزم بر - میا آوردند که با استقبال توده های زحمتکش آگاه مواجه شد. مردم در مسیر راهیماشی روحیه راهیماشی 'موفق از پشتیبانی رفقای رزمندگان و هواداران گروه اشرف دهقانی و دیگر انقلابیون برخوردار بود. پاسداران ارتجاع با تنها جمبه صف تظاهرات کنندگان تعدادی از آنان را دستگیر کردند.

### تظاهرات موضوعی در ۲۱ بهمن

**اصفهان**  
به مناسبت سالگرد قیام، رفقای ما با همکاری رفقای "نبرد" با برگزاری یک تظاهرات موضوعی و بخش اعلامیه و حمل پلاکاردها، در افشای سازش رژیم با امیرالیم آمریکا، جنگ ارتجاعی کنونی، سرکوبگریهای رژیم و توضیح علل گرانی بیگاری، قحطی، رژیم جناحیتا جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا کردند. این تظاهرات که در خیابان "چهارباغ اصفهان" برگزار شد، با استقبال مردم روبرو گردید. بطوریکه فالانژها و پاسداران میگفتند که "مردم نگذاشتند کمونست ها را دستگیر کنیم". این راهیماشی موضوعی که با شعارهای "قیام خونین خلق میهدت این پیام، مرگ بر امیرالیم، مرگ بر ارتجاع"، "بهشتی، بنی صدر، تنگ به نیرنگان، خون شهیدان خلق میچکد از چنگتان"، "گردستان، گردستان، قلب سب سرخ انقلاب" و... شروع شده بود، با بحث های توده های مردم پایان گرفت.

**گرمانشاه**  
راهیماشی بزرگداشت قیام در صبح روز ۲۲ بهمن از طرف رفقای ما و رفقای رزمندگان مشترکا برگزار شد. رفقا با شعارهایی چون "گردستان، گردستان، گورستان فاشیستان"، "خلق کرد میزند، ارتجاع میلرزد"، "علیه لیبرالها، علیه حزب جمهوری، زنده باد پیکار توده ها" "برده از چهره فریبکار رژیم ارتجاعی بر میداشتنند. در طول راهیماشی رفقا با شعارهایی در توضیح علل گرانی، بیگاری و در افشای سازش رژیم با امیرالیم آمریکا در مورد گروگانها توده ها را آگاه میکردند. این راهیماشی با پشتیبانی توده های زحمتکش مواجهد و به همین جهت بدون درگیری خاتمه یافت. یک راننده تاکسی رفیقی را که تحت تعقیب پاسداران بود از مهلکه نجات داد. یک روستائی نیز که خواستهای خود را در شعارهای رفقا میدید بسختی از آنها حمایت میکرد چنین صحنه های کم نبودند. این راه - پیماشی مبارزه جویانه و کمونستی تاثیر بسیار خوبی در محیط شهرداری داشته است.

**مشهد**  
رفقای هوادار در مشهد راهیماشی بزرگداشت سالگرد قیام را در بعد از ظهر ۲۲ بهمن برگزار کردند. رفقا با مشت های گره کرده فریاد میزدند "نبرد با آمریکا، نبرد با ارتجاع، ادامه قیام است" شعار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی، پیروزی و بهشتی برای سرکوب خلق متحد و برادر"، "از قحطی و گرانی مردم تنگ آمدند" و... راهیماشی در حالیکه پلاکاردهای افشاگرانه ای توسط رفقا حمل میشد در مقابل دانشکده پزشکی پس از درگیری با مزدوران و اوباشان رژیم جمهوری اسلامی پایان پذیرفت.

آری، قیام ۲۲ بهمن ۵۷ تجلی پر عظمت



جنا پیکارش در دریای خون غرق گردند.  
کرامی با دخا طره شهیدان بخون خفته خلق!  
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!  
برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
تشکیلات بلوچستان - ۱۳۵۹/۱۱/۲۴

**بقیه از صفحه ۱۰ تظاهرات**  
در "عادل آباد" در این تظاهرات بود، این پیدان و مادران که خیرا اعتماد غذای فرزندان در بندشان را شنیده بودند، از مسجد سلیمان و لالی به شیراز آمده بودند و با شرکت در این تظاهرات خشم و نفرت خود را به رژیم ارتجاعی نشان دادند.

همکاری نیروهای کمونیست در این تظاهرات بردتلیستی آنها دوچندان کرده بود. علاوه بر نیروهای ذکر شده رفقای وحدت انقلابی هم در تظاهرات بطور پراکنده شرکت نمودند. اما رفقای "زاهاکار" بخاطر تزلزلات شدید رویزیونیستی خود، در پاسخ به دعوت نیروهای کمونیست برای شرکت در تظاهرات اعلام کردند که چنین حرکتی را درست تشخیص نمیدهند! و از شرکت در آنها بیماشی خودداری نمودند.

### تظاهرات در حمایت از مبارزات خلق کرد

**مشهد**  
روز ۱۸ بهمن ماه برای پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق کرد و افشای سرکوب کردستان، توسط ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی تظاهراتی در میدان شهدای مشهد از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و رفقای هواداران روزمندگان برگزار شد. راهپیمایان پس از حرکت بسوی خیابان خمینی با هجوم وحشیانه اوپاشان و مزدوران ارتجاع روبرو شدند. تظاهرات با پخش اعلامیه ها، درافشای ماهیت و عملکرد رژیم و سرکوب خلق کرد و... با بیان یافت



روزتاریخی در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ بهمن تظاهراتی برگزار نمودند. تظاهرات آغاز نشود، شعارهای انقلابی که بیانگر آسای ترین خواسته های زحمتکشان بود، توده ها را بخود جلب می نماید. آنها با علاقه به خواندن اعلامیه ها میردا زندگی و تظاهرات هرکندگان را مورد حمایت و تشویق قرار میدهند.

ارتجاع چون کرک زخم خورده بخود می پیچید و برای سرکوب تظاهرات بوظئه می چیند. صفوف پیکارگران فهرا مان به انتهای مسیر میرسد که ماشین جیب پاسداران ملج با سرعتی بیش از ۱۰۰ کیلومتر برای زیر گرفتن راهپیمایان به طرف آنها هجوم میاورد. اما میل از برخورد به صف به بیابان روکشده میشود و چند نفر از زیر میگرید. سنگفرش بیابان را زخون انقلابیون و زحمتکشان رنگین میشود. یکی از رفقای هوادار سازمان جریکهای فدائی (اقلیت) در میان ماشین و تریچراغ برق له میشود. بوسه شهادت میرسد و زن و کودک نیز مجروح میگرددند.

جنا بت ددمشانه پاسداران ارتجاع آتش خشم و نفرت زحمتکشان را که شا هدفا جمع بودند شعله ورمیازد. توده های خشمگین بطرف ماشین حمله میکنند، ۳۰ تن از پاسداران بلافاصله میگریزند و بجز آنها را زیرممت و لگدم مردم موفق به فرار میشوند. زحمتکشان متاسف از فرار پاسداران بطرف ماشین حمله میبرند و با شعارها می گویند: "مرگ بر پاسدار، نوکسر ما یسه دار"، "پاسداران قاتل اعدا ما بدگردند" و... آنرا به آتش میکشند. شعارها آنچنان گوینده و توده ها آنچنان خشمگین بودند که قدرت هرگونه عکس - العملی را از مزدوران سلب میکند. ماشین در آتش خشم خلق خاکستر میشود و اتموسیلهای آتش نشانی که برای خاموش کردن آتش آمده بودند در مقابل مشت های گره کرده مردم مجبور به بازگشت میشوند. زحمتکشان همراه با شعارهای انقلابی بطرف روابط عمومی سپاه پاسداران براه می افتند. در روابط عمومی سپاه را با فشار میزنند و با خشم عیرقابل کنترل آنها را نیز به آتش میکشند. کتا بخانه روابط عمومی نیز طعمه آتش میشود و مردم تنها قرآن ها را به بیرون منتقل می نمایند.

پاسداران فدخلتی برای متفرق نمودن راهپیمایان وحشزده شروع به تیراندازی می کنند و شب با اعلام حکومت نظامی در شهر آغاز میشود.

بدینگونه در دومین سال روز قیام خونین بهمن رژیم فدخلتی جمهوری اسلامی جنایتی دیگر بر سر صدها جنایت خود میافزاید.

بدینگونه در دومین سال روز قیام خونین بهمن خون پیکار دیگران فرزندان زحمتکشان خلق درخت تنومند انقلاب دمکراتیک - صدام برپا لیستی میهنمان را آبیاری میازد.

خون شهیدان گلگون کفن خلق و شقیه پیروزی زحمتکشان بر ارتجاع و امپریالیسم است و دیر نیست آن روز که ارتجاع و مزدوران

آزاده انقلابی توده های در مبارزه علی-امپریالیسم دوست ناساندگان داخلی بود و کمونیست ها با راهپیمایان های خود در سا لکرد این روز در میان حملات وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، با تبلیغ ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک خلقهای ایران از دستاوردهای قیام پاسداران و درسهای آن را به یمن توده های زحمتکشان بردند. و در عمل نشان دادند که غیر غم تشنات نیروهای سرکوبگر ارتجاع و یاری مادقانه رویزیونیست های خاش "توده ای" و "اکثریت" به آنها، همچنان در بریر جرم سرخ انقلاب به پیش خواهند رفت.

### در تظاهرات ۲۲ بهمن پاسداران ارتجاع سراوان را بخون کشیدند

بدشبال اعلام تظاهرات سراوری جهشت بزرگداشت قیام متکوهند ۲۲ بهمن توسط سازمان ما، در سراوان نیز همچون اکثر شهرهای ایران، پیکارگران تظاهراتی بهمین مناسبت برگزار نمودند. این تظاهرات با استقبال چشمگیر خلق بلوچ در سراوان روبرو شد. ارتجاع بواسطه وحشت خود از استقبال زحمتکشان از تظاهرات پیکارگران کمونیست با ددمشاهی هر چه تمامتر با ماشین سرعت ۱۰۰ کیلومتر به صفوی تظاهرات کنندگان حمله کرد که منجر به شهادت یکی از رفقای هواداران اقلیت و زخمی شدن سه زن و کودک گردید. این واقعه موجب طغیان انقلابی زحمتکشان بلوچ گردید. بگونه ای که مردم زحمتکشان سراوان با خشم و نفرت انقلابی هر چه تمامتر نسبت به رژیم، با حمله به ماشین پاسداران ساختن روابط عمومی سپاه پاسداران و کتا بخانه آنها را به آتش کشیدند. تشکیلات بلوچستان سازمان مادر همین زمینه اعلامیه ای منتشر کرد که در نشریه نبرد بلوچ شماره ۶۲ درج شده است. آنچه که میخوانید متن کامل اعلامیه تشکیلات بلوچستان سازمان ما است:

پاسداران سرمایه بار دیگر به جنایتی هولناک دست زدند و سندی دیگر از وحشیگریها و تجاوزات رژیم فدخلتی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. در ۲۲ بهمن ماه ۵۹ دومین سال روز قیام مسلحانه خلق بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، انقلابیون و زحمتکشان آکا می که برای نابودی ستوا و استعمار قیام کرده بودند، با ردیگر فریاد خشم خویش را بر علیه رژیم جلاجلاد جمهوری اسلامی سردادند، و بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن را با تداوم مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم گرامی داشتند.

در سراوان نیز هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمنظور گرامی داشت این



بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله**

واقعیت اینست که لیبرالها و حزبها هر دو چاق قدرند و این چماق چیزی جز اعمال دیکتاتوری بورژوازی علیه پرولتاریا و توده های تحت ستم نیست آری از نظر ما کمونیستها، لیبرالها و حزبها بخش های مختلف بورژوازی حاکم را تشکیل داده و این بورژوازی دارای دستگاه اعمال ستم خاص خود میباشد. ما شین دولتی و مجموعه قوای سرکوبگر رژیم بزارا را عمل ستم طبقه ای می باشد. ما شین دولتی چماق بورژوازی علیه طبقه کارگر و بی پروا بوده است. حاکمیت بورژوازی فقط به اتکا دولت، این دستگاه جبر و ستم طبقه ای میسر است. و پرواضح است که تمام بخش های بورژوازی به دولت اتکا دارند. در واقع دولت بورژوازی حافظ سیستم سرمایه داری حاکم، حافظ حاکمیت بورژوازی و سرکوب کننده کارگران و زحمتکشان است نگاه بی عملگر دو سیاست حاکم بر ارتش و سا پر قوای سر کوبگر بیرونی این حقیقت را عیان میکند که دولت چگونه در خدمت بورژوازی است. ایسین درست است که در شرایط حاضر ارتش به لیبرالها بیشتر تمایل داشته و سپاه پاسداران بیشتر به جانب حزبها متمایل است. اما هیچکس نمی تواند این حقیقت را نادیده انگارد که کلیت دولت و تمامی ابزارهایش در خدمت کلیت بورژوازی قرار داشته و بر ضد انقلاب پیوسته بکار گرفته شده است. چه حزبها و چه لیبرالها در تمام مواردی که ارتش و سپاه جنبش توده ها را سرکوب کرده، دست داشته اند و غیر از این نمیتوانسته باشد، چرا که بورژوازی برای سلطه خود و سرکوب انقلاب بناگزیر به قوای سرکوب رومی آورد. بنا بر این دولت بورژوازی چماق بورژوازی علیه کارگران و بی پروا بوده است. و چماق قدرتی واقعی تمامی بخش های هیات حاکمه میباشد. فقط یک دیدگاه لیبرالی چماق را محدود به قوه و چوب و پنجه بوکس و زنجیر میکند. این ابزارها جلوه های بسیار کوچکی از کل چماق طبقه ای یعنی ما شین دولتی میباشد. این حقیقتی است که بکارگیری این ابزار توسط حزبها چه در رابطه با نیروهای کمونیست و انقلابی بطور مستمر و فعال و چه در رابطه با لیبرالها و واقعیت دارد. در حالیکه لیبرالها این ابزارها را به کار گرفته و همچنان به همان چماق اصلی اتکا دارند و به همین خاطر در نظر توده ها وسیع گمراه کننده تر عمل مینمایند. بنی مدرازا استدلال حزب حرف می زند تا دیکتاتوری طبقه بورژوازی را بیوشتا ندوم وضعیت خود را در قدرت سیاسی تحکیم بخشد. او مخالف اعمال دیکتاتوری طبقه ای نیست و مخالف اعمال این شیوه ها در برخورد به لیبرالهاست.

آزادی مورد ادعای بنی مدر چیزی جز آزادی استعمار توده ها و آزادی کشتار و سرکوب آنها نیست. نگرانی بنی مدر و لیبرالها نه نگرانی سرنوشت توده ها که نگرانی سرنوشت خود و اوج گیری جنبش توده ای است. آنها به

بقیه از صفحه ۲۰ **روزیونیستها**

قابلیت جذب بسوی آلترناتیوهای انقلابی را دارند با رویزونیستهای فدائی (اکثریت) باید مانند با ندر ا بکار آن تنها با یاد زلحاط سیاسی ایدئولوژیک طرفداری افشا کرد، بلکه همچنین باید از هر لحاظ مراقب رفتارهای زشت اخلاقی و ضد انقلابی آن بود و از رخنه عناصر آن در تشکیلات انقلابی و کمونیستی جلوگیری کرد. اکتفا کردن تنها به افشای مواضع سیاسی ایدئولوژیک اکثریت و بیوشتا ندن برخوردهای ضد انقلابی و خرابکارانه آن، در حکم یک برخورد روشن فکرانه و نیز طبقه ای به مساله مبارزه ایدئولوژیک طبقه ای میباشد. ایدئولوژی بورژوازی نه فقط در دیدگاه های سیاسی گروه اکثریت اثر گذارده، بلکه از لحاظ اخلاقی نیز عناصر آن را فاسد و تباها ساخته است. کسی که به این جنبه از ایدئولوژی بورژوازی - رویزونیستی اکثریت توجه نمیکند، در واقع نمخواهد با کینه عمیق بیولتری علیه بورژوازی مبارزه نماید. چنین فردی بدون شک قریبانی سفیها نه لیبرالی ترین سیاستهای "خوشبینانه" بورژوازی خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۸ **کارشناس**

این رژیم بنابه ما هیت ارتجاعی خود برای بازسازی ارتش ضد خلقی احتیاج به امپریالیستها دارد، ارتشی که خود را بیش از پیش در حین جنگ با ارتش عراق آماده میسازد تا کارگران و زحمتکشان، میهن ما را سرکوب کنند

عنوان جناح "عاقلتر" رژیم زشیوه ها و اقدامات جناح "کودن" احساس نگرانی میکنند و میبینند که این شیوه ها و اقدامات موجبات تضعیف کل رژیم فرا هم میسازد و از همین رود صدند تا جناح حزب را از رهبریش گرفتن این شیوه ها و اقدامات بر حذر دارند. و از این طریق به تحکیم موقعیت خود در قدرت سیاسی و حفظ حیات کل سیستم بورژوازی بپردازند.

اما توده های خلق ما هر روز بیدارتر می شوند و عاقلتر از آنند که گول عوامفریبی های جناح "عاقلتر" را بخورند. آنها در طول این دو سال و از ریاستی از کار تا ماه مه رژیم جمهوری اسلامی تا حد زیادی به ما هیت هر دو جناح بسی برده و در آئینده نیز بیش از امروز به آن آگای خوارند و بیافت. آنچه بر سر آنها فرود می آید چماق دیکتاتوری بورژوازی و متعلق به هر دو جناح است. چماق از هر نوعی که باشد برای اودرد آور و نکبت آور است و از همین رومبارزه خود را نه به نفع حفظ این با آن چماق دار، بلکه در جهت نابودی هر دو چماق دار یعنی لیبرالها و حزبها و در یک کلام بورژوازی و امپریالیسم ادامه خواهد داد و دیگر فریاد برخواهند آورد: علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد دیکتاتوری بورژوازی!

**ملاحظات کوتاه**

**با هم ساخته اند تا پدر مراد را بیاورند!**

اینکه بین حزبها و لیبرالها اختلاف است و کار از حد بدگوشی و "شاخ و شا نه کشیدن" گذشته است را همه میدانند. این هم که علت اصلی اختلاف، چگونگی سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی و ممانعت از پیشرفت انقلاب کارگران و زحمتکشان است نیز با رها از طرف کمونیستها توضیح داده شده است. ملاحظه نویس وقتی سخن رانی ملایم بنی مدر در قبال حزب جمهوری اسلامی در میتینگ میدان آزادی و بعد سخنرانی آیت الله خمینی در حمایت از بنی مدر را شنید و نرمنش حزبی را را همدرد قبال بنی مدر و جمله همه شان به کمونیستها و نیروهای انقلابی را دید یادداشتی افتاد که میگویند: شخصی را از خوردن خربزه و عسل همراه با هم، منع کردند و گفتند "دل درد" منگبری آنها با هم نمی سازند. اما او نصیحت را نشنید و آندورا با هم خورد. وقتی دچار دل درد شد در حالی که به خود میبچسبید و گفتند "دیدی با هم نمی سازند؟" ولی او جواب داد "حالا که هر دو با هم ساخته اند تا پدر مرا بیاورند!"

**مرغهای امریکایی و فدکاری آنها!**

سعدی زمانی گفته بود: ابرویا دومه و خورشید و فلک در کارند ناتوانی بکف آری و به غفلت نخوری، حالا در دوره "معجزات" رژیم جمهوری، در دوره "خیرات" جنگ در عصر "سپروزی" های مشعش فد امپریالیستی رژیم، علاوه بر ابرویا دومه و خورشید و فلک، مرغهای امریکایی (و خیلی چیز های امریکایی، امپریالیستی دیگر) هم به "یاری" ما شتافته اند و در حد "توانائی" خود، تخم ها شان را به ما هدیه میکنند مگر نه این است که ما "بهترین امت"، "بیشتر از" و "امید لیل مستضعفان" و "نجات دهنده" آنها هستیم؟

شنبه ۲۵ بهمن روزنامه انقلاب اسلامی در صفحه اول شتر زده است که: "از این هفته کمبود مرغ و تخم مرغ بر طرف میشود." و توجع میکنی که این "ما شده آسمانی" از کجا نازل میشود؟ آخر خود خضرات که نمی گویند از کجا است؟ چشمها بست را که بمالی و چند روزی (بکهنه) که به عقب بر کردی با زده همین روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۱۸ بهمن یک آگهی روزلی واضح مبینی نگاه کنید:

بقیه در صفحه ۲۸







### ویتنام و تزه‌های رویزونیستی "له‌دوان" (۱)

حرکت سائنتیستی حزب زحمتکشان ویتنام هر زمان رفیق هوشی مین و عدم مرزبندی گمونیستی توسط این حزب علیه رویزونیسم غروشنجفی منجر بدان گردید تا گرایش رویزونیستی در درون حزب رشد یافته و بالاخره پس از پیروزی انقلاب حزب بدامن رویزونیسم در غلند، در حقیقت این جناح اپورتونیستی "له‌دوان" بود که حزب را کاملاً به گام از مواضع مارکسیسم لنینیسم دور ساخته و با کنار زدن جناح انقلابی حزب، مشی خود را بر حزب مسلط ساخته و بالاخره پس از پیروزی، حزب را کاملاً در سیطره رویزونیسم قرار میدهد. حزبی که سالها مبارزات طبقه کارگر و خلق ویتنام را علیه امپریالیسم آمریکا و مترجمین بومی هدایت کرده و پیروزی‌های درخشانی کسب نمود توسط مشی رویزونیست خائن به ارتداد کشیده میشود و به بسزای اعمال نیاست بورژواهای نوین تبدیل میگردد. ما در اینجا می‌کوشیم تا جلوه‌های از این سیاست حاکم را افشا کرده و نشان دهیم که حزب ویتنام امروز نه مدافع انقلاب سوسیالیسم و مارکسیسم لنینیسم، بلکه مدافع ضد انقلاب، سوسیالیسم امپریالیسم و رویزونیسم میباید.

نگاهی کوتاه به گفتار "له‌دوان" در باره مسائل بین المللی این حقیقت را آشکار میسازد. گزارشی سیاسی له‌دوان به کنگره چهارم (دسامبر ۱۹۷۶) نشان میدهد که این حزب تا به گام در عمق رویزونیسم فرورفته و چگونه به تخریب واقعیات جهان کنونی ما پرداخته و چگونه در مبارزه طبقاتی پرولتاریا تخریب میکند. ارزیابی له‌دوان از عملکرد کنونی یکارژیایی سرپا رویزونیستی است. او میگوید: "عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم جهانی نیست، "سوسیالیسم از محدود یک کشور فراتر نهاده به سیستمی جهانی تبدیل گردیده است. "سیستم جهانی سوسیالیستی با دستاوردهای همه جانبه خود مجموعاً دارای نیروی بیشتری از امپریالیسم میباید."

آیا این ارزیابی از جهان کنونی حقیقت دارد؟ بهیچوجه! لنین میگفت:

"امپریالیسم است آن انقلاب اجتماعی پرولتاریاست این حقیقت از سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تأیید شده است. (امپریالیسم به معنای بالاترین مرحله سرمایه‌داری) بر اساس تحلیل لنین، امپریالیسم مرحله‌گنبدگی سرمایه‌داری است. و به همین لحاظ در عصر امپریالیسم متفادهای طبقاتی بنحوشدیدی تکامل پیدا کرده و مبارزه پرولتاریای جهانی به نقطه‌ای از تکامل خود رسیده که انقلاب سوسیالیستی در دستور کار طبقه کارگر قرار گرفته



### اخبار ومسائل جهانی

است. ۲. با گفته لنین برای شرایط حاضر نیز صادق است؛ پاسخ مثبت است. اگرچه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در ۱۹۱۷ پیروز شد و بیش از ۳۰ سال پرچم سرخ پرولتاریا در شوروی درازا زده شد، اما در این کشور رویزونیسم حاکم گردید و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل گردید. اگرچه در کشورهای اروپای شرقی دمکراسی توده‌ای برقرار گردید، اما حاکمیت بورژوا - رویزونیستها این دمکراسی را نابود ساخت. اگرچه در چین نزدیک به ربع قرن انقلاب سوسیالیسم حاکم بود اما رویزونیستها مرتد، سرما به‌داری را احیا نمودند. بنا بر این اگرچه انقلابات سوسیالیستی ضربات مهلکی بر سیستم جهانی امپریالیستی وارد آوردند و منجر به تشکیل اردوگاه بزرگ سوسیالیسم گردیدند، اما با استخاله بورژواشی بخش عمده کشورهای سوسیالیستی و پیوستن آنها به اردوگاه سرمایه‌داری و در حال حاضر امپریالیسم جهانی مجموعاً دارای نیروی بیشتر و فاقد درجهان کنونی میباید. به همین لحاظ کماکان عمر کنونی، عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریا میباید. این درست است که در شرایط گنبدگی سرما به‌داری، از نقطه نظر تاریخی دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، و این گذار فقط از طریق انقلابات اجتماعی سوسیالیستی میسر میباید، اما پرواضح است که این استنباط با استنباط رویزونیستی "له‌دوان" کاملاً متضاد است. "له‌دوان" بر آنست که "سوسیالیسم در حال حاضر یک نیروی مادی بزرگ و غالب در سطح جهانی میباید و بنا بر این انقلابات پرولتاریا بی‌نیستی برجستگی خود را از دست داده است و پرواضح است که از نظر "له‌دوان" حداقل انقلاب پرولتاریا در مورد کشورهای رویزونیستی منتفی است. واقعیت این است که "له‌دوان" واقعیت جهانی امپریالیستی را تحریف کرده و عملاً در مبارزه پرولتاریا اختلال بوجود می‌آورد. ما هیت بخشی از دنیای سرما به راپوشانده و با انمود ساختن این مسئله که گویا امپریالیسم نیروی فاقد درجهان کنونی

بقیه در صفحه ۳۰

### دانشجویان فیلیپینی علیه امپریالیسم آمریکایی رزمند!

هفته گذشته در اعتراض به سفر پابلان پبل دوم دانشجویان انقلابی فیلیپین دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و یکبار دیگر کینه انقلابی خود را علیه رژیم مزدور مارکسوس و امپریالیسم به نمایش گذاشتند. در این تظاهرات دانشجویان به مقاومت انقلابی در مقابل مزدوران حکومتی دست زدند و با شعارهای وسیعی علیه امپریالیسم آمریکا اقدام نمودند. همانطور که میدانیسم آمریکا در فیلیپین دارای پایگاههای متعددی است و ارتش مارکوس توسط هزاران مستشار آمریکا تعلیم دیده است، به همین خاطر تظاهرات کنندگان در راهپیمایی خود خواستار برچیدن پایگاههای بانکی گردیدند. دانشجویان انقلابی با این تظاهرات گسترده نشان دادند که آنان پبل دوم کارگزار امپریالیسم جهانی بوده و برای توطئه علیه خلقهای فیلیپین به این کشور فرستاده است. این تظاهرات بزرگترین تظاهرات علیه پابلان پبل بوده است.

### توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا علیه خلق السالوادور

مبارزات دلاورانه توده‌های ستمدیده السالوادور علیه رژیم آمریکا که حاکم جهان به پیش می‌رود و امپریالیسم جهانی را در آمریکا علیه تمام کمکهای نظامی به رژیم دست‌نشانده اش نتوانسته است. آتش این انقلاب را خاموش سازد. اخیراً آمریکا در پی توطئه‌های جدیدی برآمده تا بلکه بتواند رژیم وابسته بخود منافع امپریالیستی اش را در این کشور حفظ کند. سخنگوی وزارت خارجه ریگان اخیراً مطرح ساخته که در السالوادور "امریکا اصلاحاتی در زمینه بانکی و اداری و بخش خصوصی را تشویق خواهد کرد." و بمعنای دیگر امپریالیسم بانکی در پی آن است تا با اصلاحاتی امپریالیستی و بظاهر لیمبرال ما با نه مبارزات توده‌ها را به انحراف کشیده و از انقلاب آنان جلوگیری کند. آمریکا که سقوط رژیم حاکم را حتمی می‌بیند میخواهد تا با برخی فرمهای اقتصادی و ائتلاف طبقاتی جدیدی در سطح قدرت سیاسی از فروپاشی حکومت موجود مانع بعمل آرد. اما آیا میتوانستیم و استثماریستمانه توده‌ها را از طریق فرم امپریالیستی از زمین برد؟ هرگز! و به همین خاطر نمیتوان مبارزات را خاموش کرد ولی این



## بقیه از صفحه ۲۲ امروز...

بهشتی ها پیوسته مزورانه عوام فریبی کرده و گفته اند که از متضعان حمایت میکنند، مادر عمل و کردار خود همیشه با ما سرمایه داران و تجار و نوکرت بوده و همیشه روابط رژیم جمهوری را با امپریالیستها متحکمتر نموده - اند و علاوه بر رژیم کهنی مدرها و بهشتی ها در راس آن میباشند پیوسته بزرگترین جناحها را در قبال توده های آگاه و انقلابیون انجام داده است. آری بنی مدرها و بهشتی ها همان جناحی است که مرینک شده اند که سربداران ما می باشد و بختیارها، خلق کرد، خلق ترکمن، کمونیستها و انقلابیون... هرگز فراموش نمی کنند که نه تنها توسط مزدوران رژیم جناحها را بلکه همچنین توسط مزدوران رژیم جناحها را جمهوری اسلامی کشتار کرده اند، شکسته اند و تیرباران کرده اند.

خمینی میگوید: "ارتش حالا و فرماندهان ارتش حالا مثل ارتش شاهنشاهی بود فرماندهان هم همان فرماندهان ما این سپهدها، این سر لشکرها، این بالاباشین ترها اسنها همان محور هستند وضع زندگی آنها مثل آن سپهدها است؟" عجب! چه کسی میتواند در قبال موش کند که سران جمهوری اسلامی ارتش دست پرورده آمریکا را از زیر ضربات قسام خلق نجات دادند و همان ارتش را بخدمت خود گرفته و با زبانی نمودند؟ چه کسی میتواند در قبال موش کند که خمینی ها، بنی مدرها و بهشتی ها همان فرماندهان مزدور شاه را بخدمت خود گرفتند تا توده ها را سرکوب کنند؟ فرماندهان مزدوری چون فلاحی ها و ظهیرزاده ها دست پرورده چه کسانی حزشه مزدور و مستشاران آمریکایی میباشند و امروز اینان به چه کسانی

## حر رژیم جمهوری اسلامی خدمت میکنند؟

آری واقعیتها را نمیتوان بیوشانند. رژیم کنونی همه سندرژیمها دشمن زحمتکاران و حامی سرمایه داران میباشد. جالب است که خمینی در سراسر نطق خود کوچکترین اشاره ای به فقر و فلاکت مردم نمیکند و آنگاه با نه چنین میکند. او مؤرد محتلفی را برای مقایسه دور رژیم می آورد اما نمیکند که فقر و سه روزی مردم دوچندان بیشتر شده است. آری خمینی آنگاه با نه این واقعیت را بنیان کرد که رژیم ما کمترین سندرژیم به پهلوی برای کارگران و زحمتکاران جزیم، فلاکت، بیکاری، گران و آوارگی جزیدگی به ارمغان نیاورده است. چرا خمینی این مسئله را مسکوت گذاشت؟ زیرا این واقعیت را همه توده های ستمدیده سراسر ایران همه روزها گوشت و پوست خود لمس میکنند و شکنجه مداوم این زندگی سیاه را همیشه تجربه میکنند و خمینی نمی تواند این حقیقت عریان و بی پرده را بپوشاند. بدین ترتیب متوجه می شویم که خمینی با این نطق خود نشان داد که اولاً نقش مساورا طبقات نادر و ماسک های متضاد افشاراد مغفوری چون بهشتی ها و افراد رویا هفتی چون بنی مدرها بوده و در سراسر ایران انقلاب حامی سرمایه داران و سیستم وابسته حاکم میباشند تا با سهم خود میگویند در شرایط اوگیری جنسیت توده ها آنها را منحرف ساخته و مبارزه آنان را به کجراه بکنند و میخواهد بگوید که "حالا مثل سابق نیست" و بنا بر این بنا بد علیه رژیم مبارزه کرد. اما طبقه کارگر و توده های زحمتکش جواب میدهند: حالا مثل سابق است و با بدنا استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم به مبارزه ادامه داد.

## بقیه از صفحه ۸ تدفین...

انقلابی است شمارمید اندیامت های گره کرده جنازه رفیق را بسوی مراسم حمل کردند. مادر دلاور محمودی که زافشگری دست برنمیداشت. مادر قهرمان میگفت: "پیشمرکه خانه صمدی، آمدم برای جشن فارغ التحصیلیات و بسا محمود! بسین جسمی جه دانشگاهی برایتان ساخته، اگر دانشگاه را میسید و لی در عوض چه دانشگاهی برایتان درست کرده؟! مادر دلاور قریباً در میمیداد که "محمود! مکتوبت میگفتی دانشگاه سنگر آزادی است، سنگرت را حفظ کن!" مادر قهرمان بخون سرخ محمود سوگند که دانشجویان قهرمان و انقلابی همراه ما توده های زحمتکش این سنگر آزادی و انقلاب را بسا ادامه مبارزه با زکشته و آسپاس خواهند داشت!

رفقا شعار میدادند "محمود دلاور و مبارز، راهت ادامه دارد"، "بیکارگر شهیدم راهت ادامه دارد"، "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا" و مادر رفیق در حالیکه شعار میداد میگفت "برای او شعار دهید، ما راه او را ادامه خواهیم داد"، "محمودا گریه راهت ادامه ندهم، بتو غیبت کرده ام!" رفقا بسین از یکدیگر قهقهه سکوت با مشت های گره کرده، در حالیکه سرود میخوانندند مزاج بیکار - گرشید رفیق محمود صمدی را ترک کردند. در حالیکه با اراده هین بر میگشتند تا با ادامه بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، راه سرخ محمود و محمودها را ادامه دهند.



## بقیه از صفحه ۲۹ ویتنام...

نیست، بسا در مبارزه بیرونی و با خلقها را تحریف مینماید و آنها را به گرویش در برابر سوسیال امپریالیستها و رویزونیستها فرا میخواند.

بدنبال این تحلیل رویزونیستی "لهدوان" میگوید: "تخا دشواری که در راه ختمان مادی و تکنیکی کمونیسم قدم بر میدارد تبدیل بقدرتی بزرگ در صنعت و دفاع ملی شده و در بسیاری از رشته های علمی و تکنیکی و تولید محصولات صنعتی بر دیگران پیشی گرفته است." ای بسا تحلیل همان خزیمات رویزونیستی خروخوف خاشن میباشد. خروخوف در بیست و دومین کنگره حزب اعلام کرد که تخا دشواری دیگر به مرحله برداشته ختمان کمونیسم گام گذاشته است و امروز مسئله اساسی ایجاد مکانات فنیسی و تکنیکی میباشد. علاوه و اضا فیه کرد: "در عرض بیست سال جامعه کمونیستی را با ما بسا میسینیم." (گزارش به کنگره ۲۲، اکتبر ۱۹۶۱) و بر ژرف خاشن نیز همان ترها ت رویزونیستی خروخوفی را تکرار نمود. "لهدوان" رویزونیست ها مانند همیالگی های خود معتقد است شوروی

کشوری سوسیالیستی است که آنچنان در ساختن سوسیالیسم پیش رفته است که دیگر تافته های طبقاتی روه خا موشی گذاشته و بسا رزه طبقاتی موضوعیت خود را از دست داده است. او بر آن است که از جنبه طبقاتی مانعی در راه حاکمیت "کمونیسم" وجود ندارد و تنها "کمونیسم" در شوروی مستلزم مکانات "مادی و تکنیکی" میباشد! این تحلیل از نظر شوروی ما رکیستی - لنینیستی بکلی انحرافی و ضدما رکیستی است، چرا که بقول لنین کمونیسم یعنی "محو طبقات" و آنچه کمونیسم را از جامعه سرمایه داری جدا میسازد، دوران تاریخی ختمان سوسیالیسم و دیکناتوری بیرونی است و در جامعه سوسیالیستی نه تنها از لحاظ مادی - تولیدی و تکنیکی شرایط کمونیسم فراهم نشده بلکه از نظر فرهنگی، ایدئولوژیکی و نیز از لحاظ طبقاتی یعنی فراهم شدن ملزومات نابودی و محو طبقات، شرایط کمونیسم برقرار نمیشود و سراسر این جامعه را مبارزه طبقاتی فرا گرفته و بسا همین خاطر هنوز مکان احیای سرمایه داری وجود دارد. تحلیل رویزونیستی "لهدوان" همه آموزشهای لنینیستی را مورد تجدید نظر قرار

داده و همصدا با مریدین خروخوفی جنین و انمود میسازد که کوبا دشواری امروز طبقات متخاصم و مبارزه طبقاتی وجود ندارد و کوبا دشواری ملزومات طبقاتی و سیاسی - ایدئولوژیکی کمونیسم برقرار است و فقط ختمان تولیدی و تکنیکی کمونیسم مطرح است!!

بنا بر این علاوه بر اینکه شوروی "لهدوان" یک نشوری ضدما رکیستی است، در عین حال نظهر بورژوازی امپریالیستی دشواری بوده و جز مشاطه گری سوسیال امپریالیسم شوروی چیزی

دیگری نیست. این تبلیغات ضد انقلابی فقط هدف به انحراف کساندن مبارزه طبقاتی را، تعقیب نموده و یکی از دشمنان بیرونی و داخلی و خلقهای جهان را "دوست و یشتیان" معرفی می نماید. "لهدوان" رویزونیست که امروز در راس حزب و بسا قهر ردارد مانند همه رویزونیستها به بیرونیاری بسن المللی دروغ میگوید و بسا مبدعه که خود را در کنار بیرونیاری و انقلاب بلکه در کنار سوسیال امپریالیسم و سرمایه قرار گرفته است. ادامه دارد.





## ۴۰ ساعت کار در هفته اجرا باید گردد!

### شرکت ملی گاز هوانا جاری:

بنیاد از یک ماه است که کارکنان این شرکت بر علیه قانون ۴۴ ساعت کار در هفته دست به مبارزه زده و در این رابطه پنجشنبه‌ها را تعطیل کرده‌اند. هیئت رئیسه شرکت ملی گاز هوانا در انجمن اسلامی که از این اقدام ممانعانه و متحد کارگران بوحشت افتاده بودند، طی بخشنامه‌ای از کارکنان دعوت کرد که برای تأیید جمهوری اسلامی فعلا پنجشنبه‌ها را سرکار فرار شوند تا بعد از طریق قانونی به مسئله رسیدگی شود. آنها اینطور وانمود کردند که گویا با خواست کارگران مبنی بر تعطیل پنجشنبه‌ها موافقت اما کارگران که در تجربه مبارزاتی خود به ماهیت عوامفریبی‌های رژیم نوگراش پی برده بودند فریب این توطئه فدکاگری آنها را نخورده و کماکان پنجشنبه‌ها سرکار حاضر شدند. کارگران تا زمانیکه اتحاد خود را حفظ کرده و بر آن گامی طبقاتی خویش بیافزایند، همواره خواهند توانست توطئه‌های رنگارنگ سرما به داران برای استثمار هر چه بیشترشان را خنثی کنند.

## اخبار کوتاه کارگری

### کارخانه مقدم (نظر آباد):

کارگران این کارخانه که سال گذشته سه ماهه سود ویژه دریافت کرده بودند، بعد از تصمیم دولت مبنی بر برداشت ۲ ماهه سود ویژه تصمیم به

اعتصاب میگیرند، اما شورای کارخانه بعد از مذاکره با کارفرما اعلام میکنند که «علیرغم مخالفت کارفرما با ایده‌ها، ما سه ماهه سود را بگیریم ولی یکماه آنرا برای کمک به جنگزدگان به دولت می‌دهیم» و بدین منظور از روز ۱۱/۱۱/۵۹ جلوی خروج تولید را گرفته و در عوض کارگران را به تولید بیشتر دعوت میکنند. این تصمیم سازگاری با شرایط آنها موجب رضایت کارگران میشود، بلکه جلوی اعتصاب کارگران را میگیرد. بدین ترتیب شورا عملا به نفع کارفرما و دولت فدکاگری اقدام ننمود. در صورتیکه اگر کارگران دست به اقدامی قاطع و انقلابی میزدند میتوانستند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند.

### توقره زیبا:

بعد از دزدی ۲۰ میلیون تومانی مدیر دولتی این کارخانه، کارگران مصمانه خواهان محاکمه شورای فدکاگری و مدیریت شدند. بدین ترتیب مدیریت جدید کارخانه و شورا تحت فشار کارگران مجبور به تشکیل مجمع عمومی گردیدند. آنها سعی کردند که ۲۰ میلیون تومان را به علت قطع برق و کمکاری کارگران جلوه دهند، اما در مقابل هوشیاری و اتحاد کارگران این حیلشان موثر واقع نشد. کارگران شورای فرمایشی را منحل اعلام کردند و برای ایجاد شورای واقعی خود دست به مبارزه زدند. اما مدیر جدید کمک ایادی خود دست به تشکیل شورای کارفرمایی دیگری میزدند که با مقاومت کارگران مواجه میگردد. بعنوان نمونه روز ۸ بهمن کارگران با اعتراض دستجمعی خود نسبت به بسته شدن ناها رگوری و وضع بد شرکت تعاونی اراده خود را در مخالفت با «شورای» جدید و خواست تشکیل شورای واقعی شان را به نمایش گذارند.

### بقیه از صفحه ۲۹ توطئه‌های...

احتمال که آمریکا بتواند اختلاف جدید طبقاتی بوجوردیبا وارد وجود دارد. هما نظور که در ایران بختیاری را شریک در قدرت نمود، اما آیا با این اقدام نمیتوان از رشد انقلاب جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سوال بستگی به اوضاع جنبش و رهبری آن دارد. اینکه آمریکا با بهانه‌ها به بازرگانها و بهشتی‌های السالوادوری یا از طرف دیگر بتوانه جنبش را در نیمه راه نگه دارد محتمل است چرا که در السالوادور حزب کمونیست وجود ندارد.

سوسا لیسماست بیگمرا نه طی خواهند کرد. با در فیک بیگا رگر محمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد! با در فیک بیگا رگر محمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد!

بقیه از صفحه ۲ از شروع... عواقب زیبا نما جنگ را مشاهده میکنند. آنها میدیدند که با رنج بردوش کارگران و زحمتکشان فشا ر میاورد، در حالیکه در زندگی سرما به داران کوچکترین تغییری حاصل نشده و حتی به آنها نه جنگ تلاش میکنند تا کارگران را بیشتر استثمار کرده و جیبهای خود را پرتر بنا بند، فقر آگرا نی، بیماری آگرا نی و آوارگی و با لایزه کشته و محروم شدن در جنگ از آن کارگران و زحمتکشان است. در حالیکه سرما به داران نه تنها از این عوارض جنگ مضمون هستند، بلکه با توسل به احتکار، افزایش شدت تولید و... همچنان به غارتگری و استثمار خود ادامه میدهند. بدین ترتیب ماهیت ارتجاعی جنگ کمکم برای کارگران روشن میگردد.

تخا دهای دوجناح رژیم وانعکاس آن در کارخانه نیز روز بروز جادتر میگردد. از آنجا که شبکه ماهیت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی برای اغلب توده‌ها و از جمله کارگران این کارخانه آشکار شده بود و از آنجا شبکه نیروهای کمونیست و انقلابی در کارخانه نفوذ زیادی نداشتند، تقاضای مذکور به نفع افزایش نفوذ بنی صدر، در کارخانه انعکاس می یافت. از طرف دیگر تولید کارخانه به علت اختلافات و درگیری میان مدیران کارخانه و در رابطه با آن نرسیدن بارهای از لوازم، تولید متوقف گردیده بود و بدین جهت مشکل بسراه انداختن کارخانه و جلوگیری از بیگاری شدن، بر سر مشکلات کارگران افزوده شده بود. مدیران دولتی کارخانه بعد از دزدی دانشا تعویض می شدند. انجمن اسلامی سعی میکرد در کارها بیشتر دخالت کرده و مدیران وابسته به حزب جمهوری را سرکار رسیا ورد. بدین منظور بنا بندهای نیز از سوی رجائی بکارخانه میا بد که با تعویض هیئت مدیره طرفدار لیبرالها، این درگیریها نیز خاتمه میابد. اکنون بعد از گذشت پنج ماه از شروع جنگ، توهانات شوونیستی کارگران فرو ریخته و دیگر از آن شور و شوق کاذب دربارا رد دفاع از میهن سرما به داران، اثری نیست. خواسته های منفی کارگران دارد شکل میگردد شورای فدکاگری کارخانه که این مدت به همکاری با مدیریت پرداخته بود، کاملاً بی اعتبار شده و چندی پیش مجبور به استعفا میشود. انجمن اسلامی نیز نه تنها نتوانسته در میان کارگران با بگیرد، بلکه روز بروز رسوا تر میگردد. بطور خلاصه کارگران کارخانه توهمن در مورد اینکه کسی با زگانی از بالا بیاید و وضعشان را رو برآه کند، گاملا در هم شکسته است و جنبه مناسی دارند تا بکنک کمونیست. عروهای انقلابی به نیروی لایزال خودشان پی بر میارند و با نشان را بر علیه سرما به داران و امپریالیسم به پیش برند.

### بقیه از صفحه ۷ خون...

قدم در راه آزادی طبقه کارگرها دودر صف "دانشجویان و دانش آموزان پیکار" به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی ادامه داد. رفیق پیکار رگربا آشنائی نزدیک به درد و رنج زحمتکشان و با صلح شدن به ایدئولوژی تاریخا طبقه کارگر با استقامتی کمونیستی در مبارزات توده‌ها شرکت میگرد رفیق پیکار رگربا با مشتها شی گره کرده و در حالیکه زیر پرچم سرخ کارگران جهان متحد شوید - سرود رها شی زحمتکشان را سر داده بود، استوار و دلاورانه به شهادت رسید تا برگ پرافتخار دیگری بر مبارزات کمونیستهای قهرمان بیافزاید. با مرگ سرخ این کمونیست جوان، رفیق و همزمانش استوار تر از پیش راه سرخ او را که راه انقلاب، راه جمهوری دمکراتیک خلق و راه

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



امروز مثل  
سابق نیست!!

یادداشت‌های  
سیاسی  
هفتگی

حزبی‌ها، گره  
لیبرال‌ها را با دندان  
می‌گشایند

آیت الله خمینی روز دوشنبه گذشته نطقی کرد که اساس آن در این سؤال خلاصه می‌شد: آیا حالا مثل سابق است؟ "در این نطق آیت الله خمینی بکار دیدگر نما بینندگان بخش‌های مختلف رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را مورد تائید صریح خود قرار داد، یکبار دیدگر از سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم دفاع نمود و یکبار دیدگر کوشید تا با عوام فریبی، کارگران و توده‌های زحمتکش را تحمق نموده و مبارزات آنان را منحرف سازد.

همانطور که میدانیم فشارهای از دستم و استثمای بورژوازی حاکم، بحران سرمایه‌داری وابسته و جنگ خانمان سوز کنونی، کارگران و سایر توده‌ها را به فقر و فلاکت سیاسی بدهای کشانده است و آنان را بیش از پیش به مبارزه آشکارتر علیه رژیم سوق داده است. بی‌اعتمادی توده‌های زحمتکش نسبت به رژیم سرعت افزایش می‌یابد و آنها در تجربه خود گفته‌های کمونیست‌ها را درمی‌یابند که این رژیم ما سندی رژیم شاه مدافع سرمایه‌داری و دشمن زحمتکشان است. کارگران و سایر توده‌ها بیش از پیش از رژیم جمهوری اسلامی بیزار میشوند چرا که در زندگی روزمره خود می‌بینند که رژیم کنونی در صدد بازحمت‌کشان ما سندی رژیم شاه است. اما نمایندگان رژیم میکوشند این واقعیت را پنهان کرده و توده‌ها را فریب دهند. خمینی میگوید: "می‌گویند جمهوری اسلامی هم همان نظام شاهنشاهی است... یک لفظی را برداشته اند روی نظام شاهنشاهی گذاشته اند و اسمش را گذاشته اند جمهوری اسلامی محتوی هم همان نظام شاهنشاهی است." و سپس خمینی در مورد اینکه چرا رژیم حاکم با رژیم شاه متفاوت است در عین تائید همه جناح‌های رژیم یعنی لیبرال‌ها و حزبیه می‌گوید: "آبانی صدرمانند شاه است و آب کرده را او همانند کردارهای شاه می‌باید، او می‌گوید آب را جاشی مانند نخست‌وزیران زمان شاه است؟ آب بهشتی و رشنجانی... ما نند عوام رژیم گذشته می‌باشند؟ و بالاخره خمینی به سؤالات فوق پاسخ میدهد که "حالا مثل سابق نیست!"

این واقعیتی است که رژیم سرسپرده شاه خاش بر اثر مبارزات دلاورانه خلق سرنگون شد و دولت موقت که محصول سازش خمینی، حزبیه‌ها، لیبرال‌ها و امپریالیسم بود بر سر کار آمد. این واقعیتی است که رژیم شاه یک رژیم کملاً کار -

گزاره‌ها و نوکرا میرا لیس آمریکا بود رژیم جمهوری اسلامی اگر چه وابسته می‌باشد اما همانند رژیم شاه کارگزار آمریکا نیست و بالطبع از این حیه رژیم جمهوری اسلامی ما سندی رژیم سلطنتی شاه مزدور نمی‌باشد. اما آنچه که ما سندی است اینست که رژیم جمهوری اسلامی ما سندی است که رژیم ارتجاعی و بورژوازی بوده، مدافع سیستم سرمایه‌داری وابسته و جزو اردوگاه امپریالیسم جهانی بشمار میرود. آنچه که واقعیت دارد اینست که رژیم جمهوری اسلامی ما سندی رژیم شاه سرکوبگر جنبش توده‌ها، انقلابیون و کمونیست‌ها می‌باشد. گمانه‌ها برای فریب دادن توده‌ها این حقایق را می‌پوشاند. مگر این رژیم جمهوری اسلامی نیست که از بورژوازی دفاع میکند؟ مگر این رژیم حاکم نیست که همچنان قرارداد‌های اسارت با امپریالیست‌ها منعقد میکند؟ مگر این رژیم کنونی نیست که کارگران و سایر توده‌ها را استثمای میکند و کمونیست‌ها و سایر انقلابیون را ترور میکند و با خوجه‌های اعدام می‌سپارد؟

آری محتوای رژیم حاکم همان محتوای رژیم پهلوی است. از نقطه نظر طبقه کارگر هر دو رژیم دشمن انقلاب و خلق‌های ستم‌دیده ایران بوده و می‌باشند.

آیت الله خمینی میگوید: "آب زنگی آقای رجائی و سایر وزرا از قبیل وزیر کشور و دیگران نظیر زندگی از هاری‌ها، شرف‌آما می‌ها و بختیارهاست و جنایت آنها را همایشان دارد انجام میدهد." در جواب با بدگفت اولاً از زمانی که حکومت جمهوری اسلامی و نمایندگان حزبیه و لیبرال آن بر سر کار آمده اند می‌باید درها نومان از دسترنج توده‌ها را با خود بطور پنهان و آشکار چپاول نموده اند و با حلقه‌موم امپریالیست‌ها فرو کرده اند (وما با رها و با رها این حقایق را افشا کرده ایم) و تا نما مسئله اساسی اینست که بنی صدرها و رجائی‌ها و بهشتی‌ها از کدام طبقه حمایت کرده و یکدما طبقه خدمت میکنند و نسبت به کدام طبقه ستمگری اعمال می‌نمایند. طبقه کارگر و توده‌های آگاه ما فریب این عوام فریبی‌ها را نخواهند خورد. آنان می‌بینند که بنی صدرها و رجائی‌ها و بهشتی‌ها نمایندگان بورژوازی بوده‌اند و از این طبقه استثمای کرده‌اند. آری بنی صدرها و

هر قدر مبارزات توده‌ها اوج بگیرد و انقلاب به پیش می‌رود. تظاهرات‌های جناح‌های هیات حاکمه عمیق‌تر گشته و دشمنان انقلاب بیشتر به جان یکدیگر می‌افتند. این تظاهرات از همان آغاز حیات رژیم، عمل کرده و به موازات گسترش جنبش عوامان سرگردیده‌اند، به نحوی که در حال حاضر به نقطه‌ای رسیده که ترور رژیم بعنوان یکی از راه‌حلی‌های بگسی از جناح‌ها در دستور کار آن قرار می‌گیرد. به کار گرفتن ترور رژیم به این نقطه اوج سیاسی بدهای از رشد توده‌ها و حزبیه و لیبرال‌ها می‌باشد.

در سخنرانی ۲۲ بهمن اگر چه زینرفشار خمینی، بنی صدر نسبت به حزبیه جان‌باعتدال را در پیش گرفت اما این امر هرگز بدان معنا نبود که توده‌ها فروکش کنند. حزبیه اگر چه بر دستگاه دولتی غلبه یافته و اعمال می‌کنند اما لیبرال‌ها برای بردن سهم بیشتری از قدرت میکوشند بر جنبش توده‌ها سوار شده و بر حزبیه‌ها بنا زند لیبرال‌ها در پی آنتند تا رقیب را با شین کشیده و خود بر دستگاه دولتی اعمال سیاست نمایند. در برابر این فشار حزبیه به حملات متقابل دست زده و حتی از کار گرفتن ترور رژیم علیه لیبرال‌ها و سایر طرفداران آنها خودداری نمی‌کنند. در روز اگر حزبیه به لیبرال‌ها آمریکا-ئی و غیرمکتبی و لیبرال‌ها به حزبیه "مستبد و دیکتاتور" می‌گفتند و اگر در نظر هرات مشهد، اصفهان، قم و غیره لیبرال‌ها به قدرت نمایی دست زده و این نمایش قدرت مورد هجوم چاقی - داران حزبیه قرار می‌گرفت، امروز در کرمان شخصی بنا عملی فداشی که طرفدار بنی صدر بود ترور می‌شود و بالاخره در کومچنهان حجت الاسلام لاهوتی که به طرفداری از جناح لیبرال‌ها سخنرانی می‌کرده، مورد حمله مسلحانه افراد مسلح جناح حزب قرار می‌گیرد.

در حقیقت اگر لیبرال‌ها یا ضد انقلابی در مقابل حزبیه فریبکارانه خود را آزاد بخواهند نشان داده و میکوشند تا با سوار شدن بر جنبش توده‌ها حزبیه را به عقب نشینی وادار سازند، حزبیه‌ها یا ضد انقلابی از آنها که به بنحویسپار زیادی نفوذ خود را از دست داده و به لحاظ غلبه خود در قدرت نمیتوانند به بازی نمودن نقش اپوزیسیون دست زنند، به ترور رژیم علیه جناح دیگر روی می‌آورند. البته هرگز نباید فراموش

بقیه در صفحه ۲۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست